

سوکند به قلم و آنچه می نویسند

جزوه حقوق اساسی ۲

جمع آوری: دکتر امید ملاکریمی
(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)
حیرت انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

کیه که ندونه درس حقوق اساسی، از مهم ترین دروسه! تصمیم گرفتیم که برای این درس که داوطلبان برای فراگیری آن دچار مشکل بوده و متأسفانه به منبع جامع و ساده فهم دسترسی نداشته و بعضاً درگیر تشتت منابع می شوند کتاب جزوه طور کاملی رو تهیه کنیم که شرح روان و بیانی ساده دارد. سعی بر آن شده که جامعیت در کنار اختصار بنشیند و مطالب به نحوی تدوین شود که نظم منطقی اوون به سردرگمی تبدیل نشه. مطالعه ی این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون های تخصصی حقوقی مانند ارشد و دکتری توصیه می شود. ضمناً باید بگم: ده ها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایت (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می کنید!

تمرکز اصلی کار من در این نوشته و بقیه جزوات گذاشته شده در وبسایت (مثل جزوات حقوق مدنی، آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی و ...) اینه که مثل یه گاو بنفش در بین سایر گاوها که سیاه و سفید هستند متمایز باشم!! در واقع این، هدف من است که متفاوت باشم و در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق، کارهای متفاوتی نسبت به دیگران انجام بدم. می خوام نوشته هام مثل گاو بنفش باشه که واقعاً در خور توجه باشه. حتماً دیدید آدم هایی رو که با یه ویژگی خاص، خودشون رو متفاوت و منحصر به فرد نشون می دن؛ مثلاً عینک زرد می زنن یا یه مدل موی خاص خودشون رو دارن؛ من هم می خوام با «ساده نویسی» و آوردن مثال های ساده فهم متفاوت باشم و با این ویژگی، به چشم بیام. من کمترین می خوام که بهترین تبلیغ برای کارهام، تمایز و انجام کاری نو و جالب توجه باشه. نمی خوام از این جمله کلیشه ای ها بگم ولی «کلید موفقیت، متفاوت بودن».

من این «متفاوت بودن» رو در جزوه هایی که به رایگان در دسترس دانشجویان حقوق گذاشتم، نشون دادم. در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست های آزمون های هر سال، به روز می شه و چنانچه پی دی اف یا نسخه چاپ شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه نام و نام خانوادگی خودتون رو به فارسی به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیامک یا واتس اپ کنید تا از آخرین تغییرات این جزوات و اخبار حقوقی و جزوات جدیدی که نگارش می شه مطلعتون کنیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادها و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه های فوق یا ایمیل (mollakarimi.omid@gmail.com) بیان فرمایند.

مقدمه

به صورت چریکی، کلّ حقوق اساسی ۲ را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که به سادگی خوردن یک سوپ مرغ به صورت شیوا و رسا آن را بفهمید. ما اوون قدیم که دانشجوی کارشناسی بودیم، استادامون بهمون کتابای اصلی رو معرفی می‌کردند. وقتی این کتاب‌ها رو دست‌مون می‌گرفتیم با یک‌سری اصطلاحات قلمبه‌سلمبه چقرِ حقوقی مواجه می‌شدیم که ارزش چیزی نمی‌فهمیدیم و نهایتاً حوصله‌مون سر می‌رفت و زده می‌شدیم؛ البته باید گفت که مشکل از خودمون بود که اوون اصطلاحات رو در سال‌های دوره کارشناسی نمی‌فهمیدیم، چون مفاهیم پایه رو نمی‌دونستیم و یکی باید اول به زبون داستانی و با مثال‌های روشن برامون قصّه می‌گفت و بعد، برامون خواندن اصطلاحاتِ ثقیل و دشوار، مثل خوردن هلو می‌شد! در سال‌های اخیر که «شبکه‌های اجتماعی»، ادبیات عامیانه رو ترویج دادن و مخاطب عمده این شبکه‌ها، دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها هستند، معلمِ حقوق باید به زبون اینستاگرامی برای اوونها تدریس کنه! اصلاً هنرِ معلّمی یعنی «ساده‌گویی»؛ خلاصه اینکه، حقوق اساسی رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روشِ خودم می‌کنم؛ قول می‌دم!

تقدیم به تمام کسانی که تابه حال هیچ‌به‌آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنامان!

مقدمه

حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران

حاکمیت، قدرت بزرگی است که اولاً، بر کشور و مردم آن اقتدار و برتری بلامنازع دارد، به ترتیبی که همگان در داخل کشور از آن اطاعت کنند و ثانیاً، کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار دهند.

ماهیت حاکمیت در قانون اساسی

اصل ۵۶ قانون اساسی ماهیت حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرده است، این اصل بیان داشته است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او (خداوند)، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.» این اصل از قانون اساسی، برای اصل حاکمیت دو مبنای الهی و انسانی قائل شده است:

۱. حاکمیت الهی

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان برای خدا است، بر اساس این اعتقاد، جهان هستی از اوست و هیچ‌کس جز خداوند ولیّ مردم نیست؛ بنابراین خداوند تنها حاکم جهان می‌باشد. این اصل زیربنای تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد؛ چون جمهوری اسلامی ایران نظامی است که بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت به خدا بنا شده است.

قانون اساسی حاکمیت خداوند در جمهوری اسلامی ایران را از راه اعمال قوانین اسلامی و رهبری اسلامی بیان می‌کند:

- اعمال قوانین اسلامی، در اصل ۴ قانون اساسی چنین بیان شده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

- پس از ولایت لازم‌الاطاعة پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و در زمان غیبت امام (ع)، حاکمان و دولت‌مردان باید از چنان شرایط علمی، اخلاقی و سیاسی برخوردار باشند که با تکیه بر آن، فرمان‌هایشان اجرا شود، حکومت و زمامداری جامعه به معنای «ولایت» بیان گردیده و شخص حاکم را «ولیّ مسلمان» و یا «ولیّ امر» می‌نامند. در این مورد اصل پنجم قانون اساسی چنین بیان داشته است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل ۱۰۷ عهده‌دار آن می‌گردد.»

۲. حاکمیت ملی و مردمی

در بخشی از اصل ۵۶ آمده است که: «هم او (خداوند)، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.» که مبین حاکمیت مردم و دموکراسی مستقیم است، در قسمت دیگر این اصل اعلام شده است: «ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.» که نشان‌دهنده قبول حاکمیت ملی و دموکراسی غیرمستقیم می‌باشد.

شکل حکومت در نظام جمهوری اسلامی ایران

اصل ۵۷ قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

تفکیک قوای سه‌گانه

نظریه تفکیک قوا در کتاب روح‌القوانین مونتسکیو به طور واضح بیان گردیده است؛ و کشورهای دنیا آن را پذیرفته‌اند، این اصل که مورد پذیرش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، تبیین‌کننده شکل حکومت در کشور ایران است.

اصل تفکیک قوا، تدبیری برای محو استبداد، دفاع از آزادی مردم، مقابله با فساد و سوءاستفاده از قدرت و نابود ساختن اقتدار حکامی است که خود را مافوق همه چیز و همه کس تصور می‌کنند. اسلام سرسختانه با استبداد مقابله می‌کند، چون هدف از تفکیک قوا نیز جلوگیری از استبداد است، این علت مشترک راه همزیستی دو نظام (نظام اسلامی و نظام تفکیک قوا) را هموار می‌سازد.

بر اساس اصل ۵۷ ام قانون اساسی، هر یک از قوا متصدی امری از امور زمامداری کشور می‌گردند و قسمتی از حاکمیت را از طریق سازمان‌های مربوطه به ترتیب ذیل اعمال می‌نمایند:

۱. «**اعمال قوه مقننه** از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.» (اصل ۵۸)
۲. «**اعمال قوه مجریه** جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزراء است.» (اصل ۶۰)
۳. «**اعمال قوه قضائیه** به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.» (اصل ۶۱)

نهادهای خاص در اعمال حاکمیت

با بررسی اصول قانون اساسی به نهادهایی برمی‌خوریم که به نحوی مستقل از قوای سه‌گانه قابل بررسی است. این نهادها عبارت‌اند از:

۱. **شوراها** که از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند و در سطوح مختلف محلی تشکیل می‌گردند و اعضای آن را مردم محل انتخاب می‌کنند.
۲. **صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران** که هدف آن تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی است، نصب رئیس آن با مقام رهبری و نظارت بر آن نیز بر عهده نمایندگان قوای سه‌گانه است.
۳. **شورای عالی امنیت ملی** که هدف آن تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است، به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد و مصوبات آن پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.
۴. **مجمع تشخیص مصلحت نظام** که به منظور تشخیص مصلحت در صورت بروز اختلاف اساسی بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و همچنین مشاوره با رهبری در حلّ معضلات نظام و سایر امور است که به دستور رهبری تشکیل می‌گردد و اعضای آن را مقام رهبری تعیین می‌نماید.

رهبری

دین اسلام، پس از تأکید بر حاکمیت بلامنازع خداوند، در مقام ردّ تسلط انسان بر انسان، به امر زمامداری به عنوان آیین زندگی توجه داشته و آن را تحت شرایطی خاص مورد تأیید قرار داده است.

در قرآن کریم درباره رهبری آمده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند، پیامبر و اولوالأمر اطاعت کنید و هرگاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید.

مفسران منظور از کلمه «امر» در این آیه را «امارت» و «حکومت» و اداره امور و شؤون امت اسلامی دانسته‌اند. در مورد «اولی‌الأمر» تفاسیر زیادی ارائه شده است؛ اما همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولی‌الأمر امامان معصوم می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شؤون زندگی، از طرف خداوند و پیامبر به آنها سپرده شده است و غیر آنها را شامل نمی‌شود و ستمی را در جامعه بر عهده گیرند، با شروط معینی اطاعت آنها لازم است، نه به خاطر اینکه اولوالأمر هستند؛ بلکه به خاطر اینکه نمایندگان اولی‌الأمر می‌باشند.

دیدگاه‌های مربوط به دین و سیاست

بر فرض ضرورت رهبری برای جامعه در زمان غیبت امام (ع) آیا مسلمین باید خود را فارغ از قضیه دانسته و با وجود هر حکومتی (خوب یا بد) به زندگی خویش ادامه دهند و یا در امر زمامداری قصد انشاء داشته باشند؟ در این خصوص، دو دیدگاه مشاهده می‌شود:

۱. در کشورهای اسلامی، همانند کشورهای اروپایی مسیحی، این اندیشه نزد بعضی از متفکرین و فقیهان و هواداران آنها به وجود آمده که اسلام به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان توجه ندارد و سر و کار آن فقط با امور و رفتار اشخاص است. علت دوری و فاصله گرفتن علمای اسلام از سیاست و حکومت را، مشاهده اعمال و رفتار حکام و خلفای ستمگر در امر حکومتی در طول قرون پس از اسلام، همکاری برخی از علمای دینی با دستگاه‌های حکام ظالم و همچنین ناشی از تبلیغات استعمارگران دانسته‌اند.
۲. نظر دیگری که حکایت از وحدت بین دین و سیاست دارد، متکی به آن دسته از مفاهیم قرآنی است که امور و شؤون زندگی اجتماعی را مبنای قرار داده و احکامی را برای آن بیان نموده است. مسائلی نظیر قضا، مالیات، جنگ و جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، احکام حقوقی و جزایی و نظم و عدالت از جمله اموری است که در زمره احکام سیاسی و حکومتی قرار می‌گیرد.

اوصاف رهبری

۱. **علم:** رهبر اسلامی باید دارای مقام علمی باشد تا به تشخیص قوانین الهی، مسائل سیاسی و سایر عناوین اجتماعی، قادر به حل و فصل امور باشد.
۲. **ایمان و اعتقاد:** ایمان و اعتقاد برای رهبری، ایمان جامعی است که در آن معرفت قلبی، اقرار زبانی و الزام عملی به ارکان اسلام باشد.
۳. **اخلاق (عدالت و تقوا):** عدالت‌خواهی سرآمد حقوق فطری انسان‌ها در تمام زمینه‌ها است. از زمامدار سیاسی انتظاری جز اجرای عدالت نمی‌رود. همچنین حاکم اسلامی باید از آلودگی‌های اخلاقی مانند بخل، طمع، حرص، سازش‌کاری و جاه‌طلبی به دور باشد.
۴. **شرایط شخصی:** یکی از شرایط رهبری «مرد بودن» می‌باشد، هرچند که در فقه شیعه ظاهراً بایی به این عنوان گشوده نشده است؛ اما در باب قضاوت، ادّعی اجماع فقها به ضرورت مرد بودن است. «حلال‌زادگی» شرط دیگری است که برای حاکم و قاضی در نظر گرفته شده است.
۵. **آگاهی سیاسی و توانایی مدیریت:** رهبری و ولایت، امر خطیری است و صرف داشتن شرایط علمی، تقوایی و اخلاقی فرد را واجد صلاحیت رهبری نمی‌نماید:

۱. سیاست‌پدیده پیچیده‌ای است که اعمال آن خرد خاص خود را می‌طلبد. آشنایی با ظرایف سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی به رهبری این امکان را می‌دهد که در هر زمان، با توجه به مقتضیات، تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. وجود پاره‌ای خصایص برجسته برای رهبر را می‌توان تدبیر و شیء سیاسی نامید که با بکارگیری آن می‌توان به تصمیم‌گیری شایسته دست یافت.
۲. شجاعت نیز لازمه رهبری شایسته است و خطیر بودن امر رهبری آن را ایجاب می‌کند. تصمیمات مهم سیاسی و نظامی در مقاطع حسّاس نیازمند قاطعیت مدبرانه و شجاعانه است تا با اتخاذ آن جامعه از سرگردانی نجات پیدا کند.
۳. قدرت مدیریت خصلت دیگری است که رهبر با دارا بودن آن، می‌تواند در ارکان دولت انسجام برقرار کرده و امور را به نحو شایسته سازماندهی نماید.

چگونگی تعیین رهبر

در زمان غیبت فقیه واجد شرایط رهبری با رأی مردم توانایی اعمال ولایت را پیدا می‌کند. در این زمان، انتخاب زمامدار توسط مردم به دو صورت امکان‌پذیر است:

۱. اینکه مردم در یک انتخابات عمومی مستقیم به انتخاب رهبر بپردازند، همچنان که رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند. این شیوه انتخاب شبیه همان نظام ریاستی در بین نظام‌های سیاسی به نظر می‌رسد. اشکالی که بر این حالت وارد است، آن است که چون رهبر ابتدا باید از شرایط ذاتی و بالقوه‌ای برخوردار باشد تا به نمایندگی از طرف شارع بتواند انجام وظیفه نماید، شناخت این شرایط از طرف مردم معمولی بسیار مشکل بوده و احراز آن با رأی مردم میسر نیست، بلکه تشخیص آن در توانایی کسانی است که تخصص و بصیرت لازم را در این خصوص داشته باشند.
۲. اینکه مردم افراد خیره و متخصص را به نمایندگی از طرف خود تعیین نمایند تا آنان در یک مجلس نمایندگی، فقیه واجد شرایط را انتخاب نمایند. این شیوه شبیه نظام پارلمانی به نظر می‌رسد.

رهبری در قانون اساسی

اصل اول قانون اساسی، اولین اظهار قانونی است که در آن، حکومت ایران با رأی مردمی بر مبنای جمهوری اسلامی تحت رهبری فقیه مرجع تقلید (امام خمینی) قرار می‌گیرد. تأسیس نهاد «ولایت فقیه»، در اصل ۵ ام قانون اساسی ۱۳۵۸ می‌توان مشاهده نمود که اعلام می‌دارد: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل ۱۰۷ عهده‌دار آن می‌گردد.»

در بازنگری ۱۳۶۸ قانون اساسی تغییراتی در اصل مذکور بدین شرح به وجود آمد:

«در زمان غیبت حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.»

شرایط و صفات رهبر در قانون اساسی

ضمن اینکه اصل ۵، ولایت امر و امامت امت را «بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر» دانسته است، اصل یکصد و نهم شرایط و صفات رهبر را بدین ترتیب دسته‌بندی نموده است:

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

اکنون به بررسی این شرایط می‌پردازیم:

۱. **صلاحیت علمی:** اصل پنجم، از نظر علمی، «فقیه» را در صورت احراز سایر شرایط، صالح امر رهبری دانسته است. فقیه کسی است

که عالم به احکام اسلامی بر اساس قرآن کریم و سنت معصومین (ع) و متکی به ادله تفصیلی باشد، به ترتیبی که بتواند، با درک مفاهیم و موضوعات قادر به صدور فتوای لازم باشد. بند یک اصل یکصد و نهم مصوب ۱۳۵۸ از جمله شرایط رهبری را «صلاحیت علمی ... لازم برای افتاء و مرجعیت» مقرر داشته بود، در حالی که اصل یکصد و نهم اصلاحی اشاره به «صلاحیت لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه» می‌نماید؛ بنابراین، در نظام جدید اصل «مرجعیت» از مجموعه شرایط علمی رهبری حذف شده است.

۲. **صلاحیت اخلاقی:** در اینکه فضایل اخلاقی یکی از شرایط لازم برای همه فقهای دین به شمار می‌رود، تردید و اختلافی نیست. این فضیلت اخلاقی را به «عدالت» تلقی می‌نمایند.

بند دوم اصل یکصد و نهم در این خصوص «عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام» را از جمله شرایط و صفات رهبر مقرر داشته است. بدین ترتیب، با تأکید به «تقوای لازم برای رهبری امت اسلام» صلاحیت اخلاقی مقام رهبری را نسبت به سایرین می‌توان سخت‌گیرانه پنداشت.

۳. **توانایی‌های شخصی:** بند سوم اصل یکصد و نهم «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری» را از جمله شرایط و صفات رهبری مقرر داشته است:

۱. مقصود از «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی» آن است که رهبر آن چنان به مسائل و موضوعات و قضایای سیاسی عالم، واقف باشد که بر آن اساس، هم قادر به اداره امور جامعه باشد و هم اینکه در جهت‌گیری‌های ظریف بین‌المللی تصمیمات به جا، شایسته و مفیدی به حال جامعه اتخاذ نماید.

۲. «مدیریت و تدبیر» عبارت از مجموعه استعدادهایی است که عندالامتحان، در رهبری، بارز و ظاهر می‌شود و او را در اجرای وظایف سنگین خودیاری می‌نماید. کشف این استعدادها از جمله مواردی است که در تعیین رهبر، یقیناً باید مورد توجه خاص قرار گیرد.
۳. «قدرت و شجاعت» نیز از جمله شرایطی است که یا از برجستگی‌های علمی و اخلاقی ناشی می‌شود و یا آنکه در زمره استعدادهای درونی رهبر به شمار می‌رود که به هر حال مقام رهبری این چنین مراتبی را می‌طلبد.

۴. شرط تابعیت و عدم پیش‌بینی آن در قانون اساسی

سکوت قانون اساسی نسبت به شرط تابعیت رهبری اصولاً موجب انصراف از آن نیست؛ بلکه می‌توان شرط «ایرانی‌الأصل بودن» برای ریاست جمهوری را با توجه به موقعیت بسیار خطیر ملی مقام رهبری به طریق اولی شامل وی نیز دانست.

تعیین رهبری

خبرگان رهبری

در خصوص خبرگان منتخب مردم، ذکر شده در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی، اصل یکصد و هشتم قانون اساسی چنین مقرر کرده است: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقها اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.»

اولین قانون انتخابات خبرگان بر اساس ولایت فقیه و در اجرای اصول ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ تدوین و تنظیم و برای تصویب تقدیم امام خمینی (ره) شده است.

به موجب ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری: «خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛

ب - اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد.

ج - بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل سیاسی روز؛

د - معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ه - نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی ...»

در مورد تشخیص صلاحیت علمی خبرگان، تبصره ۱ این ماده مقرر داشته است: «مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق، فقهای شورای نگهبان قانون اساسی می‌باشند»

به موجب تبصره ۲ این ماده: «کسانی که رهبر معظم انقلاب - صریحاً و یا ضمناً - اجتهاد آنان را تأیید کرده باشند، از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهد داشت»

انتخاب رهبر

«خبرگان رهبری درباره همه فقها واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند.» (قسمتی از اصل ۱۰۷ قانون اساسی)

به طوری که ملاحظه می‌شود، ملاک کار خبرگان در تعیین رهبری، عنایت و توجه به مجموعه شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم می‌باشد. پس از شناسایی فقهای واجد شرایط، بررسی و مشورت علی‌الاصول از طریق مقایسه شرایط فقهی صورت می‌گیرد و ملاک کار، انتخاب اصلح است. اصل یکصد و هفتم با بیان شرایط اضافی «اعلمیت»، «مقبولیت» و «برجستگی خاص»، خبرگان را برای مقایسه دلالت نموده است:

۱. منظور از «اعلمیت» فقط اعلمیت فقهی و استنباط احکام نیست؛ بلکه اعلمیت در کلیه مسائل سیاسی، حکومتی، فقهی و امثال آن می‌باشد.
۲. مراد از «مقبولیت عام» آن است که فرد واجد شرایط رهبری، در بین سایرین از جهت اخلاقی، نفوذ اجتماعی، حسن شهرت، تقوا، درایت و غیره، آنچنان چهره مطلوب و شاخصی داشته باشد که توجه همه مردم را به خود جلب نماید.
۳. «برجستگی خاص» این گونه به نظر می‌رسد که فرد واجد شرایط رهبری در یکی از شرایط علمی، اخلاقی و سیاسی مذکور در اصل یکصد و نهم در بین هم‌قطاران خود کاملاً شاخص و مورد توجه خواص خبرگان و یا عوام جامعه باشد.

موقعیت رهبری

الف - موقعیت رسمی

۱. «رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت» (قسمتی از اصل ۱۰۷ ام)؛ بنابراین رهبر در مقام ریاست و حاکمیت کشور، در رأس هرم نظام قرار دارد و آن گونه که قانون اساسی مشخص نموده، احکام و دستوراتش نافذ و لازم‌الاتباع خواهد بود. رهبر پس از رسمیت، حاکمیت و سلطه تشریعی، تنفیذی و قضایی را بر امور و شؤون جامعه، از طریق قوای سه‌گانه و سایر نهادها دارا می‌باشد.
۲. رهبر عالی‌ترین مقام رسمی کشور است (مستنبط از اصل یکصد و سیزدهم) این موضوع در اصل ۵۷ که مقرر داشته است: «قوای حاکم، ... زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت است» به خوبی نمایان‌گر است.

ب - موقعیت شخصی

قانون اساسی، عموم افراد ملت را از هر قشر و طبقه‌ای که باشند، در مقابل قانون یکسان می‌داند و هیچ فردی نسبت به دیگران امتیاز فردی، گرهی و طبقاتی ندارد. این اصل کلی در خصوص رهبر به این ترتیب در اصل ۱۰۷ ام قانون اساسی تصریح شده است: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است»؛ بنابراین تمام قوانین مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و غیره که بر مردم حاکم است بر رهبر نیز حاکمیت دارد.

مسئولیت‌های رهبری

الف - مسئولیت سیاسی:

به موجب قسمت اول اصل ۱۱۱ ام: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد»

با این تصریح قانونی، مقام رهبری در مقابل مجلس خبرگان، مسؤول به نظر می‌رسد. بررسی وجود یا فقدان شرایط رهبری توسط مجلس خبرگان مستلزم نظارت مستمری است.

ب - مسؤولیت مالی و حقوقی

۱. «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.» (اصل ۱۴۲). نکته قابل توجه و قابل تأمل در این اصل آن است که رئیس قوه قضائیه، در عین آنکه منصوب مقام رهبری و مسؤول در مقابل وی می‌باشد، نظارت بر دارایی این مقام مافوق را بر عهده دارد.
۲. اصل برابری رهبر با سایر افراد کشور در برابر قوانین این مطلب را واضح می‌سازد که اصولاً کلیه قوانین مدنی، جزایی، اقتصادی، مالیاتی، نظامی و غیره برای مقام رهبری و خانواده وی همانند سایر مردم ایجاد حق و تکلیف می‌نماید و آن شأن و مقام به هیچ وجه رافع مسؤولیت‌های فردی وی نمی‌باشد.

جانشینی رهبر

رهبر و ولایت امر در نظام جمهوری اسلامی ایران مستمر بوده و کلاً یا جزئاً تعطیل‌بردار نیست. اما ممکن است مواردی پیش آید که وظایف و اختیارات رهبری بر حسب ضرورت بر عهده غیر رهبر قرار گیرد. قانون اساسی در این موارد ضوابط خاصی را بیان داشته است.

الف - تفویض اختیار

تفویض اختیار حالتی است که در آن، مقام صلاحیت‌دار بتواند برخی از وظایف و اختیارات خود را، در صورت پیش‌بینی قانون، با حفظ مسؤولیت و حق استرداد آنها به دیگری واگذار کند.

اصل یکصد و دهم قانون اساسی، ضمن بیان وظایف و اختیارات مفصل مقام رهبری، از آن جهت که ممکن است انجام آن مباحثاً مشکل باشد، مقرر داشته است: «رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.» تفویض اختیار مذکور به معنای سلب صلاحیت نیست؛ بلکه مقام یا مسؤول مفوض‌إلیه صرفاً به نمایندگی از طرف رهبری انجام وظیفه می‌نماید. این اختیار تفویض شده در هر زمان قابل لغو خواهد بود. علی‌رغم حق تفویض اختیاری که قانون اساسی برای مقام رهبری قائل شده است:

۱. رهبر فقط می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات قانونی خویش را واگذار نماید؛ زیرا واگذاری تمام آنها عملاً موجب خروج وی از صحنه سیاست و تعطیلی نهاد رهبری خواهد شد که این امر مخالف اصل استمرار ولایت فقیه می‌باشد.
۲. به نظر می‌رسد که بعضی از وظایف مهم و حساس نظیر عزل رئیس جمهور و اعلان و جنگ و صلح که در آن مصالح عالی نظام نهفته است قابل تفویض نباشد.

ب - توقف و پایان رهبری

گاهی اتفاق می‌افتد که انجام وظایف توسط شخص رهبر به طور موقت و یا دائم غیرممکن می‌گردد. در این خصوص، قسمت دوم اصل یکصد و یازدهم مقرر می‌دارد: «در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند.»

چون تعیین جانشین رهبری احتمالاً ممکن است نیاز به بررسی خردمندانه و صرف وقت داشته باشد و چون وظایف رهبری تعطیل‌بردار نیست؛ بنابراین لازم است که در مدت تعیین رهبری، فرد یا افرادی وظایف رهبر را بر عهده داشته باشند. اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی در این موضوع چنین بیان داشته است: «تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می‌گردد.»

اصل مذکور، برای انجام وظایف رهبری توسط شورا، قائل به تفکیک شده است:

۱. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ (تعیین سیاست‌های کلی نظام)، ۳ (فرمان همه‌پرسی)، ۵ (اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها)، ۱۰ (عزل رئیس‌جمهور) و قسمت‌های «د» و «ه» و «و» بند شش (نصب و عزل رئیس ستاد مشترک و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی) از اصل ۱۱۰ پس از تصویب سه‌چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. وظایف فوق را که با اشتراک مساعی شورای موقت رهبری و اکثریت سه‌چهارم اعضای مجمع قابل انجام است، می‌توانیم وظایف فوق‌العاده و مهم بدانیم.
 ۲. در سایر موارد که می‌توان آنها را عادی تلقی کرد، شورای مذکور بدون کسب نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام، وظایف رهبری را مستقیماً بر عهده می‌گیرد.
- در اصل ۱۱۱ به ناتوانی موقت رهبری نیز اشاره شده و مقرر گردیده است: «هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل، وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.»

وظایف و اختیارات رهبری در اداره عالی کشور

۱. در سیاست‌های کلی نظام

سیاست‌گذاری در امر کشورداری عبارت است از تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی است که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شود. منظور از سیاست کلی دولت در درجه اول تثبیت حاکمیت، استقرار نظم و حفظ حدود و ثغور استقلال کشور و منظور از مصالح جمعی ملت بکارگیری سیاست‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی، خدماتی، کشاورزی، بهداشتی و غیره است تا در آن خواسته‌های مردم برآورده شود. در این قانون، خطوط کلی سیاسی در وجوه و ابعاد مختلف پیش‌بینی شده است: محورهای سیاست عملی (اصل ۳)، آزادی و استقلال (اصل ۹)، سیاست خارجی (فصل دهم) و نظایر آن از جمله مواردی است که چارچوب کار زمامداران را مشخص نموده است.

مفهوم «تعیین سیاست‌های کلی نظام» را می‌توان نوعی توسعه اقتدار برای رهبری به شمار آورد. این توسعه اقتدار که راه را برای ورود و دخالت در جزئیات باز می‌نماید، در تضییق ابتکارات قوای مقننه و مجریه در انجام وظایف قانونی خود که همان اشتراک مساعی در «تعیین جزئیات سیاست‌های ملی» است، بی‌تأثیر نخواهد بود.

۲. فرمان همه‌پرسی (بازنگری قانون اساسی)

همه‌پرسی و مراجعه به آراء عمومی به سه صورت متصور است:

- همه‌پرسی تقنینی: وقتی است در مسائل مهم امر قانونگذاری به آراء عمومی گذاشته می‌شود.

در مورد همه‌پرسی تقنینی، اصل ۵۹ قانون اساسی، درخواست مراجعه به آراء عمومی را موکول به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس دانسته است.

✓ با توجه به اینکه رهبر فرمان همه‌پرسی را صادر می‌نماید، با موضوع مذکور در اصل فوق معارض می‌باشد. در این صورت به نظر می‌رسد که اختیار رهبر شامل همه‌پرسی تقنینی نباشد.

• همه‌پرسی سیاسی: وقتی است که رئیس کشور برای اتخاذ تصمیمات سیاسی فوق‌العاده با مراجعه به اکثریت آراء مردم، اعتماد آنها را نسبت به خود جلب می‌کند.

✓ در مورد همه‌پرسی سیاسی، هیچ قرینه روشنی در قانون اساسی مشاهده نمی‌شود؛ اما به نظر می‌رسد که مقام رهبری برای اتخاذ برخی از تصمیمات سیاسی و قانونی خود که با افکار عمومی و مشارکت مردم قابلیت ارتباط بیشتری دارد، از طریق مراجعه به آراء عمومی اعتماد مردم را جلب نماید.

• همه‌پرسی اساسی: برای تجدیدنظر در قانون اساسی صورت می‌گیرد.

✓ در مورد همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی قرینه فرمان همه‌پرسی توسط رهبری (موضوع بند سوم، اصل یکصد و دهم) را در قسمتی از اصل یکصد و هفتاد و هفتم می‌بینیم که مقرر داشته است: «مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید ... مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد»

۳. نظارت بر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ اصل ۱۷۵، با سپردن نظارت بر صدا و سیما به مقام رهبری، به این شرح به تصویب رسید: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت ...»

۴. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه

موضوع حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه تحت عنوان «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» (بند ۷ اصل ۱۱۰) در سال ۱۳۶۸ جزء صلاحیت‌های مقام رهبری قرار گرفت.

عنوان مذکور یک اصل کلی است که از طریق آن می‌توان به جزئیات مشخص دست یافت؛ زیرا اوضاع و احوال کشور در هر زمان مستلزم تدبیر و حرکت متناسب است. تنظیم روابط، در واقع یک عمل سیاسی است که نمی‌توان آن را در قالب موضوعات مشخص درآورد. اما به هر حال در صورت بروز اختلاف، مقام رهبری به علت اشرافی که بر قوای سه‌گانه دارد، می‌تواند به حکمیت و داوری بنشیند و اختلاف فی‌مابین را، هر چه که باشد حل کند. بدیهی است که در این صورت، اصول قانون اساسی حاکم بر قوای مذکور همچنان باید پابرجا باشد.

۵. حل معضلات نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام

با آنکه قانون اساسی، وظایف و اختیارات همه ارکان و قوای نظام را به تفکیک معین نموده است و کارهای حکومتی اصولاً طبق اصول و ضوابط مشخص باید صورت گیرد، برخی از مشکلات و مسائل، رهبری را به اتخاذ تصمیمات فوق‌العاده واداشته است.

وظایف و اختیارات رهبری در قوای سه‌گانه

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت ... إعمال می‌گردند.» (۵۷)

وظایف و اختیارات مقام رهبری که مرتبط با این اصل است، از قرار ذیل است:

۱. **رهبری در قوه مقننه:** شورای نگهبان متشکل از شش نفر فقیه عادل و شش نفر حقوقدان می‌باشد. انتخاب فقها با مقام رهبری است (اصل نود و یکم) نقش رهبری در قوه مقننه از طریق شورای نگهبان به ترتیب ذیل است:
 - ✓ «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد» (اصل نود و نهم قانون اساسی) صلاحیت شخصی نمایندگان و صحت جریان انتخابات به طور غیرمستقیم زیر نظر مقام رهبری می‌باشد.
 - ✓ تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است. (اصل ۹۶)
۲. **رهبری در قوه مجریه:** «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.» این امور از قرار ذیل است:
 - **فرماندهی کل نیروهای مسلح:** به استناد بند ۴ اصل ۱۱۰، «فرماندهی کل نیروهای مسلح». اطلاق این بند نشان‌دهنده مدیریت عام و تام می‌باشد. اقتضای نیروهای مسلح بر وحدت فرماندهی است؛ زیرا بدون وحدت امور نظامی و دفاعی کشور از انسجام لازم برخوردار نخواهد بود. قانون اساسی ضمن بیان این اطلاق، پاره‌ای از اقتدارات مهم مقام رهبری در نیروهای مسلح را تصریحاً بیان نموده است، این موارد از قرار ذیل است:
 - ✓ **عزل و نصب فرماندهان نیروهای مسلح:** نصب، عزل و قبول استعفای رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان نیروهای نظامی (زمینی، دریایی و هوایی) و انتظامی با مقام رهبری است.
 - ✓ **اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها:** حق و تکلیف اعلان جنگ بر عهده مقام رهبری است. در این خصوص، هرچند که این مقام به تنهایی فرمان صادر می‌کند، اما شورای عالی امنیت ملی به عنوان نهاد سیاست‌گذار در امور نظامی، وی را در اتخاذ تصمیم یاری می‌نماید.
 - ✓ **در شورای عالی امنیت ملی:** هدایت، راهبری و دخالت رهبری در شورای عالی امنیت ملی بدین ترتیب است:
 ۱. شورای عالی امنیت ملی سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور را در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری تنظیم می‌نماید.
 ۲. دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، در شورای مذکور عضویت دارد.
 ۳. مصوبات این شورا پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.
- **امضای حکم ریاست جمهوری:** به استناد بند ۹ اصل یکصد و دهم، امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. با مقام رهبری است.
- **عزل رئیس جمهور:** به استناد بند ۱۰ اصل ۱۱۰ که بیان داشته است: «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.» با مقام رهبری است.
- رئیس جمهور دارای مسؤولیت سیاسی و قانونی است؛ از نظر سیاسی، مجلس شورای اسلامی حق استیضاح رئیس جمهور را داشته و می‌تواند با اکثریت دوسوم آراء کل نمایندگان بر عدم کفایت سیاسی وی رأی بدهند و از نظر قانون دیوان عالی کشور رئیس جمهور را محاکمه می‌نماید. اما در هر دو صورت پیشنهاد عزل به مقام رهبری تسلیم می‌شود و آنگاه این مقام با در نظر گرفتن مصالح کشور، اقدام به عزل می‌نماید.
۳. **رهبری در قوه قضائیه**

- **نصب و عزل رئیس قوه قضائیه:** در بند ۶ (قسمت ب) اصل ۱۱۰ نصب و عزل و قبول استعفا «عالی‌ترین مقام قوه قضائیه» با عهده مقام رهبری است.
- **عفو و تخفیف مجازات محکومین:** عفو گذشتی است که بنا بر مصالح فردی و اجتماعی از ناحیه زمامداری کشور متوجه مجرمین و یا محکومین می‌شود. در حقوق جزاء اصطلاح «عفو» در مفهوم «عفو خصوصی». «عفو عمومی» به کار رفته و هرکدام دارای مبانی و آثار خاص خود می‌باشد. قانون اساسی جمهور اسلامی ایران نیز «عفو و تخفیف مجازات محکومین» را در صلاحیت مقام رهبری می‌داند.
✓ **عفو خصوصی:** عفو خصوصی عبارت است از بخشش توأم با عطفی است که زمامداران کشور، نسبت به فردی که مجرم شناخته شده و به حکم دادگاه محکوم گردیده، اعمال می‌نماید و در نتیجه محکوم علیه از تمام یا قسمتی از مجازات مقرر معاف می‌گردد.
✓ **عفو و تخفیف مجازات محکومین در قانون اساسی:** پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات‌ها با رئیس قوه قضائیه است. این مقام به لحاظ اینکه ریاست عالی تمام دستگاه‌های قوه مذکور را بر عهده دارد، ظاهراً با دریافت گزارش موارد ضروری تخفیف و یا عفو، آن‌ها را جمع‌آوری و به مناسبت برخی اعیاد مذهبی و یا ملی برای صدور حکم تقدیم مقام رهبری می‌نماید.

قوه مقننه

اعمال قوه مقننه

- قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران نهادی است که ریشه در آراء عمومی دارد و بر طبق ضوابط شرایط اساسی مدون، سهم قابل توجهی از حاکمیت در نظام سیاسی کشور را اعمال می‌کند. قانون اساسی، در بیان حاکمیت ملت اعمال قوه مقننه را به دو صورت مقرر داشته است:
۱. «اعمال (غیرمستقیم) قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.» (اصل ۵۸)
 ۲. «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.» (اصل ۵۹)

ترکیب قوه مقننه

قوه مقننه نظامی یک مجلس، اما دو رکنی است که هر یک از ارکان به وظایف خاص خود اقدام می‌نماید. این نهاد مرکب از دو رکن کاملاً متمایز: مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می‌باشد. به نحوی که بدون موجودیت و مشارکت هر دو رکن اعمال قوه مقننه میسر نمی‌باشد. مؤید این مطلب اصل ۹۳ ام قانون اساسی است که مقرر داشته است: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.»

انتخابات مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. (اصل ۶۲)

شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد. (اصل ۶۲)

دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. (اصل ۶۳)

دوره نمایندگی، نمایندگان نیز هم‌زمان با دوره مجلس است. در صورتی که بنا به دلایلی مانند فوت یا بیماری نماینده، حوزه‌ای فاقد نماینده‌ای باشد، از طریق انتخابات میان‌دوره‌ای نسبت به تعیین و انتخاب نماینده اقدام می‌شود؛ در چنین صورتی، دوره نمایندگی اینگونه منتخبین محدود به پایان دوره مجلس خواهد بود.

انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد. (اصل ۶۳)

در قانون اساسی و قانون انتخابات اشاره‌ای به تجدید انتخابات و دوره‌های نمایندگی نشده است. اما چون قرینه‌ای بر ممنوعیت آن وجود ندارد، می‌توان استنباط نمود که تجدید انتخابات نمایندگان برای دوره‌های متعدد بلامانع است.

بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه دستور تشکیل هیأت‌های اجرائی حوزه‌های فرعی را به فرماندار یا بخشدار حوزه‌های فرعی، صادر می‌نماید، اعضای هیأت اجرای از قرار ذیل است:

۱. فرماندار یا بخشدار محل (ریاست هیأت)

۲. رئیس اداره ثبت احوال محل

۳. نه نفر از معتمدین محل منتخب از بین سی نفر از افراد مورد اعتماد که توسط فرماندار یا بخشدار دعوت شده و مورد تأیید هیأت نظارت شورای نگهبان نیز قرار گرفته‌اند. «در شهرستان و بخش‌هایی که شورای اسلامی شهرستان یا بخش تشکیل شده باشد، یک نفر از اعضای شورا و به انتخاب شورا، یکی از نه نفر معتمدین مذکور خواهد بود.»

وظایف هیأت اجرائی را می‌توان به ترتیب ذیل خلاصه نمود:

۱. بررسی صلاحیت‌های قانونی داوطلبان نمایندگی پس از بررسی مراجع دی صلاحیت (وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال، اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌المللی) و اعلام نظر قطعی خود پس از ۱۰ روز.
۲. تعیین پنج نفر از معتمدین محل برای هر شعبه ثبت‌نام و أخذ رأی؛
۳. مسؤولیت صحت جریان انتخابات در حوزه انتخابیه؛
۴. انجام کلیه امور انتخاباتی بخش مرکز حوزه انتخابیه شهرستان؛
۵. همکاری با هیأت نظارت شورای نگهبان در رسیدگی به شکایات انتخاباتی
۶. مهر و امضاء اعتبارنامه منتخبین به دستور وزارت کشور همراه با مهر و امضاء هیأت نظارت.

شرایط انتخاب‌کنندگان

انتخاب‌کنندگان باید دارای تابعیت جمهوری اسلامی ایران و ۱۸ سال تمام و عاقل باشند.

شرایط انتخاب‌شوندگان

انتخاب‌شوندگان باید دارای تابعیت اصلی ایران، معتقد و ملتزم به اسلام و نظام جمهوری اسلامی، وفادار به قانون اساسی و اصل ولایت فقیه، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن، عدم سوء شهرت در حوزه انتخابیه و دارای سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی بوده و بین ۳۰ تا ۷۵ سال سن داشته باشند. (داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی از شرط اعتقاد به اسلام مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت‌العقیده باشند)

اعلام داوطلبی و تأیید صلاحیت

۱. داوطلبان واجد شرایط نمایندگی مجلس مقیم داخل کشور، باید ظرف هفت روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات به وسیله وزارت کشور، با مراجعه به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه، پرسشنامه مخصوص اعلام داوطلبی خود را دریافت و تکمیل و تسلیم نمایند. همچنین داوطلبان نمایندگی مجلس مقیم خارج باید، با مراجعه به نمایندگی‌های سیاسی مربوط، پرسشنامه داوطلبی خود را تنظیم و تحویل نمایند.
۲. وزارت کشور و شورای نگهبان، پس از وصول مشخصات داوطلبان در مراکز حوزه‌های انتخابیه، لیست کامل آنها را تهیه و به منظور بررسی، سوابق صلاحیت آنها، به مراجع ذیصلاحیت (وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌المللی) اعلام می‌دارد.
۳. وزارت کشور موظف است، پس از وصول نتایج بررسی، مراتب را به فرمانداران و بخشداران مراکز حوزه‌های انتخابیه به نحو مقتضی اعلام نماید.
۴. هیأت‌های اجرایی مراکز حوزه‌های انتخابیه، ظرف ده روز پس از پایان مهلت ثبت‌نام، صلاحیت داوطلبان را در رابطه با صلاحیت‌های قانونی، مورد رسیدگی قرار داده و نامزدهای واجد شرایط قانونی را در حوزه‌های انتخابیه تعیین می‌نمایند.

نظام حقوقی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت مستقیم و عمومی با رأی مخفی صورت می‌گیرد. (اصل ۶۲)

نمایندگان در مرحله اول با اکثریت حداقل یک‌چهارم کل آرا انتخاب می‌شوند. چنانچه در مرحله اول برای یک یا چند نفر از داوطلبان اکثریت مذکور حاصل نشود، تعداد دو برابر نمایندگان مورد نیاز باقیمانده که بیشترین آراء را در آن مرحله به دست آورده‌اند، به مرحله دوم راه می‌یابند و در صورتی که تعداد نامزدهای باقیمانده کمتر از دو برابر باشند، تمام آنان در مرحله دوم انتخابات شرکت می‌کنند.

توقف انتخابات

به موجب اصل ۶۸ ام قانون اساسی که بیان داشته است: «در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.»

نظارت بر انتخابات

نظام حقوقی کشور ما مبتنی بر نظارت مضاعف است:

۱. اولاً، شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد (اصل ۹۹)
۲. ثانیاً، پس از تشکیل و افتتاح مجلس، اعتبارنامه نمایندگان منتخب مورد بررسی و تصویب قرار می‌گیرد.

اداره مجلس

طبیعت کار قانون‌گذاری، سازماندهی و تقسیم کار خاصی را می‌طلبد که بر اساس آن، مجموعه توقعات مربوط به قوه مقننه برآورده شود. در این خصوص، تشکیل هیأت رئیسه برای اداره مجلس و تشکیل کمیسیون از طریق تقسیم کار بین نمایندگان، بر اساس تنوع کارها و تخصص، روش معمول پارلمان‌های دنیا است. در این باره اصل ۶۶ قانون اساسی چنین بیان داشته است: «ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.»

هیأت رئیسه

• هیأت رئیسه سنی و موقت

۱. پس از تشکیل و افتتاح مجلس «مسئولترین فرد از نمایندگان حاضر به عنوان رئیس سنی و فرد بعدی به عنوان نایب رئیس و دو نفر از جوان‌ترین نمایندگان حاضر به سمت دبیر معین می‌شوند و در جایگاه هیأت رئیسه قرار می‌گیرند. در صورت تساوی سن، هیأت رئیسه سنی با قید قرعه از بین مسئولترین و جوان‌ترین نمایندگان حاضر تعیین خواهد شد.» (ماده ۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) «وظایف هیأت رئیسه سنی، اداره جلسه افتتاحیه، انجام مراسم تحلیف، قرعه‌کشی اسامی نمایندگان برای عضویت در شعب و توزیع اعتبارنامه‌ها بین شعب و اجرای انتخابات هیأت رئیسه موقت است» (ماده ۱۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)
۲. «انتخاب هیأت رئیسه موقت در دومین جلسه علنی مجلس انجام خواهد شد. ترکیب و طرز انتخاب آن مانند هیأت رئیسه دائم است، به جز اینکه اکثریت نسبی در انتخاب رئیس کافی خواهد بود.» (ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) «وظایف هیأت رئیسه موقت اداره جلسات مجلس تا زمان تأیید اعتبارنامه دوسوم نمایندگان و اجرای انتخابات هیأت رئیسه دائم و تمشیت امور اداری مجلس است.» (ماده ۱۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)

• هیأت رئیسه دائم

۱. «پس از قرائت گزارش کلیه شعب پانزده‌گانه و تصویب اعتبارنامه حداقل دوسوم مجموع نمایندگان، هیأت رئیسه موقت اقدام به انتخاب هیأت رئیسه دائم می‌کند، اعضای هیأت رئیسه دائم برای یکسال انتخاب می‌شوند. مبنای تجدید انتخابات سالیانه، سالروز انتخابات هیأت رئیسه قبلی بوده و در صورتی که با تعطیلات مصادف گردد در جلسه قبل از آن انجام می‌گردد و مسئولیت هیأت رئیسه جدید از سالروز انتخابات قبل تفویض خواهد گردید.» (ماده ۱۳ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)
۲. «هیأت رئیسه دائم مرکب از رئیس، دو نایب رئیس، شش دبیر و سه ناظر می‌باشد.» (ماده ۱۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) «انتخاب رئیس در نوبت اول با اکثریت مطلق آراء نمایندگان صاحب رأی است و انتخاب نواب رئیس، دبیران و ناظران هر کدام جداگانه و با اکثریت نسبی و رأی مخفی و با ورقه خواهد بود. در صورتی که در انتخاب رئیس در نوبت اول اکثریت مطلق حاصل نشود، در نوبت دوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود.» (ماده ۱۵ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) «نواب رئیس، به ترتیب تعداد آراء به عنوان نایب رئیس اول و نایب رئیس دوم و در صورت تساوی آراء با قید قرعه انتخاب می‌شوند و در غیاب رئیس مجلس به ترتیب، وظایف و اختیارات او را بر عهده خواهند داشت.» (ماده ۱۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)

کمیسیون‌ها

کمیسیون متشکل از تعدادی نماینده است که کارها و مطالعات مقدماتی و تهیه را در انجام داده و آن را برای بحث و بررسی و اتخاذ تصمیم نهایی به جلسه عمومی مجلس می‌سپارد. نقشی که کمیسیون‌ها در این خصوص ایفا می‌کنند بسیار با اهمیت است؛ زیرا شالوده و بنیان امور در همین کمیسیون‌ها گذارده می‌شود و به تصمیم‌گیری‌های مجلس به طور قطعی جهت می‌دهد. هر کمیسیون با بررسی طرح‌ها و لوایح رسیده، آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در صورت لزوم به تکمیل کاستی‌ها و حذف حواشی و زوائد می‌پردازد.

انواع کمیسیون‌ها

قانون اساسی برای قوه مقننه وظایف زیادی را مقرر کرده است که می‌توان مجموع آنها را به قانونگذاری و نظارت دسته‌بندی نمود. آیین‌نامه داخلی مجلس با در نظر گرفتن وظایف کلی مجلس در ماده ۲۹ این چنین بیان کرده است: «مجلس دارای کمیسیون‌های خاص شامل کمیسیون‌های مشترک، ویژه، تلفیق، تحقیق، تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس، اصل نودم (۹۰) و کمیسیون‌های تخصصی با محدوده وظایف مشخص به شرح مواد این آیین‌نامه خواهد بود. تعداد اعضاء کمیسیون تحقیق و کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس هرکدام پانزده نفر و اعضای ثابت کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و تعداد اعضای کمیسیون‌های تخصصی حداقل نوزده و حداکثر بیست و سه نفر می‌باشد. اعضای کمیسیون‌های تخصصی بر اساس تخصص (مدرک تحصیلی)، سوابق اجرایی و سابقه عضویت در کمیسیون مورد درخواست، امتیازبندی و توسط اعضای جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعب تعیین می‌شوند.»

جلسات مجلس

تشکیل جلسات و رسمیت آن‌ها

۱. لزوم حضور نمایندگان در مجلس

«نمایندگان باید در روزی که قبلاً برای تشکیل جلسه رسمی معین می‌شود در مجلس حاضر شوند. در صورت تأخیر بدون عذر موجه از طرف هیأت رئیسه توبیخ خواهند شد. همچنین، هریک از نمایندگان که در موقع اخذ رأی با اعلام قبلی رئیس مجلس مبنی بر منع خروج از جلسه بدون عذر موجه خارج شود، مستحق توبیخ خواهد بود و در صورت تکرار تأخیر و غیبت، مقررات آیین‌نامه از طرف هیأت رئیسه درباره او اجراء خواهد شد. اسامی نمایندگانی که سه بار غیبت غیرموجه در یک ماه داشته باشند در روزنامه‌ها درج خواهد شد.» (ماده ۹۷ آیین‌نامه داخلی مجلس)

۲. رسمیت جلسات مجلس

«پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دوسوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد ...» (اصل ۶۵ قانون اساسی)
«تشخیص عده حاضر با استفاده از تابلو است که در اول هر جلسه و قبل از اخذ آراء به وسیله رئیس جلسه باید اعلام شود.» (ماده ۹۸ آیین‌نامه داخلی مجلس)
«حداکثر مدت برای هر جلسه رسمی چهار ساعت است که یکسره و یا با فاصله تنفس می‌باشد ...» (ماده ۹۹ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«تشکیل جلسات و رعایت ترتیب مذاکرات و اجرای آیین‌نامه و حفظ نظم جلسه ... به عهده رئیس جلسه است.» (ماده ۱۰۱ آیین‌نامه داخلی مجلس)

۳. دستور جلسات

«دستور هفتگی مجلس باید به ترتیب وصول طرح‌ها و لوایح از کمیسیون‌ها توسط هیأت رئیسه مجلس تهیه و پس از چاپ و توزیع بر تابلو مخصوص نصب شود. رعایت ترتیب مذکور الزامی است. طرح‌ها و لوایحی که دارای اولویت باشند ممکن است بنا به تقاضای دولت و یا پانزده نفر از نمایندگان و با موافقت هیأت رئیسه خارج از ترتیب وصول، در دستور هفتگی مجلس قرار گیرد.» (ماده ۱۰۲ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«رئیس هر جلسه قبل از ختم هر جلسه، روز و ساعت تشکیل و دستور جلسه بعد را اعلام می‌کند که در صورت مذاکرات درج شود، مگر در موارد اضطراری (به تشخیص هیأت رئیسه) که حداقل بیست و چهار ساعت قبل از تشکیل جلسه، باید بطور رسمی اعلام شود.» (ماده ۱۰۴ آیین‌نامه داخلی مجلس)

۴. نظم جلسات

«در صورتی که در مجلس بی‌نظمی و تشنج بوجود آید که مانع ادامه کار مجلس باشد و رئیس نتواند از آن جلوگیری کند، در جای خود قیام می‌نماید. هرگاه برخاستن رئیس موجب آرامش نشود جلسه را به مدت پانزده دقیقه به عنوان تنفس تعطیل می‌کند و نمایندگان از جلسه خارج می‌شوند و پس از انقضای پانزده دقیقه مجدداً جلسه تشکیل می‌شود. هرگاه بی‌نظمی و تشنج تجدید شود، رئیس جلسه را ختم و آن را به روز دیگری موکول می‌نماید.» (ماده ۱۰۵ آیین‌نامه داخلی مجلس)

اصل علنی بودن جلسات مجلس شورای اسلامی

«مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود ...» (اصل ۶۹ ام)

استثناء

«در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.» (اصل ۶۹ ام) «در این صورت، تقاضاکنندگان ادله خویش را مبنی بر وجود شرایط اضطرار و اقتضای امنیت کشور و در نتیجه لزوم برگزاری غیرعلنی جلسه رسمی مجلس، حداکثر تا مدت پانزده دقیقه، متوالیاً و یا متناوباً در دو نوبت، ارائه و سپس یک نفر به‌عنوان مخالف حداکثر تا پانزده دقیقه صحبت می‌کند، در صورت تصویب دو سوم حاضران، کار رسیدگی در جلسه غیرعلنی ادامه می‌یابد، در غیر این صورت، جلسه به حالت علنی بازگشته و به روال عادی عمل خواهد کرد.» (ماده ۱۰۳ آیین‌نامه داخلی مجلس)

نطق‌ها

گزارش رئیس مجلس: «در هر جلسه قبل از ورود در دستور، رئیس مجلس می‌تواند در مورد گزارش حوادث مهم و مسائل فوری روز مطالبی را که آگاهی مجلس از آن ضروری باشد به اطلاع نمایندگان برساند. حداکثر مدت برای این مطالب پانزده دقیقه خواهد بود.» (ماده ۱۰۷ آیین‌نامه داخلی مجلس)

نطق قبل از دستور نمایندگان: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسؤول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.» (اصل ۸۴ ام)

«در هر جلسه رسمی ... سه نفر از نمایندگان می‌توانند به نوبت و طبق فهرستی که از قبل به قید قرعه توسط هیأت رئیسه تنظیم شده است، حداکثر به مدت هفت دقیقه نطق نمایند. همچنین دو نفر از نمایندگانی که در آن جلسه نوبت نطق نداشته باشند به جهت مسائل ضروری می‌توانند یک ساعت قبل از شروع جلسه در لوح یا دستگاه الکترونیک مخصوص یا دستگاه الکترونیکی ثبت‌نام کرده و حداکثر به مدت پنج دقیقه نطق نمایند. در صورتی که بیش از دو نفر از نمایندگان متقاضی این نطق باشند، هیأت رئیسه به قید قرعه به دو نفر وقت خواهد داد. هیچ یک از نمایندگان نمی‌توانند در مدت دو ماه بیش از یک بار نطق پنج دقیقه‌ای نمایند. نماینده حق واگذاری تمام وقت خود را به نماینده دیگر دارد.» (ماده ۱۰۶ آیین‌نامه داخلی مجلس)

مذاکرات در مجلس شورای اسلامی

ثبت نام موافق و مخالف: «موضوعاتی که طبق دستور در مجلس مطرح می‌شود باید یک ساعت قبل از موقع انعقاد جلسه در ورقه مخصوصی که خارج از جلسه نصب می‌گردد، ثبت شود تا مخالف و موافق، در صورت تمایل، با تفکیک کلیات و هریک از مواد، در آن ورقه در ستون مخصوص، شخصاً ثبت‌نام نمایند. حق تقدم نطق با کسانی است که ثبت‌نام کرده باشند که در این صورت، یک مخالف و یک موافق به ترتیب نطق خواهند کرد. در صورتی که مخالف یا موافقی ثبت‌نام نکرده باشد، نمایندگان مخالف و موافق در مجلس می‌توانند کتباً نوبت بگیرند و به تناوب صحبت کنند. اگر هیچ موافقی وجود نداشته باشد، مخالفان می‌توانند به نوبت صحبت کنند و اگر مخالفی موجود نباشد غیر از نماینده دولت و یا سخنگو به عنوان موافق کسی صحبت نخواهد کرد.» (ماده ۱۱۱ آیین‌نامه داخلی مجلس)

جلوگیری از تخلفات ناطق: «ناطق نباید از موضوع مورد بحث خارج شود. هرگاه رئیس تشخیص دهد که ناطق از موضوع خارج شده و در ضمن یک نطق، دو نوبت به وی تذکر خروج از موضوع را بدهد و باز ادامه دهد، دفعه سوم می‌تواند وی را از ادامه نطق در آن موضوع در تمام جلسه منع نماید، مگر این که مجلس ادامه صحبت را تأیید کند.» (ماده ۱۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«قطع کلام ناطق و عدم مراعات سکوت از طرف نمایندگان و هرگونه تهمت و توهین و ایرادگیری‌های شخصی و حرکات و تظاهراتی که موجب بی‌نظمی مجلس باشد ممنوع است و مرتکب مشمول مجازات‌های مندرج در این آیین‌نامه (۱ - تذکر شفاهی در جلسه علنی ۲ - اخطار در جلسه علنی ۳ - احضار و توبیخ متخلف در جلسه هیأت رئیسه (ماده ۷۸)) خواهد گردید. رئیس جلسه مسؤول جلوگیری از این تخلفات است.» (ماده ۱۱۰ آیین‌نامه داخلی مجلس)

دفاع از توهین: «اگر در جلسه رسمی ضمن نطق یا مذاکره صریحاً یا تلویحاً نسبت سوئی به یکی از نمایندگان داده شود یا عقیده و اظهار او را برخلاف جلوه دهند و نماینده مذکور برای رد آن نسبت به رفع اشتباه در همان جلسه یا در جلسه بعد اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت تا پنج دقیقه اجازه نطق داده می‌شود» (ماده ۷۷ آیین‌نامه داخلی مجلس)

حضور اعضای قوه مجریه در مجلس شورای اسلامی

حق حضور: «رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و هر گاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.» (اصل ۷۰ م)

تکلیف حضور: «... در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء مکلف به حضورند ...» (اصل ۷۰ م)

✓ در مورد رئیس جمهور، چنانچه یک‌چهارم کل نمایندگان او را مورد سؤال قرار دهند و چنانچه یک‌سوم کل نمایندگان او را مورد استیضاح قرار دهند، وی ظرف یک ماه مکلف به حضور خواهد بود.

✓ در مورد وزراء نیز، چنانچه هر یک از نمایندگان، وزیر مسؤول را مورد سؤال قرار دهد و یا حداقل ده نفر از نمایندگان هیأت وزیران یا یک وزیر را مورد استیضاح قرار دهند، وزیر یا وزیران ظرف ده روز مکلف به حضور خواهند بود.

حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی

«اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند؛ اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.» (اصل ۹۷ ام) همچنین «...مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان برسد...» (اصل ۶۹ ام) علاوه بر آن به استناد اصل ۱۲۱ ام قانون اساسی به هنگام ادای سوگند رئیس جمهور در مجلس، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر باشند.

رأی

اتخاذ تصمیم در مجلس فقط از طریق ابراز آراء نمایندگان امکان‌پذیر است. ویژگی رأی علنی این است که گرایش هر نماینده را برای همگان آشکار می‌کند و ویژگی رأی مخفی در آن است که هر نماینده بدون هرگونه بیم و ملاحظه کاری رأی واقعی و مستقل خود را به دور از دید دیگران و در مجموعه آراء، اعمال می‌نماید.

ماده ۱۲۱ آیین‌نامه مجلس به سه طریق اخذ رأی (با دستگاه الکترونیکی، علنی با ورقه، مخفی با ورقه) اشاره کرده و در موارد بعد موارد به کارگیری را مشخص نموده است:

رأی با دستگاه الکترونیکی (یا قیام و قعود): «هیأت رئیسه مجلس موظف است مجلس را به وسایل پیشرفته الکترونیکی مجهز نماید تا شمارش عده حاضران در مجلس و اعلام رأی مخالف، موافق و ممتنع با وسایل مذکور ممکن و میسر گردد و نتیجه آراء را در معرض دید نمایندگان قرار دهد. در موارد نقص فنی دستگاه‌ها حداکثر برای یک هفته رأی‌گیری با قیام و قعود یا طرق دیگر انجام خواهد شد. تمدید این مهلت با تصویب مجلس خواهد بود.» (ماده ۱۲۲ آیین‌نامه داخلی مجلس)

رأی علنی با ورقه: «هرگاه حداقل ده نفر از نمایندگان به جای استفاده از دستگاه الکترونیکی و یا قیام و قعود رأی علنی با ورقه را تقاضا نمایند. ابتدائاً بدون بحث نسبت به درخواست، رأی‌گیری به عمل می‌آید و در صورت تصویب درخواست، اصل موضوع با ورقه و به طور علنی به رأی گذاشته می‌شود.» (ماده ۱۲۳ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«در رأی علنی با ورقه، هر نماینده دارای سه نوع کارت سفید، کبود و زرد است که اسم آن نماینده روی کارت‌ها چاپ شده است. کارت سفید علامت قبول، کارت کبود علامت رد و کارت زرد علامت امتناع است. هنگام اخذ رأی علنی با ورقه، نمایندگان کارت سفید یا کبود یا زرد خودشان را با نظارت دبیران در گلدان‌ها می‌ریزند. نمایندگانی که رأی ندهند و یا بعد از اعلام اخذ رأی از تالار جلسه خارج شوند، ممتنع محسوب می‌شوند. تبصره - اسامی موافقین، مخالفین و ممتنعین و کسانی که در رأی‌گیری شرکت نکرده و یا بعد از اعلام اخذ رأی از تالار خارج شده‌اند، بدون اینکه در جلسه قرائت شود، در صورت مشروح مذاکرات مجلس ثبت می‌گردد.» (ماده ۱۲۴ آیین‌نامه داخلی مجلس)

رأی مخفی با ورقه: «در موارد ذیل اخذ رأی مخفی با ورقه الزامی است:

۱. انتخاب اعضای هیأت رئیسه، حقوقدانان شورای نگهبان، نمایندگان مجلس در نهادهای و هیأت‌ها، مجامع و شوراهای و سایر انتخابات راجع به اشخاص؛
۲. انتخابات داخلی شعب و کمیسیون‌ها.
۳. رأی اعتماد و عدم اعتماد به وزیران و هیأت وزیران و رأی عدم کفایت به رئیس جمهور.
۴. رأی نسبت به اعتبارنامه نمایندگانی که مورد اعتراض واقع شده‌اند.» (ماده ۱۲۵ آیین‌نامه داخلی مجلس)

نمایندگان

- ✓ نماینده مجلس شخصی است که طبق تشریفات قانونی انتخاب شده و به موجب قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس به وظایف نمایندگی خود می‌پردازد.
- ✓ نمایندگی سِمَتی است قائم به شخص و غیرقابل عزل.
- ✓ صلاحیت نماینده کلی و ملی است و غیرقابل تفویض به غیر است.

حقوق و تکالیف نمایندگان

چون نماینده مجلس نقش مهمی در اعمال حاکمیت دارد، مورد توجه قانون اساسی قرار گرفته است؛ به موجب آیین‌نامه داخلی مجلس:

۱. «بر طبق اصل هشتاد و ششم (۸۶) قانون اساسی نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد و یا از حقوق اجتماعی محروم نمود» (ماده ۷۵ آیین‌نامه داخلی مجلس) نماینده در ایفای وظیفه نمایندگی خود دارای مصونیت پارلمانی است و نمی‌توان او را به این دلیل، چه در طول دوره نمایندگی و چه پس از آن مورد تعقیب و محاکمه قرار داد.
۲. «مقرری و هزینه‌های نمایندگی در هر سال در جلسه مشترک هیأت رئیسه با کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با رعایت مقررات مالی مجلس به تصویب می‌رسد، نمایندگان مجلس می‌توانند حقوق و مزایای خود را از مجلس دریافت نمایند، قبل از تصمیم مجدد در هر دوره به صورت علی‌الحساب مطابق مصوبه دوره قبل عمل می‌شود.» (تبصره ماده ۸۲ آیین‌نامه داخلی مجلس)
۳. «نماینده‌ای که بیش از یکصد ساعت متوالی یا دویست و پنجاه ساعت غیرمتوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس و کمیسیون را بدون عذر موجه در یک سال غیبت نماید، مستعفی شناخته خواهد شد.» (ماده ۸۸ آیین‌نامه داخلی مجلس)
۴. «هر نماینده به جز رئیس مجلس، ملزم است عضویت یکی از کمیسیون‌های تخصصی را بپذیرد و در صورت تمایل می‌تواند در کمیسیون‌های دیگر مجلس، با حق اظهارنظر و بدون حق رأی شرکت کند.» (ماده ۵۷ آیین‌نامه داخلی مجلس)

نحوه قانونگذاری

به طور کلی، مراحل قانونگذاری را در پیشنهاد (لایحه و طرح)، رسیدگی و تصویب (عادی و فوری)، تأیید (در شورای نگهبان و یا احتمالاً از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام)، امضای رئیس جمهور و انتشار دسته‌بندی شده که به بررسی آن می‌پردازیم:

پیشنهاد

قانون اساسی پیشنهاد قوانین را به طریق ذیل مقرر داشته است:

۱. لایحه قانونی

دولت، در مقام اجرا با نیازهای جامعه سروکار دارد. به همین جهت، با تشخیص ضرورت‌های قانونی مبادرت به تهیه و تدوین لایحه می‌نماید. صدر ماده ۷۴ ام مقرر داشته است: «لوائح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود...»

تقدیم لایحه

«لوائح قانونی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می‌شود، باید؛

۱. دارای موضوع و عنوان مشخص باشد.

۲. دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد آن در مقدمه لایحه به وضوح درج شود.

۳. دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان لایحه باشد.»

«طبق اصل هفتاد و چهارم (۷۴) قانون اساسی کلیه لوایح قانونی تقدیمی به مجلس باید به امضاء رئیس جمهور و وزیر یا وزراء مسؤول رسیده باشد. در صورت نداشتن وزیر مسؤول، امضاء رئیس جمهور کافی است.» (ماده ۱۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«لوایح قانونی باید در جلسه علنی مجلس توسط وزیر مربوط و یا نماینده دولت تقدیم گردد و در موقع طرح آن نیز باید وزیر مربوط یا یکی از وزراء به تناسب موضوع حاضر باشد.» (ماده ۱۳۵ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«معاونان رئیس جمهور و وزراء، رئیس یا نائب رئیس شورای عالی استان‌ها که رسماً به مجلس معرفی شده باشند، می‌توانند حسب مورد در جلسات مجلس و کمیسیون‌ها برای توضیح و دفاع لازم حضور یابند.» (ماده ۱۳۶ آیین‌نامه داخلی مجلس)

استرداد لایحه

دولت، پس از بررسی کامل مراتب نیاز به قانون و مطالعه همه جانبه آن مبادرت به تهیه و تدوین لایحه برای تقدیم به مجلس می‌نماید. اما ممکن است پس از تقدیم لایحه، به دلیل بعضی از ملاحظات فنی و سیاسی، بررسی لایحه در مجلس را به صلاح نداند.

ماده ۱۳۷ آیین‌نامه داخلی مجلس راجع به این موضوع داشته است: «استرداد لوایح قانونی با تصویب هیأت وزیران به ترتیب ذیل امکان‌پذیر خواهد بود:

۱. در صورتی که استرداد پیش از تصویب کلیات لایحه در مجلس باشد رئیس جمهور کتباً با ذکر دلیل آن را مسترد می‌نماید و گزارش آن در جلسه علنی اعلام می‌شود.

۲. در صورتی که استرداد پس از تصویب کلیات لایحه و در هر مرحله تا پیش از تصویب نهایی باشد، وزیر مربوط یا یکی از معاونین رئیس جمهور به تناسب موضوع ضمن ارائه درخواست رئیس جمهور می‌تواند با ذکر دلیل در جلسه علنی مجلس و صحبت یک نفر مخالف هر یک به مدت ده دقیقه و تصویب مجلس آن را مسترد نماید.»

تفاوت استرداد لایحه در دو حالت فوق این است که؛ استرداد در مراحل بررسی (حالت دوم) نیازمند تصویب مجلس می‌باشد، اما در حالت اول نیازمند چنین تصویبی نیست.

۲. طرح قانونی مجلس

نمایندگان نیز، با توجه به اینکه با خواست و نیاز جامعه آشنایی دارند، ضرورت وجود قانونی را برای کشور احساس نمایند و با طرح موضوع از طریق ارائه متن موردنظر در مجلس و خواستار تصویب آن گردند: در ذیل ماده ۷۴ ام قانون اساسی چنین مقرر شده است: «... طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.»

پیشنهاد طرح

«طرح‌های قانونی با امضاء و ذکر نام حداقل پانزده نفر از نمایندگان در مجلس به رئیس جلسه تسلیم می‌شود و پس از اعلام وصول و قرائت عنوان آن توسط رئیس یا یکی از دبیران، در همان جلسه به کمیسیون‌های مربوط ارجاع می‌شود. این طرح‌ها پس از ارجاع به کمیسیون‌های ذی‌ربط چاپ و توزیع و نسخه‌ای از آن توسط رئیس برای وزیر یا وزیران مربوط ارسال می‌گردد...» (ماده ۱۳۰ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«طرح‌ها نیز همانند لوایح، باید دارای موضوع و عنوان مشخص باشند و دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد آن در مقدمه به وضوح درج شود و همچنین دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان طرح نیز باشد.» (ماده ۱۳۰ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«امضاکنندگان طرح‌های قانونی حق دارند در کمیسیون مربوط که طرح آنها مطرح است، برای ادای توضیح حاضر شوند و کمیسیون تاریخ بحث پیرامون طرح را کتباً به آنان اعلام می‌نماید.» (ماده ۱۳۱ آیین‌نامه داخلی مجلس)

ضوابط خاص طرح

«پس از اعلام وصول طرح قانونی، چنانچه جمعی از امضاءکنندگان تقاضای کتبی استرداد آن را بنمایند به طوری که امضاکنندگان باقی‌مانده کمتر از پانزده نفر گردند، در صورتی که تقاضای استرداد قبل از تصویب کلیات باشد طرح مسترد و گزارش آن به مجلس داده خواهد شد و در صورتی که کلیات به تصویب رسیده باشد پس از توضیح یک نفر از تقاضاکنندگان و صحبت یک نفر مخالف، هر یک به مدت ده دقیقه با تصویب مجلس، طرح قابل استرداد می‌باشد.» (ماده ۱۳۲ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«اگر طرحی مورد تصویب مجلس یا کمیسیون‌های موضوع اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی واقع نشد بدون تغییر اساسی تا شش ماه دیگر نمی‌توان آن را مجدداً به مجلس پیشنهاد نمود مگر با تقاضای کتبی پنجاه نفر نماینده و تصویب مجلس.» (ماده ۱۳۳ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«طرح‌های قانونی که به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.» (اصل ۷۵ ام)

۳. طرح پیشنهادی شورای عالی استان‌ها

در این مورد اصل ۱۰۲ ام قانون اساسی مقرر داشته است: «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.»

در ماده ۴۷ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ و اصلاحیه‌های بعدی آن چنین مقرر شده است: «شورای عالی اسلامی استان‌ها موظف است طرح‌های تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و نظایر آنها را که از سوی شوراهای استان‌ها در جهت جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری و ایجاد هماهنگی میان استان‌ها رسیده، مورد بررسی قرار دهد و در صورت تأیید به عنوان طرح قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

قلمرو اختیارات شورای عالی اسلامی استان‌ها در حدود وظایف قانونی آن می‌باشد. فلذا این شورا نمی‌تواند در هر زمینه‌ای به تهیه و تدوین پیشنهاد طرح بپردازد. در این خصوص ماده ۵۱ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «شورای عالی اسلامی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف قانونی، طرح‌هایی تنظیم نموده و تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید و نماینده شورای عالی اسلامی استان‌ها حق حضور در مجلس و دفاع از طرح را دارد.»

با وجود اینکه این ماده اشاره به تقدیم مستقیم طرح از «شورا» به «مجلس» دارد؛ اما به استناد اصل ۱۰۲ ام شورا همچنین می‌تواند از طریق دولت، طرح موردنظر را تقدیم مجلس نماید.

به استناد ماده ۱۴۰ آیین‌نامه داخلی مجلس: «طرح‌های مصوب شورای عالی استان‌ها که باید دارای عنوان و مقدمه توجیهی مشخص و مواد متناسب باشد، مستقیماً یا توسط دولت به مجلس تقدیم می‌شود. وصول این طرح‌ها توسط رئیس جلسه یا یکی از دبیران اعلام و برای بررسی به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع و سپس چاپ و بین نمایندگان توزیع و نسخه‌ای از آن نیز برای هیأت وزیران به منظور حضور و دفاع از مواضع خود ارسال می‌شود. تبصره - نحوه رسیدگی به این طرح‌ها و نیز تقاضای استرداد آنها مشابه لوائح دولت خواهد بود.»

بررسی و تصویب

بررسی و تصویب لوایح و طرح‌های به صورت عادی و فوری شکل می‌گیرد که این موضوع در اصل ۹۷ ام قانون اساسی چنین مطرح شده است: «اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند؛ اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.»

بررسی و تصویب لوایح و طرح‌ها به صورت عادی

«بررسی و تصویب کلیه طرح‌ها و لوایح عادی یک شوری خواهد بود به جز مواردی که در این آیین‌نامه نحوه رسیدگی مشخص شده و یا به تشخیص هیأت رئیسه بررسی آنها به صورت دو شوری ضرورت داشته باشد» (ماده ۱۴۳ آیین‌نامه داخلی مجلس)؛ قانونگذاری در کشور ما به این نحو است که پس از دریافت طرح‌ها و لوایح قانونی، اصولاً بررسی ابتدایی آن را به کمیسیون‌های تخصصی می‌سپارند تا هماهنگی‌های لازم در این خصوص صورت گیرد و آن گاه مجلس، با آگاهی کامل در برقراری ارتباط منطقی بین کلیات و جزئیات مبادرت به قانونگذاری نماید. در هر صورت جریان رسیدگی و تصویب لوایح و طرح‌ها به ترتیب زیر می‌باشد:

۱. اعلام وصول طرح‌ها و لوایح و ارجاع آن به کمیسیون: «رئیس جلسه مکلف است وصول کلیه طرح‌ها و لوایح عادی را که به مجلس تقدیم می‌شود با رعایت اصل هفتاد و پنجم (۷۵) قانون اساسی در همان جلسه و یا حداکثر دو جلسه بعد مجلس اعلام و هم‌زمان به کمیسیون‌های مربوطه ارجاع نماید و به دستور وی فوراً تکثیر و در اختیار نمایندگان قرار گیرد.» (ماده ۱۴۴ آیین‌نامه داخلی مجلس) اعلام رسمی وصول لوایح و طرح‌ها از صلاحیت‌های تکلیفی ریاست مجلس به شمار می‌رود.
۲. رسیدگی کلیات در کمیسیون: گزارش رد یا مسکوت ماندن یا تصویب و تغییر و یا تکمیل هر طرح یا لایحه‌ای که به کمیسیون ارجاع می‌شود باید ظرف مدتی که از طرف هیأت رئیسه مجلس با توافق کمیسیون مربوطه معین و اعلام شود و یک ماه که از تاریخ وصول به دفتر کمیسیون تجاوز نخواهد کرد، به مجلس ارسال شود.
۳. رسیدگی و تصویب کلیات در جلسه علنی (شور اول): هنگامی که گزارش کمیسیون‌های ذی‌ربط در خصوص طرح یا لایحه عادی برای شور اول در جلسه علنی مطرح می‌گردد، درباره نقاط ضعف و قوت، نقایص و امتیازات و لزوم یا عدم لزوم طرح و لایحه در کلیات مذاکره می‌شود و پس از آن نسبت به اصل طرح یا لایحه رأی‌گیری به عمل می‌آید. در صورت تصویب کلیات، جهت رسیدگی در شور دوم به کمیسیون مربوطه ارجاع می‌شود.
۴. رسیدگی مواد در کمیسیون: پس از تصویب اصل طرح و لایحه در جلسه مجلس و ارجاع آن به کمیسیون، کار کمیسیون حساس‌تر و دقیق‌تر می‌شود؛ زیرا برای هر یک از فصول و مواد ابتدا باید جداگانه اقدام کند و سپس بین آن مواد و فصول ارتباط منطقی برقرار نماید.
۵. رسیدگی و تصویب مواد در جلسه علنی (شور دوم): «در شور دوم درباره اصل مواد مذاکره به عمل نمی‌آید مگر آن که در گزارش کمیسیون مواد جدیدی اضافه شده باشد یا به تشخیص هیأت رئیسه در بعضی مواد تغییرات اساسی داده شده باشد ...»
۶. ضرورت وجود شور نهایی: در شور دوم، اصولاً پس از رسیدگی و تعیین تکلیف هر یک از مواد از طریق رأی نهایی نمایندگان علی‌الاصول کار تصویب طرح‌ها و لوایح در مجلس پایان یافته است؛ اما ممکن است اصلاحات به عمل آمده نظم و ترتیب مواد را بر هم زده باشد. در این صورت، تنظیم فصول، اصلاح عبارت ضروری به نظر می‌رسد که اصولاً انجام آن می‌تواند بر عهده دستگاه اداری مجلس باشد. اما از آنجا که در اینگونه اقدامات ویرایشی، تغییر و تبدیل مفاهیم محتمل است، برای اطمینان خاطر نمایندگان باید طی یک شور نهایی در جریان آن قرار گیرند و نسبت به آن اعلام رأی نمایند.

بررسی و تصویب لوایح و طرح‌ها به صورت فوری

فوریت رسیدگی به طرح‌ها و لوایح اصولاً در موارد حادّ و ضروری قابل توجه می‌باشد. در این صورت، لزوماً تشریفات رسیدگی اختصاری و یک شوری است و حسب درجه فوریت در مدت زمان کوتاه‌تر انجام می‌شود.

«وقتی که فوریت طرح یا لایحه‌ای تقاضا می‌شود، پس از توضیح پیشنهادکننده یا یکی از پیشنهادکنندگان و اظهارات مخالف و موافق، نسبت به فوریت، رأی گرفته می‌شود. در صورتی که تقاضای فوریت ضمن طرح یا لایحه مطرح نشده باشد، پانزده نفر از نمایندگان نیز می‌توانند کتباً تقاضای فوریت آن طرح یا لایحه را بنمایند. ... هیأت رئیسه موظف است طرح‌ها و لوایح دارای فوریت را حداقل یک ساعت قبل از طرح فوریت آنها در جلسه علنی تکثیر و در اختیار نمایندگان قرار دهد.» (ماده ۱۵۹ آیین‌نامه داخلی مجلس) «اصل بر عادی بودن رسیدگی طرح‌ها و لوایح است؛ بنابراین فوریت آنها باید مبین ضرورت و یا حالت استثنایی و مستند به دلایل ... باشد» (ماده ۱۶۰ آیین‌نامه داخلی مجلس) «در طرح‌ها و لوایحی که فوریت آنها تصویب شده باشد، ابتدا نسبت به اصل آن مذاکره می‌شود و پس از آن برای ورود به شور در ماده واحده یا مواد، رأی گرفته می‌شود و آن گاه راجع به هر یک از مواد جداگانه مذاکره و اخذ رأی به عمل می‌آید» (ماده ۱۶۱ آیین‌نامه داخلی مجلس) «طرح‌ها و لوایح فوری عبارتند از یک‌فوریتی، دو‌فوریتی و سه‌فوریتی.» (ماده ۱۵۸ آیین‌نامه داخلی مجلس)

۱. لوایح و طرح‌های یک‌فوریتی

طرح یا لایحه یک‌فوریتی مبتنی بر نیاز فوری جامعه و اولویت آن نسبت به سایر موارد مطروحه است. (بند ۱ ماده ۱۶۰ آیین‌نامه داخلی مجلس) یک‌فوریت طرح‌ها و لوایح «با صحبت کردن یک مخالف و یک موافق و با رأی اکثریت مطلق حاضران» به تصویب می‌رسد. (بند ۱ ماده ۱۵۹ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«طرح‌ها و لوایح یک‌فوریتی، پس از تصویب فوریت، به کمیسیون‌های اصلی و فرعی ارجاع می‌شود تا خارج از نوبت مورد بررسی و تصویب قرار گیرد. گزارش کمیسیون درباره این طرح‌ها و لوایح حداقل چهار و هشت ساعت قبل از موقع طرح در مجلس چاپ و بین نمایندگان توزیع می‌شود.» (ماده ۱۶۳ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«طرح‌ها و لوایح یک‌فوریتی یک شوری است و پس از وصول گزارش کمیسیون، خارج از نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و یک نوبت درباره آن شور به عمل می‌آید، بدین ترتیب که ابتدا نسبت به اصل و سپس در باب ماده واحده یا هر یک از مواد مذاکره و اخذ رأی می‌شود.» (ماده ۱۶۴ آیین‌نامه داخلی مجلس)

۲. لوایح و طرح‌های دو‌فوریتی

طرح یا لایحه دو‌فوریتی مبتنی بر «ضرورت جلوگیری از وقوع خسارت احتمالی و فوت فرصت» (بند ۲ ماده ۱۶۰ آیین‌نامه داخلی مجلس) است. دو‌فوریت طرح‌ها و لوایح «با صحبت دو مخالف و دو موافق» و به ترتیب با «رأی اکثریت دوسوم حاضران و دوسوم مجموع نمایندگان» به تصویب می‌رسد. (بند ۲ ماده ۱۵۹ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«نحوه رسیدگی به طرح‌ها و لوایح دو‌فوریتی به شرح زیر می‌باشد:

۱. حداکثر چهار ساعت پس از تصویب فوریت، طرح یا لایحه چاپ و توزیع و به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع می‌شود.

۲. حداکثر بیست ساعت پس از تصویب فوریت، پیشنهاد نمایندگان به کمیسیون مربوط تسلیم می‌شود.

۳. حداکثر هفتاد و دو ساعت پس از تصویب فوریت گزارش کمیسیون، در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد.» (ماده ۱۶۵ آیین‌نامه داخلی مجلس)

در موارد دو‌فوریتی طرح‌ها و لایحه‌های به کمیسیون ارجاع نمی‌شود و نقشی که کمیسیون در بررسی مقدماتی و جرح و تعدیل مواد دارد به مجلس منتقل می‌گردد.

۳. لوایح و طرح‌های سه‌فوریتی

طرح یا لایحه سه‌فوریتی مبتنی بر «حالت کاملاً اضطراری و حیاتی و برای مقابله سریع با خسارت حتمی» است (بند ۳ ماده ۱۶۰ آیین‌نامه داخلی مجلس) سه‌فوریت طرح‌ها و لوایح نیز با «صحبت دو مخالف و دو موافق» و به ترتیب با رأی اکثریت دوسوم حاضران و دوسوم مجمع نمایندگان به تصویب می‌رسد» (بند ۲ ماده ۱۵۹ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«در طرح‌ها و لوایح سه فوریتی، پس از تصویب فوریت بلافاصله کلیات، در همان جلسه نسبت به ماده واحد یا هر یک از مواد مذاکره و رأی‌گیری می‌شود. پیشنهاد نمایندگان قبل از ورود به ماده واحد یا هر یک از مواد پذیرفته می‌شود و نسبت به آنها پس از اظهارات یک مخالف و یک موافق و نماینده دولت اخذ رأی به عمل می‌آید.» (ماده ۱۶۷ آیین‌نامه داخلی مجلس)

نظارت و تأیید مصوبات مجلس

در این باره اصل ۷۲ ام قانون اساسی چنین بیان داشته است: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است»

نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس

اصل ۹۴ ام قانون اساسی مقرر داشته است: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.»

ماده ۱۸۴ آیین‌نامه داخلی مجلس: «کلیه مصوبات مجلس رسماً به شورای نگهبان فرستاده می‌شود. در صورتی که شورا ظرف ده روز پس از وصول یا پس از انقضای ده روز تمدید مذکور در اصل نود و پنجم (۹۵) قانون اساسی، مخالفت خود را اعلام نکرد، طبق اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی، مصوبات از طرف مجلس جهت امضاء و ابلاغ به ریاست جمهوری ارسال می‌شود. تبصره - روز وصول مصوبه و روز اعلام نظر شورای نگهبان به مجلس جزء مهلت‌های مقرر محسوب نمی‌گردد.»

ماده ۱۸۵ آیین‌نامه داخلی مجلس: «مصوبات مجلس تا زمان اعلام نظر نهائی شورای نگهبان از دستور خارج نمی‌شود. شورای نگهبان، در صورت رد مصوبات مجلس، موظف است علت رد را صریحاً به مجلس گزارش نماید تا بلافاصله تکثیر و توزیع شود.»

ماده ۱۸۶ آیین‌نامه داخلی مجلس: «مصوبات عادی و یک‌فوری مجلس که از طرف شورای نگهبان رد شده به کمیسیون مربوطه ارسال می‌شود و با اعلام وقت قبلی با حضور نماینده شورای نگهبان، موارد اعتراض برای اصلاح مورد بحث قرار می‌گیرد. در صورت عدم حضور نماینده شورای نگهبان در موعد اعلام شده، کمیسیون با ملحوظ نمودن نظر شورای نگهبان کار خود را انجام می‌دهد. نمایندگانی که پیشنهاد اصلاحی داده‌اند، در این مرحله می‌توانند در کمیسیون شرکت نمایند. نظر کمیسیون همراه پیشنهادهای نمایندگان در مجلس مطرح می‌شود و طبق معمول شور دوم مورد بحث و رأی قرار می‌گیرد ... تبصره ۱ - پس از ایراد شورای نگهبان، دولت حق پیشنهاد اصلاح لایحه را ندارد مگر در موارد ایراد شورای نگهبان ... تبصره ۳ - اگر با اصلاح ماده مورد ایراد شورای نگهبان، ماده به کلی خاصیتش را از دست بدهد، می‌توان آن را حذف کرد.»

حل اختلاف شورای نگهبان و مجلس در مجمع تشخیص مصلحت نظام

ترتیب اصول قانون اساسی، در امر نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس، رابطه طولی را ایجاد نموده که بر اساس آن مجلس شورای اسلامی موظف به تبعیت از نظر شورای نگهبان می‌باشد. اما منازعه‌های مکرر مجلس و شورای نگهبان، در خصوص «مصلحت» و «شرع» در جریان قانونگذاری و ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیین جدیدی را به وجود آورده که در این مورد اصل ۱۱۲ ام قانون اساسی مقرر داشته است: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»

بر این اساس، نظارت شورای نگهبان، دیگر همانند سابق، قطعی و نهایی نیست. در صورت بروز اختلاف، نظر قطعی، نهایی و لازم‌الاجراء بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. فلذا ماده ۱۸۷ آیین‌نامه داخلی مجلس در این راستا مقرر داشته است: «پس از بررسی گزارش کمیسیون که در آن نظر شورای نگهبان ملحوظ شده است و رأی‌گیری نسبت به آن مصوبه مجدداً به شورای نگهبان ارسال می‌شود. اگر این مصوبه هنوز وافی به نظرات شورای نگهبان نباشد، مجدداً در مجلس مطرح می‌گردد، در صورتی که مجلس با در نظر گرفتن حفظ مصلحت نظام همچنان بر رأی خود باقی باشد رئیس مجلس مصوبه مذکور را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌دارد. مجمع موظف است تنها در موارد اختلاف و دیگر موارد مربوط به آن اظهارنظر قطعی نموده و گزارش آن را جهت طی مراحل بعدی به رئیس مجلس اعلام نماید.»

امضای مصوبات توسط رئیس جمهور

به استناد اصل ۱۲۳ ام که مقرر داشته است: «رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.»

لزوم امضای قوانین مبتنی بر اصل تفکیک قوای سه‌گانه است. قوه مقننه صلاحیت وضع قانون را دارد؛ اما صلاحیت اجرای آن را ندارد و یا نمی‌تواند دستور اجرای آن را بدهد. رئیس جمهور، به عنوان رئیس قوه مجریه، مقام صالح برای صدور فرمان اجرای قانون می‌باشد. قانون اساسی رئیس جمهور را موظف به امضای مصوبات و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی نموده است؛ به عبارت بهتر، صلاحیت رئیس جمهور در این مورد «صلاحیت تکلیفی» است.

انتشار قانون

برای آنکه بتوان از طریق قانون به طور عام ایجاد حق و تکلیف نمود، لازمه آن انتشار قانون می‌باشد. بر اساس اصل ۶۹ ام قانون اساسی، گزارش کامل مذاکرات مجلس باید از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. اگر مصوبات مجلس را در مجموعه مذاکرات در نظر بگیریم، می‌توانیم موضوع انتشار قانون را تلقی به حکم قانون اساسی بنماییم. علاوه بر این به موجب ماده ۳ قانون مدنی: «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.» و به موجب ماده ۲ این قانون: «قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجراء است، مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی مقرر شده باشد.»

نظارت مجلس شورای اسلامی

نظارت سیاسی

۱. نظارت بر تشکیل دولت

- تسلیم برنامه دولت به مجلس: قانون اساسی در اصل سوم عناوین سیاست‌های اساسی دولت را برشمرده است، اما اشاره‌ای به تأیید و یا تصویب برنامه‌ها، به هنگام تشکیل دولت ننموده است. اصل ضرورت برنامه، به عنوان مقدمه تشکیل دولت، مورد توجه قوه مقننه قرار گرفته در آیین‌نامه داخلی مجلس چنین مقرر شده است که رئیس جمهور به هنگام معرفی وزیران برنامه دولت را نیز برای بررسی تسلیم مجلس نماید و در شروع اولین جلسه توضیحاتی را که لازم بداند به مجلس ارائه می‌کند و در طول مدتی که برنامه دولت مطرح است نمایندگان می‌توانند سؤالات خود را در این خصوص از طریق هیأت رئیسه مجلس کتباً برای رئیس جمهور یا وزیر پیشنهادی مطرح نمایند. برنامه دولت به طور مستقل جنبه اطلاعی داشته و مجلس دخالتی در تصویب آن ندارد؛ اما این برنامه می‌تواند برای تأیید یا ردّ وزرای دولت ملاک عمل قرار گیرد.

- رأی اعتماد به وزیران: به استناد اصل ۱۳۳ ام قانون اساسی: «وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند...» در رأی اعتماد شرایط ذیل معمولاً مورد توجه نمایندگان قرار می‌گیرد:

۱ - صلاحیت اخلاقی و امتیازات شخصی ۲ - صلاحیت علمی و تجربی ۳ - صلاحیت علمی و فنی

- رأی اعتماد به هیأت وزیران: به استناد اصل ۸۷ ام قانون اساسی: «رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد...» ظاهراً رأی اعتماد به وزیران با در نظر گرفتن قابلیت‌های فردی (برای تصدی وزارت) و جمعی (برای عضویت در هیأت وزیران) صورت می‌گیرد. در نهایت به استناد تبصره ۲ ماده ۱۹۰ آیین‌نامه داخلی مجلس: «چنانچه مجلس به یک یا چند وزیر رأی اعتماد نداد و یا وزارتخانه‌ای به هر دلیل وزیر نداشته باشد، رئیس جمهور موظف است با رعایت اصل یکصد و سی و پنجم (۱۳۵) قانون اساسی حداکثر قبل از سه ماه فرد یا افراد دیگری را برای اخذ رأی به مجلس معرفی نماید.»

۲. نظارت بر تغییر وزراء و مسائل مهم و مورد اختلاف در دولت

- در تغییر وزراء: در صورت عزل وزراء توسط رئیس جمهور یا استعفای آنان، به استناد اصل ۱۳۳ ام «رئیس جمهور ... باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.»
- در مسائل مهم و مورد اختلاف: به استناد قسمت دوم اصل ۸۷ ام قانون اساسی: «رئیس جمهور ... در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.»
- «... تشخیص مسائل مهم و مورد اختلاف مذکور در اصل هشتاد و هفتم (۸۷) که دولت می‌تواند در زمینه آنها از مجلس رأی اعتماد بگیرد، با هیأت وزیران است.» (ماده ۱۹۱ آیین‌نامه داخلی مجلس)

نظارت اطلاعاتی

۱. اطلاعات مردمی (شکایت مردم از طرز کار قوای سه‌گانه)

به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.»

ماده ۳۲ آیین‌نامه داخلی مجلس: «به منظور سامان دادن و کارآمد سازی مجلس و نمایندگان، خصوصاً نسبت به طرز کار قوای مجریه و قضائیه و مجلس مبتنی بر اصول متعدد قانون اساسی بالاخص اصل نودم (۹۰)، کمیسیونی به نام اصل نودم (۹۰) قانون اساسی تشکیل می‌گردد تا طبق قوانین مصوب مربوط به خود اداره و انجام وظیفه نماید. اعضا این کمیسیون به شرح ذیل است:

۱. از هر کمیسیون تخصصی یک نفر با معرفی کمیسیون مربوطه.

۲. هشت (۸) نفر از نمایندگان که توسط رؤسای شعب و هیأت رئیسه به عنوان اعضاء ثابت انتخاب می‌شوند.»

کیفیت اجرای اصل ۹۰ ام قانون اساسی: ماده واحده قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌ها جهت رسیدگی به شکایات مردم (مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱) و تبصره الحاقی آن (مصوب ۱۳۶۴/۱۰/۲) و همچنین قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ ام قانون اساسی (مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۵) در خصوص کیفیت اجرای اصل مورد نظر مقرراتی را بیان داشته‌اند.

۲. **ابتکار نمایندگان در کسب اطلاع:** حق تذکر و سؤال مواردی از کسب اطلاع به نظر می‌رسد که قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس برای نمایندگان قائل شده است.

تذکر: به موجب ماده ۱۹۲ آیین‌نامه داخلی مجلس: «در کلیه مواردی که نماینده یا نمایندگان مطابق اصل هشتاد و هشتم (۸۸) قانون اساسی، از رئیس جمهور یا وزیر درباره یکی از وظایف آنان حق سؤال دارند، می‌توانند در خصوص موضوع مورد نظر به رئیس جمهور و وزیر مسؤول کتباً تذکر دهند. هیأت رئیسه خلاصه تذکر را در جلسه علنی مجلس قرائت و متن کامل تذکر را به رئیس جمهور یا وزیر مربوط ابلاغ می‌نماید.» مقام یا سازمانی که مورد تذکر قرار گرفته، پس از دریافت تذکر، ناگزیر از ارائه پاسخ می‌باشد که در جای خود حاوی اطلاعاتی است که می‌تواند مورد بهره‌برداری نماینده تذکردهنده قرار گیرد.

سؤال از وزیر: به موجب قسمتی از اصل ۸۸ ام قانون اساسی: «در هر مورد که هر یک از نمایندگان از وزیر مسؤول، درباره یکی از وظایف (وی) سؤال کنند ... وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید ... بیش از ده روز به تأخیر افتاد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.»

سؤال از رئیس جمهور: در بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ در اصل ۸۸ ام رئیس جمهور را نیز مشمول اصل سؤال اعلام داشته و مقرر می‌دارد: «در هر مورد که حداقل یک‌چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور ... درباره یکی از وظایف (وی) سؤال کنند، رئیس جمهور ... موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید ... بیش از یک ماه ... به تأخیر افتاد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.»

۳. **ابتکار مجلس در کسب اطلاعات (تحقیق و تفحص)**

به موجب اصل ۷۶ ام قانون اساسی: «مجلس شوری اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.»

نظارت استصوابی

۱. **نظارت بر معاهدات و قراردادهای بین‌المللی**

به موجب اصل ۱۵۳ ام قانون اساسی: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است»

و اصل ۷۷ ام قانون اساسی: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

همچنین اصل ۱۲۵ ام قانون اساسی: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است.»

۲. نظارت بر تغییر خطوط مرزی

به موجب اصل ۷۸ ام قانون اساسی: «هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط این‌که یک‌طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.» ۲ نکته مهم در این اصل:

۱. شرایط اصلاح و تغییر مرزها: قانون اساسی اشاره به «اصلاحات جزئی» کرده است. منظور آن است که بدون تغییر اساسی در مرزها، صرفاً در محدوده آن نقاطی که مرزبندی برای دو طرف نامناسب است، اصلاحات جزئی به عمل آید. مثلاً تپه‌ای در مقابل تپه دیگری مبادله شود و به تشخیص دو کشور منفعت دوجانبه داشته باشد.
۲. نظارت مجلس: مجلس، با توجه به رسالتی که در جهت منافع عموم دارد مناسب‌ترین مقام برای نظارت به نظر می‌رسد. قانون اساسی، تنها به صرف نظارت مجلس توجه ننموده، بلکه به خاطر حساسیت و اهمیت مطلب شرط بسیار مشکلی را پیش‌بینی کرده که در آیین‌نامه داخلی مجلس به ترتیب ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

«در لایحه تقدیمی مربوط به اصلاح جزئی در خطوط مرزی، متن کامل عهدنامه بین‌المللی آنکه بر اساس اصل هفتاد و هشتم (۷۸) قانون اساسی تنظیم شده باشد، جهت بررسی باید ضمیمه گردد. متن این عهدنامه پس از اعلام وصول، بلافاصله چاپ و بین نمایندگان توزیع و هم‌زمان به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ارجاع می‌شود.» (ماده ۲۰۸ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«کمیسیون مذکور در ماده قبل (کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی)، پس از کسب نظر مشورتی کمیسیون قضائی و حقوقی و با دعوت از نماینده شورای عالی امنیت ملی و نمایندگان پیشنهاددهنده، به بررسی همه‌جانبه موضوع می‌پردازد و ظرف یک‌ماه گزارش تفصیلی خود را مبنی بر قبول یا رد عهدنامه به ضمیمه پیشنهادهای اساسی به هیأت رئیسه ارسال می‌دارد.» (ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس)

«لوايح مربوط به عهدنامه‌های اصلاح جزئی در خطوط مرزی همانند سایر عهدنامه‌های بین‌المللی مهم دو شوری خواهد بود و به همان‌ترتیب نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این نوع عهدنامه‌ها، در صورتی که صرفاً برای اصلاحات جزئی، با در نظر گرفتن مصالح کشور و رعایت اصل هفتاد و هشتم (۷۸) قانون اساسی دوطرفه باشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند، با تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس معتبر خواهد بود.» (ماده ۲۱۰ آیین‌نامه داخلی مجلس) این بالاترین نصابی است که قانون اساسی برای تصمیم‌گیری‌های مهم مجلس مقرر داشته است و حکایت از اهمیت استقلال و تمامیت ارضی کشور می‌باشد.

۳. نظارت بر برقراری حالت فوق‌العاده و محدودیت‌های ضروری

آزادی‌های شرعی و قانونی حقّ مستمر و پایدار افراد جامعه است. تضمین این حق در شرایط عادی امری معقول به نظر می‌رسد. اما، شرایط عادی همیشه امر ثابت و مسلّمی نیست؛ زیرا برخی از عوامل مانند جنگ و بحران، حالتی را به وجود می‌آورد که کشور و جامعه در شرایط کاملاً استثنایی قرار می‌گیرد و اداره امور در این حالت استثنایی، قواعد خاص خود را می‌طلبد. به موجب اصل ۷۹ ام قانون اساسی: «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.» همچنین به موجب ماده ۲۱۱ آیین‌نامه داخلی مجلس: «بر اساس اصل هفتاد و نهم (۷۹) قانون اساسی، در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آنکه دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی محدودیت‌های ضروری برقرار نماید، قبل از اعمال محدودیت، متن کامل و دقیق محدودیت‌های ضروری با دلائل توجیهی لازم، همراه با لایحه قانونی جهت بررسی تقدیم مجلس می‌شود.»

۴. نظارت بر صلح دعاوی مالی دولت و یا ارجاع آنها به داوری

قراردادهای مالی دولت با طرف داخلی و یا خارجی، بر اساس قواعد و مقررات معاملات دولتی منعقد می‌شود. نظارت مستقیم و استصوابی مجلس در این موارد محدود به قراردادهای بین دولت ایران با سایر دولت‌ها است. در مورد بروز اختلاف همه قراردادهای مالی در دولت، قانون اساسی دامنه نظارت را افزایش داده و در اصل ۱۳۹ مقرر داشته است: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

۵. نظارت بر برخی دیگر از اعمال دولتی

الف - قرض و استقراض و کمک بلاعوض

به موجب اصل ۸۰ ام: «گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد»

ب - استخدام کارشناسان خارجی

به موجب اصل ۸۲ ام: «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی»

ج - فروش بناها و اموال دولتی

به موجب اصل ۸۳ ام: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.»

۶. نظارت بر دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجیان

به موجب اصل ۸۱ ام: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.»

نظارت مالی

۱. نظارت مجلس بر تدوین بودجه

به موجب اصل ۵۲ ام: «بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.»

۲. نظارت بر اجرای بودجه از طریق دیوان محاسبات کشور (گزارش تفریغ بودجه)

به موجب اصل ۵۵ ام: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.»

نظارت سیاسی

۱. مسئولیت سیاسی اعضای قوه مجریه

مسئولیت فردی و جمعی وزیران:

به موجب اصل ۱۳۷ ام: «هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.»

مسئولیت سیاسی رئیس جمهور: مسئولیت رئیس جمهور در مقابل مجلس از دو جهت مطرح می‌باشد:

۱ - رئیس جمهور ریاست هیأت وزیران را بر عهده دارد. به همین جهت، طبق ذیل اصل ۱۳۴ ام، در برابر مجلس مسئول اقدامات جمعی وزیران و به عنوان رئیس دولت در مقابل مجلس باید مدافع پاسخگو باشد.

۲ - به موجب اصل ۱۲۲ ام: «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ... مجلس شورای اسلامی مسئول است.»

۲. استیضاح وزیران

به موجب بند ۱ اصل ۸۹ ام:

«۱ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند.

۲ - استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود.

۳ - هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد.

۴ - در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد.

۵ - اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود.

۶ - در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.»

۳. استیضاح رئیس جمهور

به موجب بند ۲ اصل ۸۹ ام:

۱- در صورتی که حداقل یک‌سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح‌شده توضیحات کافی بدهد.

۲- در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.»

شورای نگهبان

اعضای شورای نگهبان

اصل ۹۱ ام ترکیب دوگانه‌ای را برای شورای نگهبان قائل شده است:

۱. فقه‌های شورای نگهبان و شرایط آنان

از آنجا که مهم‌ترین وظیفه شورای نگهبان «پاسداری از احکام اسلام» می‌باشد، نیمی از اعضای آن عبارتند از «شش نفر از فقه‌های عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است.»

الف - فقاقت: علم فقه، علم به احکام اسلام بر اساس منابع اسلامی (قرآن و سنت) به صورت تفصیلی بوده و فقیه کسی است که به این علم تسلط و احاطه داشته باشد. فقه‌های شورای نگهبان، در مقام قانونی خود و با اظهارنظر رسمی، احکام اسلام را از بالقوه به بالفعل درمی‌آورند و نظر آنان قطعی و لازم‌الاجراست.

ب - عدالت: عدالت عبارت از نیروی باطنی است که شخص را بر انجام اعمال واجب واداشته و از انجام اعمال حرام به طور کلی بر حذر می‌دارد. لازمه نصب فقه‌ها در بیان احکام دین عدالت است.

ج - آگاهی به مقتضیات زمان: منابع اصلی (قرآن و سنت) همیشگی، ثابت و لایتغیرند؛ اما امور و حوائج جدید با مسائل زمان گذشته متفاوت است، هنر اصلی فقه‌ها آن است که حوائج و موضوعات جدیدمان خود را به خوبی تشخیص دهند و ارتباط منطقی بین احکام ثابت و موضوعات جدید ایجاد نمایند.

۲. حقوقدانان و شرایط آنان

نظر به اینکه، یکی از وظایف مهم شورای نگهبان پاسداری از قانون اساسی است، نیم دیگر اعضای آن عبارتند از: «شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.»

الف - حقوقدانان مسلمان: قانون اساسی، تکیه و تأکید به مسلمان بودن حقوقدانان نموده است. علت آن را می‌توان مربوط به اصل حاکمیت اسلام در اعمال زمامداری دانست و عمل شورای نگهبان از جمله اعمال حاکمیت و زمامداری به شمار می‌رود.

ب - حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی: به نظر می‌رسد که مراتب علمی بالا و تجربیات عملی مفید شرط لازم برای تخصص در هر یک از «رشته‌های مختلف حقوقی» باشد تا حقوقدانان عضو قادر به تفسیر و اظهارنظر مقبول و عالمانه باشند. در این صورت، در ترکیب کلی شورای نگهبان بین حقوقدانان متخصص و فقه‌های آگاه به زمان، هماهنگی لازم و شایسته در استنباط و اظهارنظر ایجاد خواهد شد.

انتخاب حقوقدانان

حقوقدانان موردنظر به وسیله مجلس انتخاب می‌شوند. برای آنکه مجلس قادر به انتخاب باشد، رئیس قوه قضائیه علی‌الاصول باید تعداد بیشتری را معرفی نماید. قانون اساسی در این خصوص صراحت دارد که «شش نفر حقوقدان ... از میان حقوقدانان ... انتخاب می‌گردند» بدون آنکه حداقل و حداکثر آن را تعیین کرده باشد. در مورد معرفی شدگان روال معقول دو برابر به نظر می‌رسد تا مجلس با دست باز، پس از مطالعه و شناسایی معرفی شدگان، قادر به انتخاب اصلاح باشد.

نکات شورای نگهبان

- ✓ مدت مأموریت اعضای شورای نگهبان: به موجب اصل ۹۲ ام «اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.»
- ✓ هیچ منعی برای انتخاب اعضای سابق وجود نخواهد داشت.
- ✓ دوره مأموریت اعضا یکجا به پایان نمی‌رسد؛ یعنی «در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.» با این وجود، از آغاز نیمه دوم دوره مذکور اعضای جدید برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند. این گونه انتخاب غیر هم‌زمان (با فاصله سه سال) باعث می‌شود که صاحب‌نظران جدید، پس از انتخاب با اعضای قدیم (که حداقل سه سال سابقه عضویت دارند) برخورد فکری داشته باشند.
- ✓ «هرگاه در اثناء دوره‌ای عضوی فوت نماید یا استعفاء دهد و یا عزل شود عضویت جانشین وی فقط برای بقیه مدت خواهد بود.» (ماده ۵ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «دبیر شورا ۴۰ روز قبل از پایان مدت عضویت اعضای که عضویت‌شان در شرف انقضاء است طی نامه‌ای مراتب را در مورد فقهاء به مقام معظم رهبری و در مورد حقوقدانان به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌نماید» (ماده ۶ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «استعفای اعضای شورا باید کتباً به دبیر شورا اعلام شود. دبیر شورا استعفانامه را در اولین جلسه شورا قرائت می‌کند، چنانچه ظرف یک هفته از تاریخ قرائت استعفاء مسترد نشد، استعفانامه عضو فقیه به مقام معظم رهبری و استعفانامه عضو حقوقدان به رؤسای قوه قضائیه و قوه مقننه اعلام می‌گردد.» (ماده ۷ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)

جلسات شورای نگهبان

- ✓ «شورا دارای جلسات عادی و فوق‌العاده خواهد بود.» (ماده ۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «جلسات عادی شورا هفته‌ای ۲ روز تشکیل می‌شود.» (ماده ۱۰ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «جلسات فوق‌العاده بر حسب ضرورت بنا بر تشخیص و تصمیم دبیر شورا و یا تقاضای سه نفر از اعضاء تشکیل خواهد شد.» (ماده ۱۲ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «جلسات شورای نگهبان با حضور ۷ نفر از اعضاء رسمی است ولی اخذ آراء جز در موارد ضروری و یا حصول رأی لازم با حضور حداقل ۹ نفر خواهد بود.» (ماده ۱۳ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «جلسات فقهاء با حضور چهار نفر رسمی است ولی اخذ رأی جز در موارد ضروری و یا حصول رأی لازم با حضور حداقل ۵ نفر خواهد بود.» (ماده ۱۴ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «جلسات شورای نگهبان برای تفسیر قانون اساسی با حضور حداقل ۹ نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد ولی اخذ رأی جز در صورت حصول رأی لازم با حضور بقیه اعضاء خواهد بود.» (ماده ۱۵ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)

اداره جلسات شورای نگهبان

- ✓ «شورای نگهبان دارای یک دبیر و یک قائم مقام از اعضاء شورای نگهبان و یک سخنگو (از اعضاء و یا خارج از اعضاء شورای نگهبان) خواهد بود که برای مدت یک سال انتخاب می گردند.» (ماده ۲۳ آیین نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «انتخاب دبیر و قائم مقام و سخنگو با اکثریت مطلق و رأی مخفی است» (صدر ماده ۲۴ آیین نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «هرگاه هیچ یک از دبیر شورا و قائم مقام او از فقهاء انتخاب نشوند برای اداره جلسه خاص فقهاء یکی از آنان برای یک سال به طریق فوق انتخاب می شود.» (تبصره ماده ۲۴ آیین نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «تشکیل و اداره جلسات شورا و حفظ نظم در مذاکرات و اجرای آئین نامه به عهده دبیر یا قائم مقام است.» (ماده ۳۴ آیین نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی در اولین فرصت و سؤالاتی که پاسخ به آنها در صلاحیت شورا است پس از وصول و با دستور دبیر توسط دفتر شورای نگهبان در اختیار اعضا قرار می گیرد.» (ماده ۳۲ آیین نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان از طریق دبیر یا قائم مقام به مراجع ذیربط اعلام خواهد شد.» (ماده ۳۱ آیین نامه داخلی شورای نگهبان)

حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی

حضور اختیاری

- «اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند.» (صدر اصل ۹۷ ام)
- «اعضای شورای نگهبان حق حضور در کلیه جلسات رسمی مجلس را دارند» (قسمتی از ماده ۷ آیین نامه داخلی مجلس)

حضور ضروری

- «وقتی طرح یا لایحه ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.» (ذیل اصل ۹۷ ام)
- «چنانچه طرح یا لایحه ای با قید دو یا سه فوریت در دستور مجلس قرار گیرد اعضاء شورای نگهبان باید در آن جلسه شرکت نمایند.» (قسمتی از ماده ۷ آیین نامه داخلی مجلس)
- «در مورد طرح ها و لوایح فوری اعضاء شورای نگهبان پس از تصویب مجلس شورای اسلامی از مجلس خارج و بعد از مشورت، ظرف ۲۴ ساعت نظر خود را اظهار نمایند. تبصره - در موارد فوری جلسه شورا تا رسیدن به نظریه قابل اعلام ادامه می یابد و اعضاء نمی توانند جلسه را ترک گویند.» (ماده ۱۷ آیین نامه داخلی شورای نگهبان)

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۱۲۵۸ تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

- «مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نود و هفتم قانون اساسی، طرح یا لایحه ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد و لوایح و طرح هایی را که رسیدگی به آن در این حد از لزوم سرعت نیست شامل نمی شود»

با وجود تفسیر فوق به نظر می‌رسد که به هنگام رسیدگی به لوایح و طرح‌های یک فوریتی اعضای شورای نگهبان ملزم به حضور در مجلس نباشند.

به موجب اصل ۶۹ ام: «... در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد...»

به ترتیبی که ملاحظه می‌شود، به صرف تقاضا، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. در این مرحله، ظاهراً نیازی به حضور شورای نگهبان نیست؛ زیرا ممکن است تصمیمی اتخاذ نشود و تقاضاکنندگان قصد ارائه یک گزارش سری به مجلس را داشته باشند. اما اگر مصوبه‌ای در کار باشد، به موجب اصل ۹۴ ام حکم کلی قانون اساسی این است که «کلیه مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود»، حال که مصوبه سری است، این سری بودن اقتضا می‌کند که به جای ارسال مصوبه به شورا، شورا در مجلس حضور یابد و نظر شرعی و قانونی خود را اعلام دارد.

حضور تشریفات

«رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود ... سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید.» (اصل ۱۲۱ ام)

وظایف و اختیارات شورای نگهبان

۱. نظارت بر قوانین و مقررات

وظیفه اصلی شورای نگهبان، پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از طریق نظارت بر قوانین و مقررات می‌باشد. قانون اساسی دامنه ضرورت تطبیق قوانین و مقررات کشور با شرع و قانون اساسی را در اصل ۴ ام این گونه بیان کرده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» موارد و مراتب و چگونگی نظارت شورای نگهبان بر قوانین و مقررات از نظر شرع و قانون اساسی به ترتیب ذیل است:

- **نظارت شرعی بر اصول قانون اساسی:** اصول قانون اساسی توسط قوه مؤسس قانونگذار به تصویب رسیده است. در این خصوص هیچ‌یک از اصول بر دیگری برتری ندارد. قانونگذار اساسی ما نیز، با مبنا قرار دادن حاکمیت اسلام، چنین طبقه‌بندی را در اصل ۴ ام قانون اساسی تأسیس نموده و ضمن اعلام ضرورت انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلام مقرر می‌دارد: «این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»
- **نظارت شرعی و قانونی بر مصوبات مجلس:** «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.» (اصل ۷۲ ام)

«کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.» (اصل ۹۴ ام)

الف - ضرورت ارسال کلیه مصوبات به شورای نگهبان: ارسال تمامی مصوبات اعم از قوانین (عام، خاص، تفویضی، تفسیری و بودجه) و یا مصوبات ناشی از نظارت استصوابی مجلس بر قوه مجریه (نظیر عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی) برای انطباق با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان الزامی است.

ب - تکلیف شورای نگهبان: «شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد» شورای نگهبان باید «الزام و اجبار عملی» برای پاسخ و اظهارنظر ظرف مدت مهلت مقرر داشته باشد. ضمانت اجرای این الزام آن است که در صورت عدم اظهارنظر ظرف مهلت مقرر «مصوبه قابل اجرا است»

ج - مهلت اظهارنظر شورای نگهبان: «شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد» (اصل ۹۴ ام) «در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهارنظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.» (اصل ۹۵ ام) نظارت بر مصوبات کمیسیون‌های داخلی مجلس: پس از تفویض اختیار بعضی از قوانین آزمایشی و یا تصویب اساسنامه‌ها از مجلس به کمیسیون‌های داخلی، مصوبات این کمیسیون‌ها، همانند مصوبات مجلس، باید به شورای نگهبان فرستاده شود و این شورا موظف است آن را بر اساس ضوابط مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی بررسی نماید.

• نظارت شرعی و قانونی بر مقررات و مصوبات قوه مجریه

هیأت وزیران، رأساً یا از طریق کمیسیون‌های خاص خود و همچنین وزیران در اجرای قوانین و یا مستقلاً حق وضع آیین‌نامه و یا صدور بخشنامه را دارند. البته مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. بدین خاطر، تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌ها برای نظارت (بررسی و اظهارنظر) به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد علاوه بر آن، مجلس می‌تواند اجازه تصویب دائمی اساسنامه‌ها را به دولت بدهد. این مصوبات نیز نباید با قوانین و مقررات عمومی کشور و اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد و برای نظارت در تطبیق با قوانین، به اطلاع رئیس مجلس می‌رسد و در تطبیق با قانون اساسی و شرع به شورای نگهبان فرستاده می‌شود.

به ترتیبی که ملاحظه می‌شود، نظارت بر مقررات مصوب دولت کلاً بر عهده رئیس مجلس شورای اسلامی است و تنها اساسنامه سازمان‌ها که مصوب دولت است، علاوه بر رئیس مجلس به شورای نگهبان نیز فرستاده می‌شود. اما، با توجه به ضرورت مطابقت مقررات با موازین اسلامی و تکلیف قضا در عدم اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی مخالف قوانین و مقررات اسلامی موضوع تشخیص شورای نگهبان را مطرح می‌سازد که مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف - نظارت شرعی و قانونی بر اساسنامه سازمان‌های دولتی

مجلس شورای اسلامی می‌تواند اجازه تصویب دائمی اساسنامه‌های شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت بدهد. «در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است.» (قسمتی از اصل ۸۵ ام) مصوبه مذکور باید مستقیماً از طرف دولت به شورای نگهبان فرستاده شود و شورا آن را تأیید کند و در صورت مغایرت با شرع و قانون اساسی آن را برای تجدیدنظر به دولت بازگرداند.

ب- نظارت شرعی و قانونی بر تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت: به موجب اصل ۱۷۰ ام قانون اساسی: «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.» و همچنین به موجب ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: «در صورتی که مصوبه‌ای (تصویب‌نامه یا آیین‌نامه دولتی) به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم‌الاتباع است.»

۲. تفسیر قانون اساسی

• کلیات تفسیر

مفهوم تفسیر: تفسیر علمی است که بین مفهوم ذهنی و مفهوم مادی رابطه منطقی برقرار می‌کند. به عبارت ساده و کوتاه: تفسیر عبارت از مطابقت دادن قانون با عمل و اجرا می‌باشد. بدین ترتیب است که مفسر از راه‌های ادبی، منطقی، تاریخی و نظایر آن به هدف و منظور قانونگذار دست می‌یابد و با اعلام نظر تفسیری مواد قانون را روشن و برای اعمال و اجرا آماده می‌سازد.

انواع تفسیر:

۱. تفسیر شخصی و یا علمی وقتی است که علما و نویسندگان حقوق با بررسی و تجزیه و تحلیل قواعد حقوقی نظرات و برداشت‌های خود را مستقلاً نسبت به قواعد حقوقی ابراز می‌دارند. این‌گونه تفاسیر هیچ‌گونه اعتبار قانونی و رسمی ندارد.
۲. تفسیر قضایی وقتی است که قاضی، پس از رسیدگی به موضوع و دلایل پرونده، برای تمیز حق و تطبیق موضوع با حکم، ناگزیر از بررسی و تجزیه و تحلیل مواد قانون می‌باشد و هیچ اثری نسبت به موارد مشابه ندارد. البته تفسیرهای قضایی مکرر نسبت به موضوعات مشابه توسط دادگاه‌ها ممکن است مراجع عالی قضایی (مانند دیوان عالی کشور) را برای جلوگیری از بروز تشّت و اختلاف، به وحدت رویه قضایی رهنمون سازد.
۳. تفسیر قانونی توسط قانونگذار نسبت به قوانین مبهم و نارسا صورت می‌گیرد. قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی را مسؤول «تفسیر قوانین عادی» و شورای نگهبان را مسؤول «تفسیر قانون اساسی» مقرر داشته است.

• صلاحیت شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی

به موجب اصل ۹۸ ام قانون اساسی: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود.» آیین تفسیر:

- ✓ «جلسات شورای نگهبان برای تفسیر قانون اساسی با حضور حداقل ۹ نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد ولی اخذ رأی جز در صورت حصول رأی لازم با حضور بقیه اعضاء خواهد بود.» (ماده ۱۵ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.» (ماده ۱۸ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آنها با شرع با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، در هر زمان که مقتضی باشد توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان انجام می‌یابد... سؤال‌های فقهای دیوان عدالت اداری و قضات درباره مغایرت قوانین و مقررات با شرع حسب مورد از طریق رئیس دیوان و رئیس قوه قضائیه به شورای نگهبان ارسال می‌شود.» (ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «نظرهای تفسیری شورای نگهبان به مرجع درخواست‌کننده تفسیر و رئیس جمهور اعلام می‌گردد و برای روزنامه رسمی و رسانه‌های همگانی فرستاده می‌شود.» (ماده ۲۰ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)
- ✓ «تشخیص اینکه مورد سؤال از مصادیق تفسیر است یا اکثریت شورای نگهبان است.» (ماده ۲۲ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان)

۳. نظارت بر داوطلبی، انتخابات و همه‌پرسی

در این مورد اصل ۹۹ ام بیان داشته است: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.»

• نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان

قوانین و مقررات مربوطه در مورد نظارت بر انتخابات خبرگان رهبری مقرراتی را بیان داشته است که موارد مهم آن را مورد توجه قرار می‌دهیم:

تعیین عوامل اجرایی و نظارت بر انتخابات:

«پیش از شروع انتخابات، از سوی شورای نگهبان پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد به‌عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات با اکثریت آرا، انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌شوند. تبصره- از پنج نفر عضو هیأت مرکزی نظارت حداقل یک نفر باید عضو شورای نگهبان باشد.» (ماده ۲ آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری)

«نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان بر طبق «قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی» مصوب سوم مهرماه ۱۳۵۹ کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی، انجام می‌شود. آیین‌نامه اجرایی آن را شورای نگهبان تصویب خواهد کرد. ناظران حوزه‌های انتخابیه و حوزه‌های فرعی و شعب ثبت‌نام و اخذ رأی و بازرسان را هیأت مرکزی نظارت، به ترتیب و تعدادی که مصلحت بداند، تعیین خواهد کرد.» (تبصره ۱ ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری)

«در هیأت نظارت مرکزی، یکی از فقهای شورای نگهبان عضویت خواهد داشت.» (تبصره ۲ ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری)

نظارت بر صلاحیت داوطلبان و ثبت‌نام آنها:

ماده ۳ قانون انتخابات و ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان شرایط اشتهار به دیانت، اجتهاد در بعضی از مسائل فقهی، بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز، اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی و عدم سوءپیشینه سیاسی و اجتماعی را برای خبرگان مقرر داشته است. به موجب تبصره ۱ مواد فوق: «مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق، فقهای شورای نگهبان قانون اساسی می‌باشند.»

«شورای نگهبان ظرف ۳۰ روز از تاریخ وصول مدارک (ثبت‌نام) داوطلبان هر استان رسیدگی لازم را معمول و نظر خود را به وسیله هیأت نظارت مرکزی به وزارت کشور اعلام می‌دارد.» (ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان)

نظارت بر جریان انتخابات:

جریان انتخابات، از ابتدای ثبت‌نام تا انتهای اعلام نتایج را شامل می‌شود.

«بر اساس اصل (۹۹) قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات، جاری است.» (ماده ۱ آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری)

شکایات و رسیدگی به آنها:

«کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ اخذ رأی شکایت خود را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم دارند.» (ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان)

ابطال انتخابات:

«شورای نگهبان می‌تواند انتخابات را مستقلاً در هریک از مراحل، در کل و یا در بعضی از مناطق حوزه انتخابیه، با ذکر دلیل باطل اعلام کند.» (ماده ۲۰ آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری)

اعلام نتیجه و صدور اعتبارنامه

«صدور اعتبارنامه منتخبین منوط به اعلام نظر شورای نگهبان است» (ماده ۷۲ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان)

• **نظارت بر داوطلبی و انتخابات ریاست جمهوری**

نظارت بر صلاحیت داوطلبان:

«صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان ... برسد.» (قسمتی از بند ۹ اصل ۱۱۰ ام)

نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری:

«مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است» (اصل ۱۱۸ ام)

«شورای نگهبان قبل از شروع انتخابات دو نفر از اعضاء خود و پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد دارای حسن سابقه را با اکثریت مطلق آرای اعضای شورای نگهبان به عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و سه نفر به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌نماید.» (ماده ۲ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)

• **نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی**

«نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.» (ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

کلیات نظارت:

«پیش از شروع انتخابات از سوی شورای نگهبان پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد (به عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات) با اکثریت آراء انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌شوند. تبصره ۱ - از پنج نفر عضو هیأت مرکزی نظارت حداقل یک نفر باید عضو شورای نگهبان باشد که ریاست هیأت را یکی از اعضاء شورای نگهبان به عهده خواهد داشت.» (ماده ۱ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی)

داوطلبی و ثبت نام:

«وزارت کشور موظف است پس از وصول نتایج بررسی از مراجع مذکور در ماده (۴۸) مراتب را به فرمانداران و بخشداران مراکز حوزه‌های انتخابیه به نحو مقتضی اعلام نماید و فرمانداران و بخشداران مراکز حوزه‌های انتخابیه موظفند عیناً مدارک و نتایج بررسی را در جلسه مشترک هیأت اجرائی و هیأت نظارت مرکز حوزه انتخابیه مربوطه مطرح نمایند.» (ماده ۴۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

«هیأت‌های اجرائی مراکز حوزه‌های انتخابیه موظفند حداکثر ظرف ده روز پس از پایان مهلت ثبت نام با توجه به نتایج بدست آمده از بررسی‌های لازم در محل و با استفاده از نتایج اعلام شده توسط وزارت کشور صلاحیت داوطلبان ... را مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه را کلاً به هیأت‌های نظارت اعلام نمایند. تبصره - رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد.» (ماده ۵۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

«فرمانداران و بخشداران مراکز حوزه‌های انتخابیه مکلفند نظریه رد هیأت اجرائی انتخابات را با ذکر استناد قانونی ظرف یک روز به داوطلبان ابلاغ نموده و با سریع‌ترین وسیله به ضمیمه اسناد و مدارک به اطلاع هیأت نظارت استان برسانند. تبصره - کسانی که صلاحیت آنان مورد تأیید قرار نگرفته حق دارند ظرف چهار روز از تاریخ ابلاغ به داوطلب، شکایت خود را مستلاً به هیأت نظارت استان اعلام نمایند.» (ماده ۵۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

در جریان انتخابات:

«قبل از شروع رأی‌گیری باید در حضور نمایندگان هیأت نظارت بر حوزه انتخابیه مربوط، صندوق‌های خالی، بسته و ممهور به مهر هیأت نظارت حوزه انتخابیه گردد.» (ماده ۲۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

در اعلام نتیجه و صدور اعتبارنامه

«صدور اعتبارنامه منتخبین موکول به عدم ابطال انتخابات از طرف شورای نگهبان می‌باشد و شورای نگهبان در اسرع وقت نظر خود را درباره انتخابات اعلام می‌نماید و وزارت کشور موظف است بلافاصله دستور صدور اعتبارنامه را بدهد.» (ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

«اعتبارنامه منتخبین به دستور وزارت کشور و با مهر و امضاء اعضاء هیأت اجرائی و هیأت نظارت در پنج نسخه (یک نسخه برای شورای نگهبان) ظرف مدت چهل و هشت ساعت تنظیم و صادر می‌گردد.» (ماده ۷۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

در رسیدگی به شکایات انتخاباتی

«هیأت‌های اجرائی مراکز حوزه‌های انتخابیه موظفند از تاریخ تشکیل هیأت اجرائی تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رأی انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و حداکثر ظرف هفت روز از تاریخ دریافت شکایات در جلسه مشترک هیأت‌های اجرائی و نظارت حوزه انتخابیه به آنها رسیدگی نمایند. تبصره ۱ - کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند ظرف هفت روز از تاریخ اخذ رأی شکایت مستند خود را به دبیرخانه شورای نگهبان نیز تسلیم دارند.» (ماده ۶۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)

• **نظارت بر امر همه‌پرسی و مراجعه به آراء عمومی**

«در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضاء شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» (اصل ۶ ام)

«در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.» (اصل ۵۹ ام)

«بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری ... باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد.» (اصل ۱۷۷ ام)

«شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.» (اصل ۹۹ ام)

موضوع نظارت فوق، در ماده ۳۷ قانون همه‌پرسی در جمهور اسلامی ایران چنین مقرر شده است: «شورای نگهبان طبق قانون نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر همه‌پرسی نظارت خواهد کرد.»

همچنین به موجب ماده ۲۷ قانون فوق: «شورای نگهبان ظرف یک هفته و در صورت ضرورت حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه همه‌پرسی نظر قطعی خود را جهت امضاء به رئیس جمهور ارسال نموده و رئیس جمهور پس از امضاء به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور از طریق رسانه‌های گروهی نتیجه نهایی را به اطلاع مردم خواهد رساند.»

قوة مجریه

در نظام جمهوری اسلامی ایران، از آن جهت که رئیس جمهور مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شود، نظام ریاستی و از جهت آنکه اعضای دولت (وزراء) از طرف رئیس جمهور پیشنهاد و مورد تأیید مجلس قرار می‌گیرند، نظام پارلمانی است که می‌توان آن را نیمه ریاستی یا نیمه پارلمانی نامید.

إعمال قوة مجریه

به موجب اصل ۶۰ ام قانون اساسی: «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است» با توجه به اینکه رئیس جمهور، ریاست هیأت وزیران را نیز عهده‌دار می‌باشد، اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران دو رکنی (رهبری و ریاست جمهوری) است و کلیه سازمان‌ها و امور اجرایی (کشوری و لشکری) از این ارکان ناشی می‌شود.

مراحل رسمیت یافتن رئیس جمهور

منصب خطیر ریاست جمهوری اقتضا می‌کند، برای تعیین رئیس جمهور شایسته، جهات مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی مدّ نظر قرار گیرد. قانون اساسی در این خصوص ۴ مرحله ذکر کرده است:

۱. داوطلبی

شرایط داوطلبان ریاست جمهوری:

همه افراد ملت و به طور کلی مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، به طور یکسان، در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلامی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نیست. با این ترتیب بر اساس اصل تساوی عموم در مقابل قانون، هر کس حق دارد خود را داوطلب ریاست جمهوری بنماید. لکن، به خاطر ویژگی خاص نظام سیاسی کشور و اهمیتی که این مقام داراست، قانون اساسی در اصل ۱۱۵ ام شرایط ویژه‌ای را برای داوطلبان ریاست جمهوری بدین ترتیب قائل شده است: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

۱. ایرانی‌الاصل،
۲. تابع ایران،
۳. مدیر و مدبر،
۴. دارای حسن سابقه و امانت و تقوی،
۵. مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

نظارت بر امر داوطلبی:

به موجب قسمتی از بند نهم اصل ۱۱۰ ام: «صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، (اصل ۱۱۵ ام) باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان ... برسد.»

۲. انتخاب ریاست جمهوری

اصول یکصد و چهاردهم و یکصد و پانزدهم تا یکصد و بیستم قانون اساسی و همچنین قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ با آخرین اصلاحات تا ۱۳۹۲/۳/۲۰ و قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۴ مقررات انتخابات ریاست جمهوری را بیان نموده است.

اصل انتخابی بودن رئیس جمهور:

«رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.» (اصل ۱۱۴ ام)

«دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه به وسیله مقام رهبری آغاز می‌گردد» (ماده ۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)

«انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد» (اصل ۱۱۹ ام)

جریان انتخابات:

۱. بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، هیأت اجرایی شهرستان و بخش متشکل از معتمدین محلی و با شرکت فرماندار یا بخشدار، رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی، در محل، تشکیل می‌گردد. این هیأت‌ها با تشکیل شعب ثبت نام و أخذ رأی کلیه امور انتخاباتی را از آغاز تا انجام بر عهده دارند. (مواد ۳۸ تا ۴۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)
۲. داوطلبان ریاست جمهوری یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها که رسماً معرفی شده‌اند باید ظرف پنج روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات، به وزارت کشور مراجعه نموده و پرسشنامه تکمیلی و مدارک مربوط به ثبت نام را تسلیم و رسید دریافت دارند. (ماده ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)
۳. وزارت کشور، پس از پایان مهلت قبولی داوطلبی، بلافاصله مدارک داوطلبان را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم می‌دارد. شورای مذکور ظرف مدت پنج روز صلاحیت آن‌ها را تأیید و نظر خود را به وزارت کشور اطلاع می‌دهد. (مواد ۵۶ تا ۵۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)
۴. «وزارت کشور موظف است پس از وصول نظریه شورای نگهبان اسامی نامزدهای ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ظرف مدت دو روز به اطلاع مردم سراسر کشور برساند.» (ماده ۶۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)
۵. داوطلبان ریاست جمهوری که تأیید صلاحیت شده‌اند تحت نظر کمیسیون تبلیغات که متشکل از وزیر کشور، دادستان کل کشور و رئیس سازمان صدا و سیما می‌باشد، حق تبلیغات سالم را با رعایت ضوابط قانونی از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات و آگهی‌های تبلیغاتی خواهد داشت. (مواد ۶۲ تا ۷۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)
۶. مسؤلیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان است (اصل ۱۱۸ ام) که از طریق تشکیل هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و ناظران منتخب محلی بر کلیه مراحل انتخابات و جریان‌های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیأت‌های اجرایی و صحت انتخابات نظارت دارد. (قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)
۷. «انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی خواهد بود.» (ماده ۱۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)
۸. «رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دوره نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.» (اصل ۱۱۷ ام)
۹. «اعتبارنامه رئیس جمهور توسط شورای نگهبان تهیه و به حضور مقام رهبری تقدیم می‌گردد.» (ماده ۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران)

۳. امضای حکم ریاست جمهوری

به موجب بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی: «وظایف و اختیارات رهبر: ۹ - امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم» مقام رهبری به دلیل ولایتی که بر امور جامعه دارد، در واقع مقام وی را تنفیذ می‌نماید.

۴. سوگند ریاست جمهوری

به موجب اصل ۱۲۱ ام: «رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود ... سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید.»

موقعیت و مقام رئیس جمهور

مقام رسمی

به موجب اصل ۱۱۳ ام: «پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است ... و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.» احرار این مقام عالی، طبعاً او را در موقعیت برجسته قانونی در سطح داخلی و بین‌المللی قرار می‌دهد:

۱. ریاست عالی مجامع، هیأت‌ها و شوراها و شوراهای عالی کشور مانند شورای عالی امنیت ملی، شورای بازنگری قانون اساسی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر عهده رئیس جمهور است.
۲. در روابط خارجی و بین‌المللی پذیرش و اعزام سفیران و نمایندگان سیاسی و همچنین شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارها و اجلاس‌های بین‌المللی که در سطح عالی‌ترین مقام کشورها تشکیل می‌شود با رئیس جمهور است.
۳. امضای قوانین داخلی و عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی نیز بر عهده رئیس جمهور است.

موقعیت شخصی

در نظام جمهوری اسلامی ایران، مشاغل و مناصب، مؤثر بر موقعیت شخصی افراد نیست. این امر ناشی از اصول کلی است که مردم و افراد ملت ایران یکسان در مقابل قانون و در حمایت آن قرار دارند و موقعیت و مقام سبب امتیاز نیست و مؤید این مطلب ذیل اصل ۱۰۷ ام چنین است که مقرر می‌دارد: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است» بنابراین، می‌توان گفت که رئیس جمهور نیز، همانند رهبر، با سایر افراد در مقابل قانون مساوی است.

مسئولیت‌های رئیس جمهور

در نظام جمهوری اسلامی ایران برای رئیس جمهور مسئولیت‌های متعددی وجود دارد:

۱. **مسئولیت سیاسی:** رئیس جمهور، در مقام ریاست قوه مجریه، باید قوانین را به خوبی به اجرا درآورد. اگر عدم اجراء، یا سوء اجراء و یا تخلف از اجرای وظایف قانونی صورت گیرد، می‌توان گفت که مقام مذکور ارزش‌های سیاسی و حقوقی جامعه را نادیده گرفته است. لازمه این امر مسئولیت پاسخگویی است که متوجه وی می‌شود. قانون اساسی مسئولیت سیاسی رئیس جمهور را در اصل ۱۲۲ ام این‌گونه مقرر داشته است: «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسؤول است.»

۲. **مسئولیت مالی:** از آنجا که رئیس جمهور از طریق همکاران دولتی خود خزانه‌دار مالی کشور است و بودجه دولت و بسیاری از اموال و دارایی عامه در اختیار او قرار دارد، برای رعایت نهایت احتیاط و به منظور احتراز از سوءاستفاده احتمالی، قانون اساسی در اصل ۱۴۲ ام‌مقرر می‌دارد که: «دارایی ... رئیس جمهور، و همسر و فرزندان (وی) قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.»

۳. **مسئولیت کیفری:** اگر رئیس جمهور به عنوان مقام عالی کشور، در انجام وظایف سیاسی و اجرایی خود اعمالی مرتکب شود که به آزادی و حقوق مردم لطمه وارد گردد، علاوه بر آنکه از نظر سیاسی مسؤول است، از نظر جزایی نیز باید قابل تعقیب قرار داده شود. در این خصوص نکات ذیل قابل توجه است:

۱. قانون اساسی به جرائم سیاسی اشاره نموده، اما تعریف جرم سیاسی (و به تبع آن مجرم سیاسی) را به قانونگذار واگذار کرده تاکنون تکلیف آن در هیچ یک از موارد از جمله جرم سیاسی رئیس جمهور مشخص نشده است.

۲. «رسیدگی به اتهام رئیس جمهور ... در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.» (اصل ۱۴۰ ام)

۴. **مسئولیت قانونی:** قانون اساسی وظایف و اختیارات رئیس جمهور را به تفکیک مشخص کرده است. وی علاوه بر مسئولیت سیاسی خود، در مقابل قوه قضائیه نیز مسؤول است. در این خصوص، دیوان عالی کشور می‌تواند وی را به خاطر تخلف از وظایف قانونی، محاکمه نموده و در صورت محکومیت عزل وی را به مقام رهبری پیشنهاد نماید.

دستیاران رئیس جمهور

۱. معاون اول (سایر معاونان)

به موجب اصل ۱۲۴ ام: «رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.»
معاون اول با موافقت رئیس جمهور وظایف ذیل را بر عهده خواهد داشت:

۱. اداره هیأت وزیران: هیأت وزیران برای انجام وظایف قانونی خود، ناگزیر از تشکیل جلسات به طور مرتب می‌باشد. به نظر می‌رسد که منظور از «اداره هیأت وزیران» اداره امور هیأت وزیران مانند تشکیل کمیسیون‌ها و فراهم نمودن دستور کار هیأت می‌باشد.
۲. هماهنگی بین معاونان رئیس جمهور: قانون اساسی در صورت موافقت رئیس جمهور، این هماهنگی را به معاون اول سپرده است.

۲. نمایندگان ویژه

به موجب اصل ۱۲۷ ام: «رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود.»

کفالت ریاست جمهوری

علی‌الاصول رئیس جمهور، مسؤول انجام امور ریاست جمهوری است، اما ممکن است رئیس جمهور به طور موقت یا دائم و به طور اتفاقی و یا پیش‌بینی شده حضور نداشته باشد تا امور ریاست جمهوری را انجام دهد. قانون اساسی در این موارد مقررات ویژه‌ای را پیش‌بینی نموده است.

موارد لزوم کفالت و تعیین کفیل

اصل ۱۳۱ ام موارد لزوم کفالت را تحت این عناوین بیان داشته است:

۱. فوت؛
 ۲. عزل (توسط مقام رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی یا رأی مجلس بر عدم کفایت سیاسی وی)؛
 ۳. استعفاء (رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف محوله خود ادامه می‌دهد)؛
 ۴. غیبت با بیماری بیش از دو ماه؛
 ۵. انقضای مدت ریاست جمهوری و عدم انتخاب مجدد رئیس جمهور؛
 ۶. امور دیگر (مثل مرخصی رفتن رئیس جمهور)
- در صورت بروز موارد فوق، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسؤولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد... در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

شورای انتخابات ریاست جمهوری

در زمان کفالت ریاست جمهوری به استناد قسمتی از اصل ۱۳۱ ام: «شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود.»

محدودیت‌های زمان کفالت ریاست جمهوری

به موجب اصل ۱۳۲ ام: «در مدتی که اختیارات و مسؤولیت‌های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.»

۱. محدودیت اول، در این مدت نمی‌توان وزراء را استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد؛ زیرا مدیریت کشور در وضع عادی نمی‌باشد و بر فرض آنکه وزرای دولت به خاطر رأی عدم اعتماد عزل شوند، در این مدت کوتاه (۵۰ روز) معرفی وزرای جدید به صلاح نیست.
۲. محدودیت دوم، در این مدت اقدام به همه‌پرسی و یا تجدیدنظر در قانون اساسی نیز از جمله اموری است که انجام آن ضروری نمی‌باشد.

وظایف و اختیارات رئیس جمهور

۱. وظایف رئیس جمهور در اداره عالی کشور

• مسؤولیت اجرای قانون اساسی

رئیس جمهور:

۱. نماینده منتخب و مستقیم مردم و یکی از مظاهر برجسته حاکمیت ملی است (اصل ۱۱۴)
۲. عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری است (اصل ۱۱۳)

۳. مورد تأیید مقام رهبری است (اصل ۱۱۰ «۹»)

۴. رئیس قوه مجریه است (اصل ۱۳۳).

با این ترتیب می‌توان وی را پی از رهبری، مناسب‌ترین مقام برای ایفای وظیفه «مسئولیت اجرای قانون اساسی» دانست.

همچنین به موجب قانون تعیین حدود اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری ایران:

«به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت،

کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد.» (ماده ۱۳ قانون فوق)

«به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد.» (ماده ۱۵ قانون فوق)

• در امور بین‌الملل

الف. امضای قراردادهای بین‌المللی

اصل ۱۲۵ ام: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.» با توجه به اصل فوق ملاحظه می‌شود که رئیس جمهور:

اولاً، در مقام ریاست قوه مجریه، موظف به امضای «قانون قرارداد بین‌المللی» می‌باشد؛

ثانیاً، پس از تصویب مجلس، در مقام اعمال حاکمیت و اقتدار ملی در روابط بین‌المللی، به عنوان طرف متعاقد «اصل قرارداد بین‌المللی» را امضاء می‌نماید و یا امضای آن را به نماینده قانونی خود می‌سپارد. در این خصوص باید توجه داشت که ابتکار انعقاد با قوه مجریه است، نه قوه مقننه و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی در مقام نظارت استصوابی و صرفاً به منزله صدور مجوز انعقاد می‌باشد؛ بنابراین پس از تصویب مجلس، رئیس جمهور (یا نماینده قانونی وی) صلاحیت اختیاری امضاء یا عدم امضای قرارداد را خواهند داشت و از این بابت دولت پاسخگوی مجلس نخواهد بود.

ب. اعزام و پذیرش سفیران

اصل ۱۲۸ ام: «سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد» رئیس جمهور در موضع عالی‌ترین مقام رسمی کشور و به عنوان مظهر حاکمیت و اقتدار ملی:

اولاً، اعزام سفیران با رعایت جهات و با در نظر گرفتن مصالح عالی کشور، مورد تصویب قرار می‌دهد. در این خصوص، صلاحیت رئیس جمهور از جمله صلاحیت‌های اختیاری است. بدین معنی که قبول ردّ سفیر پیشنهادی از اختیارات انحصاری وی می‌باشد. پس از اقدام مذکور، امضای استوارنامه آن سفیر به عنوان یک امر تشریفاتی بر عهده این مقام است.

ثانیاً، پس از تحقیقات اولیه و با در نظر گرفتن مصالح ملی و اعلام پذیرش مقدماتی، استوارنامه سفیران خارجی را طی تشریفات خاص می‌پذیرد.

• ریاست و مسئولیت شوراهای عالی کشور

۱. ریاست شورای عالی امنیت ملی: به موجب اصل ۱۷۶ ام، شورای عالی امنیت ملی به منظور تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد تا سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور را تعیین نماید. بدین منظور، شورا حق دارد کلیه فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را با آن سیاست‌ها هماهنگ نموده و در صورت لزوم و در مواقع تهدیدهای مخلی امنیت و استقلال، نسبت به بهره‌گیری از همه امکانات مادی و معنوی کشور اتخاذ تصمیم نماید.

۲. ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی: این شورا از تأسیسات قانون اساسی به شمار نمی‌رود، اما به عنوان یک نهاد مهم که دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور است وجود و حضور فعال دارد. اعضای این شورا متشکل از رؤسای قوای سه‌گانه و تعدادی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور می‌باشند.

۳. مسؤلیت اجرای بازنگری قانون اساسی: به موجب اصل ۱۷۷ ام: «مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی ... پیشنهاد می‌نماید» قانون اساسی رئیس جمهور را مخاطب رهبری برای قبول مسؤلیت اجرای بازنگری مقرر داشته است؛ بنابراین، می‌توان گفت مسؤلیت‌های رئیس جمهور از این قرار است:

✓ دعوت اعضا، تشکیل شورا و اعلام مواد پیشنهادی مقام رهبری به عنوان دستور کار شورا؛

✓ عضویت در شورای بازنگری و مشارکت در امر بازنگری؛

✓ تقدیم مصوبات شورا به مقام رهبری برای امضاء و تأیید؛

✓ دستور برگزاری همه‌پرسی به وزیر کشور پس از تأیید مصوبات شورا؛

✓ امضای نتیجه همه‌پرسی و ابلاغ آن برای اطلاع عموم و اجرا

۲. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ریاست و اعمال قوه مجریه

• ریاست هیأت وزیران

به موجب اصل ۱۳۴ ام: «ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خطمشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند» این اصل بر سه محور استوار است:

الف. نظارت بر کار وزیران

منظور از نظارت، حصول اطمینان نسبت به اجرای صحیح و دقیق کارها بر اساس برنامه‌های مدون دولت می‌باشد

ب. هماهنگی تصمیمات وزیران

رئیس جمهور به لحاظ آنکه مقام مافوق تمام وزراء است، همچنین به عنوان رئیس هیأت وزیران، مسؤول کل امور دولت می‌باشد، طبعاً مقام صالح برای هماهنگ ساختن تصمیمات وزیران با هیأت وزیران خواهد بود. در این هماهنگی ابتدا امور و برنامه‌های هر یک از دستگاه‌ها به طور مجزا بررسی می‌شود و موارد مشترک و احیاناً موارد اختلاف که بین دستگاه‌ها وجود دارد مورد شناسایی قرار می‌گیرد و آنگاه، رئیس جمهور از طریق دستگاه‌های ستادی زیر نظر خود و یا در هیأت وزیران امور مذکور را به نحو شایسته و متناسب با سیاست جمعی نظام اجرایی تنظیم می‌نماید.

ج. تعیین خطمشی دولت با همکاری وزیران

قانون اساسی به رئیس جمهور این امکان را می‌دهد تا با همکاری همهٔ وزیران که به نحو جمعی در هیأت وزیران شرکت می‌نمایند، از طریق تقدیم لوایح قانونی به مجلس یا تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین و یا آیین‌نامه‌های تعیین‌کنندهٔ وظایف اجرایی، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین نماید.

• ریاست عالی سازمان‌های وابسته

الف. سازمان‌های هماهنگ‌کننده و ناظر

در اجرای وظایف و اختیارات رئیس جمهور در امر هماهنگی و نظارت بر امر دولت سازمان‌های ذیل مورد توجه است:

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور: به موجب اصل ۱۲۶ ام: «رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد»
۲. سازمان حفاظت محیط زیست: این سازمان وابسته به ریاست جمهوری است که از طریق کمی از معاونان خود (رئیس سازمان حفاظت محیط زیست) آن را اداره می‌کند.

ب. سازمان انرژی اتمی

سازمان مذکور وابسته به ریاست جمهوری است که از طریق یکی از معاونان خود (رئیس سازمان انرژی اتمی) اداره می‌شود.

ج. سازمان تربیت بدنی

این سازمان وابسته به ریاست جمهوری قرار دارد که از طریق یکی از معاونان وی (رئیس سازمان تربیت بدنی) اداره می‌شود. البته این سازمان، اخیراً به وزارت ورزش و جوانان تبدیل شده است.

• تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بدون وزیر

به موجب ذیل اصل ۱۳۵ ام: «رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.»

در این مورد، به نظر می‌رسد که تعیین سرپرست نیازی به تأیید و تصویب مجلس نداشته باشد؛ زیرا اگر قرار باشد که مجلس سرپرست موقت را تأیید نماید، این امر تلقی به رأی اعتماد شده و سرپرست مذکور عملاً عنوان «وزیر» پیدا می‌کند.

• اعطای نشان‌های دولتی

به موجب اصل ۱۲۹ ام: «اعطای نشان‌های دولتی با رئیس جمهور است»

در این خصوص، مادهٔ ۷ قانون تعیین حدود وظایف ریاست جمهوری پیش‌بینی نموده است: «به منظور اجرای اصل ۱۲۹ نشان‌های کشوری به پیشنهاد وزرای ذیربط و تصویب هیأت دولت نشان‌های لشکری به پیشنهاد رئیس ستاد مشترک و تصویب فرمانده کل قوا یا مقام مجاز از طرف وی به وسیلهٔ رئیس جمهور اعطاء می‌شود.»

۳. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ارتباط با قوای مقننه و قضائیه

• رئیس جمهور و قوهٔ مقننه

امضای قوانین

به موجب اصل ۱۲۳ ام: «رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسؤولان بگذارد»

همه‌پرسی

به موجب ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران: «همه‌پرسی به پیشنهاد رئیس جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام خواهد شد.»
همچنین ماده ۲۷ قانون فوق: «شورای نگهبان ظرف یک هفته و در صورت ضرورت حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه همه‌پرسی نظر قطعی خود را جهت امضاء به رئیس جمهور ارسال نموده و رئیس جمهور پس از امضاء به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور از طریق رسانه‌های گروهی نتیجه نهایی را به اطلاع مردم خواهد رساند.»

نصب و عزل وزیران و رأی اعتماد به دولت

به موجب اصل ۱۳۳ ام: «وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند»
همچنین به موجب اصل ۱۳۶ ام: «رئیس جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.»

و اصل ۸۷ ام: «رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.»

توقف انتخابات

به موجب اصل ۶۸ ام: «در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود.»
همچنین ماده ۸ قانون تعیین حدود و وظایف ریاست جمهوری: «در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور، چنانچه برگزاری انتخابات در یک یا چند حوزه انتخابیه امکان‌پذیر نباشد، رئیس جمهور توقف انتخابات در نقاط اشغال شده یا تمامی کشور را، با ذکر مدت کتباً به مجلس شورای اسلامی جهت اخذ تصمیم پیشنهاد می‌نماید.»

حضور و احضار به مجلس

رئیس جمهور حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارد و می‌تواند مشاوران خود را همراه داشته باشد و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند رئیس جمهور مکلف به حضور است و اگر تقاضا کنند مطالب‌شان استماع می‌شود:

۱. حضور رئیس جمهور در مجلس برای معرفی وزیران، تقدیم لوایح مهم و ایراد سخن از جمله حقوقی است که این مقام را در پیشگاه قوه مقننه در تکاپوی مثبت قرار می‌دهد.

۲. احضار رئیس جمهور ناشی از نظارتی است که مجلس از طریق سؤال و یا استیضاح بر اساس ضوابط مقرر اعمال می‌نماید.

تقاضای تشکیل جلسه غیرعلنی مجلس

به موجب اصل ۶۹ ام: «...در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور... جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود...» با تشکیل شورای عالی امنیت ملی تقاضای رئیس جمهور برای تشکیل جلسات غیرعلنی و طرح مسائل امنیتی در مجلس از این پس دور از ذهن به نظر می‌رسد.

رئیس جمهور و قوه قضائیه

بین رئیس جمهور و قوه قضائیه ارتباط چندانی وجود ندارد و این به خاطر اقتضای استقلال قوه قضائیه و جلوگیری از نفوذ مقامات بر کار این قوه می‌باشد. با این وجود قانونگذار اساسی، بنا به ضرورت، از طریق وزیر دادگستری، ارتباط محدودی را در این خصوص مقرر داشته است. به موجب اصل ۱۶۰ ام: «وزیر دادگستری... از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.»

دولت

وزیران از جمله اعمال‌کنندگان قوه مجریه می‌باشند که با دو جلوه متمایز جمعی (هیأت وزیران) و فردی به انجام وظیفه سیاسی می‌پردازد.

هیأت وزیران

قانون اساسی هیأت وزیران را به عنوان یک تأسیس حقوقی با حقوق و تکالیف مشخص مورد خطاب قرار داده است، بدون آنکه آن را تعریف کرده باشد، اما تردیدی نیست که این هیأت عبارت است از وزیران و رئیس جمهور (و یا معاون اول او) می‌باشند که به نحو مشارکت اتخاذ تصمیم می‌نمایند.

تشکیل هیأت وزیران

رسمیت هیأت وزیران

هیأت وزیران اصولاً با آراء اعتمادی که مجلس به هر یک از وزیران داده، شکل گرفته است. اما برای حصول اطمینان از هماهنگی بین آنها، صدر اصل ۸۷ ام چنین بیان داشته است: «رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. ...»

جلسات هیأت دولت

در مورد رسمیت جلسات مجلس در ماده ۱ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت چنین آمده است: «جلسه هیأت دولت با حضور دو سوم اعضای صاحب رأی هیأت دولت رسمیت می‌یابد و تصمیمات با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود»

ریاست جلسه هیأت دولت با رئیس جمهور و با موافقت او بر عهده معاون اول وی می‌باشد، در این صورت معاون اول به جای رئیس جمهور حق رأی خواهد داشت.

دفتر هیأت دولت

«به منظور تنظیم جلسات و تهیه صورت مذاکرات و ترتیب کلیه امور مربوطه به تشکیل جلسات هیأت دولت و کمیسیون‌های آن و همچنین ثبت و نگهداری و ابلاغ مصوبات هیأت وزیران و تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه‌ای که مطابق اصل ۱۲۷ تعیین می‌شوند و نیز مصوبات کمیسیون‌هایی که مطابق اصل ۱۳۸ تشکیل می‌گردند، همچنین تنظیم و تدوین پیش‌نویس لوایح و تصویب‌نامه‌ها دفتری زیر نظر معاون اول رئیس جمهور به نام دفتر هیأت دولت تشکیل می‌گردد ریاست این دفتر با دبیر هیأت دولت است که با حکم معاون اول رئیس جمهور منصوب می‌شود.» (ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

«دفتر هیأت دولت، دستور جلسات هیأت دولت را طبق نظر معاون اول به صورت هفتگی تنظیم می‌کند و دستور هفته بعد را حداکثر در پنجشنبه هفته قبل از آن به اطلاع اعضاء هیأت دولت می‌رساند. گزارش‌ها و مسائلی که به نظر وزراء و معاونان رئیس جمهور لازم است در هیأت وزیران طرح شود به اطلاع رئیس جمهور یا معاون اول می‌رسد تا در صورت تأیید در موقع مناسب در جلسه مطرح گردد» (ماده ۲۷ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

کمیسیون‌ها

ضرورت تشکیل کمیسیون

هیأت وزیران، در امور محوله به خود و پیشنهادهای رسیده تصمیم‌گیرنده نهایی است. مجموع این امور دارای ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، صنعتی، دفاعی و غیره می‌باشد و برای اتخاذ تصمیم تخصص‌های گوناگون را می‌طلبد تا با استفاده از نیروهای متخصص دستگاه‌های مربوط و با عنایت دقیق قضیه پیشنهادهای لازم را تهیه و برای تصمیم‌گیری نهایی به هیأت وزیران تسلیم نمایند. به این خاطر است که در درون دولت کمیسیون‌های متعددی تشکیل می‌شود.

انواع کمیسیون‌ها

کمیسیون‌های دائم عبارتند از کمیسیون‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امور زیربنایی و صنعت، لویح و سیاسی - دفاعی که اعضای هر یک از آنها وزیرانی را تشکیل می‌دهند که به لحاظ سمت خود (وزارت) با کمیسیون ارتباط موضوعی دارند، مانند کمیسیون فرهنگی که اعضای اصلی آن را وزرای فرهنگی و آموزشی (فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش پزشکی) تشکیل می‌دهند.

در موارد ضروری و یا اموری که مربوط به چند کمیسیون باشد، با تصویب هیأت دولت «کمیسیون خاص» تشکیل می‌شود که اعضای آن را هیأت دولت انتخاب می‌کند.

«... دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر (کمیسیون‌های ویژه) واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. ...» (قسمتی از اصل ۱۳۸ م)

مقررات مشترک کمیسیون‌ها

۱. «هر یک از کمیسیون‌های دائمی و خاص دارای یک رئیس و یک نایب رئیس خواهد بود. رؤسای کمیسیون‌ها و نواب رؤسا را اعضای کمیسیون‌ها در اولین جلسه خود انتخاب می‌نمایند. هر کمیسیون یک دبیر خواهد داشت که دبیر هیأت دولت وی را از میان کارشناسان آگاه به امور مربوطه به کمیسیون انتخاب می‌نماید.» (ماده ۷ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)
۲. «دبیر کمیسیون با هماهنگی رئیس کمیسیون، دستور جلسه را تنظیم می‌کند.» (ماده ۱۴ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)
۳. «کمیسیون‌های دائمی هیأت دولت در صورت داشتن موضوع در دستور حداقل هفته‌ای یک بار و کمیسیون‌های خاص و کمیسیون‌های ویژه ... با حضور دو سوم اعضاء رسمیت می‌یابد.» (ماده ۸ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)
۴. «رئیس کمیسیون نتیجه مذاکرات را اعلام می‌نماید و در مورد آن رأی‌گیری به عمل می‌آید. نظر کمیسیون همراه با امضاء موافق یا مخالف اعضای کمیسیون در صورت جلسه درج می‌شود. رأی اکثریت اعضاء حاضر در جلسه منوط اعتبار است.» (ماده ۱۶ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)
۵. «اعضاء هیأت دولت می‌توانند هنگام بررسی پیشنهادشان در کمیسیون‌های دائمی و ویژه با حق رأی حضور یابند و در مواردی که کمیسیون‌های مزبور لازم بدانند موظف به شرکت هستند. همچنین کمیسیون‌ها باید هر یک از اعضاء هیأت دولت را که پیشنهاد یا موضوع دستور با وظایف آنها مربوط می‌شود به کمیسیون دعوت کنند.» (ماده ۲۶ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

کمیسیون حقوقی

«به منظور تطبیق پیشنهاد تصویب‌نامه‌ها و لویح و ارائه مشاور حقوقی به کمیسیون‌های دولت و نمایندگان ویژه موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی، کمیسیونی به عنوان (کمیسیون حقوقی) با مسؤولیت معاون حقوقی و امور مجلس ریاست جمهور تشکیل می‌گردد اعضاء کمیسیون مزبور از میان حقوقدانان مجرب تعیین و یا حکم معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور منصوب می‌شوند و هر یک از آنها مسؤولیت مشاوره یکی از کمیسیون‌های دولت را عهده‌دار می‌باشند.» (ماده ۲۱ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

کیفیت کار هیأت وزیران

کار هیأت وزیران، همکاری و هماهنگی بین وزیران است که با طی مراحل ذیل آغاز و پایان می‌پذیرد:

پیشنهاد

رئیس جمهور، معاونان وی و وزراء، پیشنهاددهندگان موضوعات قابل طرح در هیأت وزیران می‌باشند. کلیه پیشنهادهای برای معاون اول رئیس جمهور فرستاده می‌شود. موضوعات پیشنهادی ممکن است جنبه عادی یا فوری داشته باشد که تشخیص نهایی آن با رئیس جمهور یا معاون اول اوست. پیشنهادهای رسیده پس از ملاحظه معاون اول و دستور وی ثبت و به دفتر هیأت دولت ارسال می‌شود تا آنها را به جریان اندازد. (مواد ۲۲ و ۲۴ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

بررسی مرحله اول

«موضوعات عادی پس از ملاحظه معاون اول و دستور وی، جهت ثبت و درج در فهرست به دفتر هیأت دولت ارجاع می‌شود. دفتر هیأت دولت، پیشنهاد را به منظور بررسی حقوقی در اختیار معاونت حقوقی رییس جمهور قرار می‌دهد تا نظرات خویش را کتباً ظرف یک هفته به دفتر هیأت دولت ارسال نماید. پیشنهاد مذکور همراه با نظر معاونت حقوقی و امور مجلس به کمیسیون مربوط ارجاع و به ترتیب وصول و حداکثر ظرف ۲۰ روز مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.» (قسمت الف ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

«موضوعات فوری پس از ملاحظه و دستور معاون اول در خصوص تعیین فوریت، از طریق دفتر هیأت دولت هم‌زمان، برای معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری و کمیسیون مربوط ارسال می‌شود. معاونت ... نظر خود را ظرف ۴۸ ساعت به کمیسیون مربوط می‌فرستد و کمیسیون پس از دریافت نظر معاونت مذکور حداکثر ظرف یک هفته به ترتیب وصول پیشنهادها، آنها را مورد رسیدگی قرار می‌دهد.» (قسمت ب ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

«موضوعات دو فوریتی پس از ملاحظه معاون اول و دستور وی مبنی بر تأیید دو فوریتی بودن آن از طریق دفتر هیأت دولت، حتی‌الامکان ۲۴ ساعت قبل از تشکیل جلسه هیأت وزیران در اختیار رییس کمیسیون مربوط و معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور قرار می‌گیرد تا به هنگام طرح پیشنهاد در اولین جلسه هیأت وزیران، نظرات خود را مطرح نمایند» (قسمت ج ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

«پیشنهاد آنی، با تشخیص رییس جلسه هیأت دولت در هنگام تشکیل هر یک از جلسات قابل طرح است.» (قسمت د ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

بررسی و تصویب در هیأت دولت

«نتیجه بررسی کمیسیون‌ها به ترتیب وصول به دفتر هیأت دولت و با تفکیک نوع دو فوریتی، فوری، عادی در دستور هیأت وزیران قرار می‌گیرد» (ماده ۲۵ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

«توضیح گزارش کمیسیون‌ها در هیأت دولت با رییس کمیسیون‌ها یا نایب رئیس یا یکی از اعضاء کمیسیون خواهد بود. پس از توضیح، عندالاقضاء، پیشنهاددهنده دلایل و ضرورت تصویب پیشنهاد را بیان می‌کند. در مورد موضوعات عادی، پس از اظهارنظر سه موافق و سه مخالف رأی‌گیری می‌شود. در صورتی که پیشنهاد موافقی نداشته باشد، مخالفان و اگر مخالفی نداشته باشد، موافقین بنا به تشخیص رییس جلسه می‌توانند اظهارنظر کنند. چنانچه به تشخیص رییس جلسه اظهارنظر دیگر اعضاء هیأت دولت نیز ضرورت داشته باشد، مذاکرات تا اعلام کفایت آن از طرف رییس، ادامه می‌یابد.» (ماده ۲۸ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

وظایف و اختیارات هیأت وزیران

۱. طرح‌ها و لوایح

• تصویب لوایح و تقدیم آن به مجلس

به موجب اصل ۷۴ ام: «لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود...»
«لوایح ... به امضاء مشترک رئیس جمهور و وزیر با وزرا یا رؤسای دستگاه‌های مربوط می‌رسد و از طریق معاون امور مجلس رئیس جمهور تقدیم مجلس می‌گردد.» (ماده ۳۱ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

• دفاع از لوایح

دفاع از لوایح بر عهده نمایندگان دولت می‌باشد. در مورد لوایحی که مشخصاً به موزه مسؤولیت هر یک از اعضای دولت ارتباط دارد، نظرات وزیر مربوطه با معاون حقوقی و پارلمانی و مسؤول اجرایی یا رئیس سازمان دولتی ذیربط در مقام دفاع صرفاً بیانگر نظرات دولت خواهند بود. هیچ یک از مقامات و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی که هنگام بررسی لوایح در کمیسیون‌ها و جلسات علنی مجلس حضور می‌یابند، مجاز به مخالفت با مفاد لایحه دولت نخواهند بود (ماده ۳۲ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت)

• دفاع از مواضع دولت در مورد طرح‌ها

برای دولت در مقام اجرای قوانین این حق ایجاد می‌شود که از مفاد طرح‌های قانونی مطلع شود و آنگاه نمایندگان قانونی خود را به مجلس معرفی نماید تا در بیان مواضع واقع‌گرایانه دولت و مسائل و مشکلات احتمالی که پس از تصویب قانون در اجرا پیش خواهد آمد در کمیسیون‌های مجلس و در حضور نمایندگان بحث و گفتگو کنند.

۲. تصویب آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها

به موجب اصل ۱۳۸ ام: «هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد.»

۳. تصویب صلح دعاوی و یا ارجاع به داوری

به موجب اصل ۱۳۹ ام: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

۴. تصمیمات سیاسی

هیأت دولت مرکز اتخاذ و هدایت و تمشیت امور اجرایی کشور می‌باشد. تصمیمات سیاسی دولت ممکن است جنبه کلی و نوعی و یا جنبه فردی داشته باشد. تصمیمات نوعی و غیرشخصی به صورت آیین‌نامه متجلی می‌شود. اما بسیاری از تصمیمات به صورت فردی و موردی اتخاذ می‌شود (نظیر تعیین استانداران، صدور مجوز استخدام، تخصیص بودجه، مجوز ورود و خروج، ایجاد و یا قطع رابطه سیاسی و ...)

۵. حل اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی

به موجب اصل ۱۳۴ ام: «در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است.»

شرایط تصدی وزارت

قانون اساسی هیچ گونه اشاره به شرایط وزارت ننموده است. اما، در اصل ۱۰۶ پیش‌نویس آن آمده است: «هیچ‌کس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد، مگر آنکه مسلمان و ایرانی و تبعه ایران باشد»

تعیین وزیر

به موجب اصل ۱۳۳ ام: «وزراء توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند»

سمت وزارت

وزارت قائم به شخص وزیر می‌باشد و قابل‌واگذاری به دیگران نیست. البته نکات ذیل نشان می‌دهد که اصل مذکور را نمی‌توان امر مطلق دانست:

۱. سرپرستی موقت وزارتخانه

ممکن است به دلایلی (مانند عزل، استعفا، رأی عدم اعتماد یا فوت وزیر) وزارتخانه‌ای بدون سرپرست بماند. از طرفی دیگر تا تعیین وزیر جدید که علی‌الاصول مدتی به طول می‌انجامد نمی‌تواند قسمتی از امور را تعطیل نمود؛ بنابراین، موضوع قائم به شخص بودن وزارت عملاً منتفی است، در این باره در ذیل اصل ۱۳۵ ام چنین آمده است: «رئیس‌جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.»

۲. امور وزارتی

از نظر حقوقی تصمیمات اتخاذ شده وقتی اعتبار دارد که وزیر آن را امضاء کرده باشد. اما امور وزارتی آن‌چنان زیاد و متراکم است که وزیر شخصاً قادر به انجام تمام آنها نیست. وزیر برای انجام کارهای خود ناگزیر از اتخاذ رویه مناسب می‌باشد.

۱. امور که دارای وصف خاص سیاسی هستند (مانند عضویت و شرکت در هیأت وزیران، وضع آیین‌نامه و هدایت سیاسی امور مربوط به وزارتخانه) قائم به شخص وزیر و غیرقابل انتقال به دیگری است.

۲. امور اجرایی و فنی همچنین امور اداری و استخدامی وزارتخانه که زیر نظر وزیر باید انجام شود با ایجاد شاخه‌های معاونت و سپردن مسئولیت هر شاخه به یک معاون و تفویض اختیار به وی عملی است.

مسئولیت وزیران

قانون اساسی با در نظر گرفتن حقوق همه‌جانبه افراد برای وزیران مسئولیت‌های گوناگونی را در قائل شده است:

۱. مسئولیت سیاسی

به موجب اصل ۱۳۷ ام قانون اساسی: «هر یک از وزیران مسؤول وظایف خاص خویش در برابر رئیس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسؤول اعمال دیگران نیز هست.»

۲. مسئولیت مدنی

صدر ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی با ذکر اینکه: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسؤول جبران خسارت وارد می‌باشند» تلویحاً مسؤولیت را متوجه اعمال وزیران نیز می‌نماید، اما ذیل ماده مذکور اعلام داشته است: «در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.» با این وجود وزیر را به خاطر اعمال سیاسی‌اش (که نوعاً حاکمیت تلقی می‌شود) از مسؤولیت مبرا می‌سازد.

۳. مسؤولیت کیفری

وزراء به علت ارتکاب جرائم عمومی مجرم عادی و به علت ارتکاب خیانت سیاسی مجرم سیاسی قلمداد می‌شوند:

۱. در مورد ارتکاب جرائم عمومی (تجاوز به آزادی مردم، ارتشاء، اختلاس ...) وزراء مانند سایر افراد مردم مشمول قوانین جزایی عام‌الشمول می‌باشند و مسؤولیت کیفری دارند. به موجب اصل ۱۴۰ ام که بیان داشته است: «رسیدگی به اتهام ... وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.»
۲. ارتکاب جرائم سیاسی دست کم از جرائم عمومی نیست و برای مردم این انتظار وجود دارد که وزیر به خاطر بزهکاری سیاسی‌اش مورد محاکمه قرار گیرد

۴. مسؤولیت مالی

به موجب اصل ۱۴۲ ام: «دارایی ... وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.»

وظایف و اختیارات وزیران

۱. اداره وزارتخانه

تکلیف اول هر یک از وزیران اداره وزارتخانه مشخص، با وظایف و اختیارات معین می‌باشد. وزیر در رأس وزارتخانه بر اساس وظایف و اختیارات مقرر، مدیریت وزارتخانه را بر عهده دارد.

۲. عضویت هیأت وزیران

وزراء علاوه بر تصدی وزارتخانه مربوطه، رسماً و قانوناً عضویت هیأت وزیران را نیز بر عهده دارند و در تعیین خط‌مشی سیاسی دولت، تصویب لوایح، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و همچنین تصمیمات سیاسی، مشارکت دسته‌جمعی دارند.

۳. قیومت بر سازمان‌های وابسته

بعضی از امور عمومی و دولتی به موجب قانون به مؤسسات و سازمان‌هایی به جز وزارتخانه‌ها، واگذار می‌شود. این قبیل مؤسسات را که از آزادی عمل کافی برخوردارند اصطلاحاً «مؤسسه دولتی» می‌گویند. اعطای استقلال به مؤسسات ناشی از ملاحظات فنی و علمی است که گاهی ایجاب می‌کند دستگاه‌ها را از مجموعه تشکیلات قدرت مرکزی جدا نموده و برای آنها استقلال و شخصیت حقوقی متمایز قائل شوند تا به دور از جریانات مؤثر سیاسی و احیاناً مداخلات فراوان قدرت مرکزی، قادر به انجام وظیفه باشند. البته این استقلال تا حدی قابل قبول است که منجر به هرج و مرج نگردد و دولت بتواند به این‌گونه مؤسسات نظارت اصولی نماید. این نظارت را «قیومت اداری» گویند.

شکل‌گیری نظارت مذکور بدین ترتیب است که هر مؤسسه اجرایی و فنی، به لحاظ آنکه ارتباط موضوعی یا وزارت‌خانه معین دار، وابسته به آن می‌شود تا رئیس جمهور و مجلس، از طریق مراجعه به وزیر، قادر به نظارت و مؤاخذه باشند. فلذا، وزیر بر مؤسسات وابسته به وزارت‌خانه تحت تصدی خود، از طریق عزل و نصب مدیران، به منظور حفظ مصالح کشور، بر کار آنان اعمال قیمومت می‌نماید. وی در قبال این نظارت، در مقابل رئیس جمهور و مجلس مسؤولیت سیاسی دارد.

۴. عضویت در مجامع عمومی شرکت‌های دولتی

«شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از پنجاه درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد.» (ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور)

سرمایه شرکت‌های دولتی، نوعاً با سرمایه‌گذاری‌های دولتی به حساب وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی تأمین می‌گردد. بدین ترتیب، وزراء به عنوان نمایندگان دولت که صاحب اصلی سرمایه‌های شرکت می‌باشند در مجمع عمومی شرکت عضویت دارند و برابر قوانین جاریه کشور به ویژه قانون تجارت عمل و اقدام می‌نمایند.

۵. وضع آیین‌نامه و صدور بخش‌نامه

به موجب اصل ۱۳۸ ام: «... هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخش‌نامه را دارد...»

۶. ارتباط با قوه مقننه

در کشور ما همانند نظام‌های پارلمانی، بین اعضای قوه مجریه و از جمله وزراء و قوه مقننه ارتباطاتی بدین شرح وجود دارد:

۱. «در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای ... جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود» (اصل ۶۹ ام)

۲. «وزیران به اجتماع یا به افراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء مکلف به حضورند و هر گاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.» (اصل ۷۹ ام)

نیروهای مسلح

نیروهای مسلح، در مفهوم سنتی به مجموعه قوای منظم نظامی اطلاق می‌شود که برای دفاع از سرزمین در مقابل بیگانگان و یا مقابله با آشوب‌های داخلی و حفظ منافع ملی تشکیل می‌شوند.

به موجب بند ۴ اصل ۱۱۰ ام در نظام جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی کلی نیروهای مسلح با رهبری است که در مقام ریاست قوه مجریه، آن را هدایت و کنترل می‌کند و شورای عالی امنیت ملی، در محدوده سیاست‌های رهبری، سیاست‌های دفاعی امنیتی کشور را تعیین و برای اجراء به نیروهای مسلح ابلاغ می‌نماید.

دلایل وجودی نیروهای مسلح

- نیروهای مسلح نظامی برای حفظ استقلال کشور

اصل استقلال و حاکمیت ملی اقتضاء می‌کند که دولت‌ها برای حفظ حدود و ثغور کشور خود، اقدامات لازم به عمل آورند. تشکیل نیروهای مسلح تأمین‌کننده این منظور می‌باشد.

هرچند که تهدید خارجی نوعاً اتفاقی و گهگاهی است؛ اما نیروهای مسلح به طور دائم تشکیل می‌شوند و با توجه به وضعیت کشور، در زمان جنگ یا صلح عمل می‌کنند:

۱. در زمان صلح، نیروهای مسلح:

اولاً، از طریق پوشش زمینی، دریایی و هوایی دائماً و احتیاطاً به گشت‌زنی و مراقبت می‌پردازند تا در صورت بروز حادثه یا وقوع حمله از سوی بیگانه، قادر به دفع تجاوز باشند.

ثانیاً، از طریق آموزش مستمر نیروهای انسانی در کادرهای ثابت و وظیفه، کشور را در آمادگی دائم رزمی قرار می‌دهند.

ثالثاً، از طریق صنعتی و یا تجاری به تأمین ساز و برگ نظامی می‌پردازند.

۲. در زمان جنگ، نیروهای مسلح، به موجب دستور فرماندهی کل قوا، از تمام تدابیر لازم و با استفاده از نیروهای ثابت، ذخیره و احتیاط و احیاناً بسیج عمومی برای تأمین اهداف اصلی (استقلال و تمامیت ارضی) کار دفاع و حمله را بر عهده می‌گیرند. نیروهای مسلح جنبه ملی داشته و تحت نظارت متمرکز فرماندهی کل قوا بدون استثناء و بدون هیچ گونه انشعاب منطقه‌ای یا جغرافیایی، تمامی سرزمین را شامل می‌شود تا از این طریق بتوان تمامیت ارضی را تأمین و حفظ نمود.

• نیروهای مسلح انتظامی برای حفظ و تأمین امنیت

از اهداف مهم عمومی در اعمال حاکمیت، ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج در جامعه و تضمین امنیت مردم در مقابل تجاوزهای قطعی و یا احتمالی است. هرچند که ضوابط و مقررات نظم و امنیت را قانون معین می‌کند، اما بر هم زدن نظم و تجاوز به امنیت افراد امر رایجی است که صرفاً یک نیروی مجهز و آماده، قابلیت جلوگیری از آن و مخالفت با بی‌نظمی و تجاوز و حفظ امنیت و آسایش عمومی را خواهد داشت. این نیروی مجهز که به حفظ و تأمین امنیت در داخل کشور مشغول است «نیروی انتظامی» نامیده می‌شود. شیوه تشکیل و طرز کار نیروهای مسلح انتظامی را قانون داخلی تنظیم می‌کند.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهور اسلامی ایران، با درک مراتب و واقعیتهای انقلابی در دیباچه خود، تحت عنوان «ارتش مکتبی» چنین آورده است: «در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود (وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ)»

ارتش جمهور اسلامی ایران

اصول و ویژگی‌های ارتش

اصل ۱۴۴ ام، با بنیانگذاری ارتش بر مبنای مکتب و مردم، آن را از وابستگی به منافع فردی خارج ساخته و مقرر می‌دارد: «ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.»

ماده ۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، مرتبط با اصل فوق می‌باشد، همچنین اصول و ویژگی‌های نیروهای مسلح را بدین شرح بیان نموده است: «اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح عبارتند از:

الف - اسلامی بودن: در تشکیل و تجهیز نیروهای مسلح اساس و ضابطه مکتب اسلام است به نحوی که بر همه شؤون و ابعاد آن، ضوابط و مقررات شرع حاکمیت داشته باشد. نیروهای مسلح رسالت مکتبی جهاد در راه خدا را بر عهده داشته، پیروی از اصول اخلاقی اسلام و احترام به شخصیت انسانی افراد را وظیفه خود می‌دانند.

ب - ولایی بودن: نیروهای مسلح تحت فرمان فرماندهی کل بوده و اصل وحدت فرماندهی در تمامی رده‌های آن حاکم می‌باشد و نیل به فرماندهی در تمامی رده‌ها بر اساس شایستگی و کارایی صورت می‌گیرد. دستور فرمانده در صورتی که مغایر با دستورات مسلم شرع، فرمان‌های فرماندهی کل و حاکمیت نظام و قوانین جمهوری اسلامی ایران نباشد، لازم‌الاجرا است. پرسنل نیروهای مسلح در خط سیاسی مقام رهبری بوده، عضویت و وابستگی آنان در تشکلهای سیاسی با توجه به فرمان مقام رهبری مطلقاً ممنوع می‌باشد.

ج - مردمی بودن: نیروهای مسلح همواره در کنار مردم و در جهت مصالح و آرمان‌های امت اسلامی انجام وظیفه می‌نمایند و در زمان صلح نیز به درخواست دولت افراد و تجهیزات فنی خود را در حدی که به آمادگی رزمی آنها آسیبی وارد نیاید، در جهت خدمت به مردم در زمینه کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی به کار می‌گیرند.

د - خودکفایی: نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تمامی توان خود در جهت رسیدن به خودکفایی در کلیه زمینه‌ها از قبیل سازماندهی، آموزشی، تدارکاتی، اطلاعاتی و صنعتی تلاش می‌نمایند.

ه - انضباط: نیروهای مسلح باید با ایجاد انضباط معنوی برخاسته از اعتقاد و ایمان پرسنل، وضع مقررات منطقی و عادلانه و برقراری سیستم‌های تشویق و تنبیه، زمینه اجرای کامل دستورات و مقررات را فراهم سازند.

و - سادگی: در نیروهای مسلح در تمامی زمینه‌ها اعم از طرح‌ریزی‌های ستادی، اعمال مدیریت بکارگیری سیستم‌ها و روش‌ها، گزینش تکنولوژی و صدور دستورالعمل‌ها باید اصل سادگی رعایت شود. تشکیلات غیرضروری و تشریفات بی‌مورد حذف و روش‌های یکنواخت‌سازی مورد توجه قرار گیرد.

ز - اقتدار: نیروهای مسلح می‌بایست از چنان آمادگی، تحرک و اقتداری برخوردار باشند که بتوانند با بهره‌گیری از تمامی امکانات جمهوری اسلامی، جرأت تعرض را از دشمنان آشکار و نهان سلب نمایند.

ح - تدافعی بودن: نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تمامی توان خود دشمن را از تعرض بازداشته و در برابر هر گونه تجاوز دفاع نموده و متجاوز را تنبیه و سرکوب می‌نمایند و در عین اعتقاد به اصل عدم تعرض، ملل مسلمان یا مستضعف غیر معارض با اسلام را برای دفاع از خود یاری می‌کنند.»

مأموریت و وظایف ارتش

به موجب اصل ۱۴۳ ام: «ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد» بنابراین اصل، قانون اساسی برای ارتش وظایف دوگانه‌ای را قائل است:

۱. **پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور:** استقلال اصل مقدّسی به شمار می‌رود که برای حفظ آن بی‌هیچ مضایقه‌ای باید عمل کرد. قانون اساسی پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بر عهده ارتش قرار داده است تا بر اساس ضوابط مقرر انجام وظیفه نماید. ماده ۷ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مأموریت و وظایف ارتش را این‌چنین بیان نموده است: «مأموریت و وظایف ارتش به شرح زیر می‌باشد:

الف - آمادگی و مقابله در برابر هر گونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور.

ب - همکاری با نیروهای انتظامی سپاه پاسداران در مقابله با اشرار، یاغیان، قاچاقچیان، تجزیه‌طلبان و جریانات براندازی در مواقع ضروری بنا به دستور.

ج - آمادگی جهت همکاری با سپاه پاسداران در کمک به ملل مسلمان و مستضعف غیر معارض با جهان اسلام، در دفاع از خود در برابر تهدید و تجاوز نظامی بنا به درخواست آنان و بنا به دستور.

د - در اختیار قرار دادن افرادی که در استخدام ارتش هستند و تجهیزات فنی خود بنا به درخواست دولت در اجرای اصل ۱۴۷ قانون اساسی و با رعایت کامل موازین عدل اسلامی در حدی که بنا به تشخیص شورای عالی دفاع به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

هـ - سازماندهی، آموزش، تجهیزات و گسترش نیروهای زمینی، هوایی و دریایی متناسب با امکانات و تهدیدات، برای انجام مأموریت‌های محوله

و - تلاش مداوم و مستمر در جهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در ارتش و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آنها.

ز - آماده نمودن مردم برای دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی در چهارچوب قانون خدمت وظیفه عمومی

ح - کمک به سپاه پاسداران در آموزش و سازماندهی بنا به دستور.

ط - اقدامات لازم در جهت نیل به خودکفایی در کلیه زمینه‌ها از قبیل صنعتی، آموزشی، تدارکاتی، اطلاعاتی، روش‌ها و سازماندهی.

ی - اقدامات لازم در زمینه کسب اطلاع از اوضاع، رویدادها و تحولات سیاسی، نظامی آشکار و نهان منطقه و جهان و ارزیابی مستمر تهدیدات و توان رزمی دشمنان بالفعل و بالقوه.

ک - تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت ارتش و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آنها در زمینه‌های امنیتی.

ل - ایجاد تسهیلات لازم برای همکاری سپاه پاسداران با ارتش در مواقع ضروری که شورای عالی دفاع تعیین می‌نماید.»

۲. پاسداری از نظام جمهوری اسلامی: نظام جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به اصول دین (توحید، نبوت، عدل، معاد و امامت و رهبری) و همچنین کرامت و ارزش والای انسانی استوار است. حاکمیت اسلام، ولایت فقیه، حاکمیت ملی، شوراها، مردمی، استقلال و آزادی از جمله اصولی است که نظام متکی بر آنها و یا به خاطر آنها تأسیس شده است. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که هرگاه موقعیت هر یک از اصول مذکور در خطر افتد، ارتش به عنوان پاسدار نظام، باید ورود کند.

سازماندهی ارتش

«ارتش جمهوری اسلامی ایران به مجموعه ستاد مشترک، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و سازمان‌های وابسته به آنها اطلاق می‌گردد» (ماده ۳ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران)

۱. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، ستاد فرماندهی کل در ارتش بوده و فرماندهی کل را در اداره ارتش یاری می‌نماید. کار آن مشاوره با فرماندهی، تهیه و تقدیم اطلاعات به فرماندهی، تهیه طرح‌ها و دستورالعمل‌های نظامی و نظارت بر نیروهای سه‌گانه ارتش می‌باشد.

۲. نیروهای زمین، هوایی و دریایی از اندام‌های اجرایی ارتش به شمار می‌روند که بر اساس ضوابط معین، پاسداری از حدود و ثغور آبی و خاکی و فضای جمهوری اسلامی در زمان صلح و امور دفاع و حمله در زمان جنگ را بر عهده دارند.

۳. وزارت دفاع از طرف قوه مجریه کلیه امور اداری و استخدامی و همچنین امور پشتیبانی (تأمین کلیه تجهیزات) و امور تحقیقاتی و صنایع نظامی را بر عهده دارد.

۴. سازمان عقیدتی، سازمانی است که زیرنظر مقام فرماندهی کل قوا مأمور رشد و گسترش فرهنگ اسلامی در ارتش و موظف به آموزش و ارائه خط مشی‌های مکتبی و نظارت بر حفظ و عمل به موازین اسلامی در بدنه‌های مختلف ارتش می‌باشد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به موجب اصل ۱۵۰ ام: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهداری از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسؤولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسؤولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.»

در راستای اجرای اصل فوق، اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵) و قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱) تشکیلات، مأموریت و امور اداری و استخدامی این سازمان را به تفکیک مشخص نموده است. به موجب ماده ۱ اساسنامه مذکور: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایرانی و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد»

وظایف و اختیارات سپاه

فصل دوم اساسنامه یادشده برای سپاه پاسداران مأموریت‌هایی را از قرار ذیل مقرر داشته است:

۱. مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که درصدد خرابکاری براندازی نظام جمهوری اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشند. (ماده ۲)
۲. مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه درصدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی می‌باشند. (ماده ۳)
۳. اقدام همانند دیگر نیروهای انتظامی، در جهت خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می‌نمایند. (ماده ۴)
۴. همکاری با نیروهای انتظامی در مواقع لزوم، در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور. (ماده ۵)
۵. همکاری با دیگر نیروهای انتظامی در جهت حفاظت از اماکن و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی. (ماده ۶)
۶. همکاری با ارتش جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم در جهت پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران. (ماده ۷)
۷. همکاری با ارگان اطلاعاتی کل کشور طبق قانونی. (ماده ۸)
۸. برنامه‌ریزی، سازماندهی، اداره و فرماندهی و اجرای آموزش‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی اعضاء بسیج مستضعفین بر طبق موازین اسلامی. (ماده ۹)
۹. مشارکت در عملیات امدادی به هنگام بروز بلایا و حوادث و انجام خدمات امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی. (ماده ۱۰)

سازماندهی سپاه

به موجب ماده ۳ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مجموعه ستاد کل سپاه حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، سازمان حفاظت اطلاعات سپاه، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و مقاومت بسیج و قدس و سازمان‌های وابسته به آنها اطلاق می‌گردد»

نیروی انتظامی

با تصویب قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۷ از سال ۱۳۷۰ نیروهای سه‌گانه انتظامی سابق (شهربانی، ژاندارمری و کمیته) در یکدیگر ادغام گردید. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور می‌باشد و فرمانده آن از طرف فرمانده کل قوا منصوب می‌گردد.

«هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است.» (ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران)

همکاری سپاه و ارتش

قانون اساسی وظیفه اصلی ارتش را پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است. اما در مورد سپاه پاسداران، نقش نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن مورد تأکید قرار گرفته است. با این ترتیب، ظاهر امر نشان می‌دهد که هر یک از نیروها وظایف متفاوتی را دارا هستند. لکن ذیل اصل ۱۵۰ ام تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان ارتش و سپاه دارد که حدود آن قانون معین می‌کند.

اصول کلی حاکم بر نیروهای مسلح

۱. منع عضویت خارجی‌ان در نیروهای مسلح

به موجب اصل ۱۴۵ ام: «هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.»

۲. منع استقرار پایگاه نظامی خارجی

به موجب اصل ۱۴۶ ام: «استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است»

۳. منع استفاده شخصی از امکانات نظامی

به موجب اصل ۱۴۸ ام: «هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است»

مسائل مشترک نیروهای مسلح

۱. ارتش و سپاه در زمان صلح

به موجب اصل ۱۴۷ ام: «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید.» نکته جالب توجه اینجاست که قانون اساسی فقط ارتش را مکلف به در اختیار قرار دادن افراد و تجهیزات به دولت نموده است در مورد سپاه ماده ۱۰ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام خدمات امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی به درخواست دولت در زمان صلح به عنوان یکی از مأموریت‌های سپاه پیش‌بینی نموده است.

۲. ترفیع درجه نظامیان

به موجب اصل ۱۴۹ ام: «ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است»

۳. نیروهای مسلح و سیاست

اصل ۲۶ ام قانون اساسی، اصولاً احزاب و گروه‌های سیاسی را «مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند» آزاد اعلام می‌دارد. ممکن است نیروهای مسلح در جهت تمایلات و گرایش‌های خاص سیاسی اعضای خود، از امکانات و قدرت نظامی استفاده کنند، برای پیشگیری از حوادث احتمالی قانونگذار مقرراتی به ترتیب ذیل بیان داشته است:

* یکی از شرایط عمومی استخدام در ارتش و یا سپاه «عدم عضویت در احزاب و گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی» می‌باشد. (ماده ۳۴ بند د اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

* «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از نظر سیاسی و عقیدتی تابع ولایت فقیه بوده و از کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل می‌باشد و خود نیز هرگز نباید در جامعه شخصیت حزبی پیدا کرده به صورت یک حزب یا سازمان سیاسی عمل نماید» (ماده ۴۷ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

* «اعضاء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حق عضویت در هیچ حزب و گروه یا سازمان سیاسی را ندارند و ادامه عضویت آنها موجب اخراج از سپاه خواهد شد» (ماده ۴۸ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

۴. دادگاه‌های خاص جرائم نظامی و انتظامی

«منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.» (تبصره ۲ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی) در این ارتباط، اصل ۱۷۲ ام مقرر می‌دارد: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد ...»

قوه قضائیه

قانون اساسی نسبت به امر قضا توجه خاصی را مبذول داشته است:

* دیباچه قانون اساسی چنین بیان داشته است: «قضا در قانون اساسی: مسأله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است؛ این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ)»

* به موجب اصل ۶۱ ام: «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.»

* اسباب و لوازم و طرق اجرای اصل مذکور در فصل یازدهم قانون اساسی به تفصیل بیان گردیده است.

استقلال قوه قضائیه

«قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت ... است» (اصل ۱۵۶ م) با این وجود، «موقعیت» قوه قضائیه مستلزم «استقلال» آن می‌باشد.

استقلال تشکیلاتی

تضمین قانون استقلال قوه قضائیه در اصول و موارد ذیل مشاهده می‌شود:

۱. رئیس قوه قضائیه منصوب مقام رهبری است (اصل ۱۵۷ م) و هیچ تکلیفی (جز اجرای قوانین و هماهنگی در بودجه) نسبت به قوای دیگر ندارد؛
۲. در قوه قضائیه سؤال، استیضاح، رأی عدم اعتماد وجود ندارد.
۳. امور اداری و استخدامی قوه قضائیه مستقل و بی‌نیاز از قوای دیگر است (اصل ۱۵۸ (۳))
۴. پرونده‌های قضایی در درون قوه قضائیه مفتوح و مسدود می‌شود و احکام صادره با استقلال کامل صادر می‌گردد؛
۵. علاوه بر مراتب استقلال قوه قضائیه، بازرسی کل کشور (اصل ۱۷۴) ناظر بر حسن اجرای قوانین در قوه مجریه و دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۳) مرجع رسیدگی به تظلمات، شکایات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین، واحدها و مقررات دولتی است؛ این امتیاز قوه قضائیه را در موقعیت برجسته‌ای قرار می‌دهد.
۶. محاکمه اعضای قوه مجریه در جرائم عادی (اصل ۱۴۰) و عزل رئیس جمهور پس از حکم دیوان عالی کشور (اصل ۱۱۰ (۱۰)) امتیاز دیگری است که استقلال قوه قضائیه را تحکیم می‌بخشد.

استقلال رفتاری قاضی

از نظر رفتاری استقلال قضایی وقتی میسر است که قضا در مقام دادرسی و صدور حکم، صرفاً بر اساس موازین قانونی و تحلیل منطقی خود، به دور از هرگونه نفوذ یا فشار بیرونی و درونی مبادرت به صدور حکم نماید. اصل بی‌طرفی قاضی از لوازم اجتناب‌ناپذیر امر قضا به شمار می‌رود. در این خصوص، هرچند که قوانین دادرسی موارد رد قضا (موارد رد دادرسی) را مورد تأکید قرار داده، اما تجربه تاریخ نشان می‌دهد که علاوه بر موارد مذکور، موقعیت اجتماعی و سیاسی قضا نیز می‌تواند بر امر قضا مؤثر باشد؛ به همین جهت برای تأمین بی‌طرفی کامل قضا، اصل منع عضویت یا شبهه وابستگی آنان به احزاب و گروه‌های سیاسی نیز باید به ویژه مورد توجه قرار گیرد.

اهداف قوه قضائیه

۱. پشتیبانی و احقاق حقوق عامه

افراد جامعه دارای حقوق متعددی هستند. پاسداری و پشتیبانی از این حقوق بر عهده دستگاه‌های قدرت عمومی می‌باشد. قوه قضائیه از طریق تعقیب، محاکمه و مجازات متجاوزین به حقوق مردم، عهده‌دار این پشتیبانی است. قانون اساسی تجاوز به حقوق و در واقع تجاوز به امنیت را صریحاً ممنوع اعلام داشته است، نظیر:

- * ممنوعیت تعرض به حیثیت، جان و مال، مسکن و شغل افراد (اصل ۲۲)
- * ممنوعیت تجسس و سانسور (اصل ۲۵)
- * ممنوعیت تفتیش عقاید (اصل ۲۳)

* ممنوعیت ضرر رساندن به دیگران (اصل ۴۰)

* ممنوعیت دستگیری و مجازات غیرقانونی (اصول ۳۴ و ۳۶)

ضمانت اجرای اصول فوق عملاً در اختیار دستگاه‌های قضایی است که بر اساس قوانین جزایی، متجاوزین به حقوق افراد را مجازات و حقوق تضییع شده آن‌ها را احقاق می‌نماید. در چنین صورتی است که می‌توان به تحقق عدالت امیدوار بود.

۲. گسترش آزادی‌های مشروع

آزادی یکی از مهم‌ترین آرمان‌هایی است که افراد جامعه خواستار آن هستند؛ در قانون اساسی برای تأمین و گسترش آزادی، اصول متعددی مقرر شده است، مانند:

* آزادی بیان و اندیشه (اصل ۲۴)

* آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها (اصول ۲۶ و ۲۷)

* آزادی‌های اقتصادی (اصول ۲۸ و ۴۳ و ۴۶ و غیره)

آزادی افراد تا حدی محترم است که حتی «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد» هیچ مقامی حق ندارد ... آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» (اصل ۹)

وظایف قوه قضائیه

۱. رسیدگی و صدور حکم

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» (اصل ۳۴ م)
«قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» (اصل ۱۶۷ م)

۲. نظارت بر حسن اجرای قوانین

به موجب قانون اساسی نظارت مذکور با جلوه‌های گوناگون در قوه قضائیه متمرکز شده است:

* قضات دادگاه‌ها، در حل و فصل دعاوی و رسیدگی‌های خود نهایتاً ممکن است به این نتیجه برسند که یکی از افراد یا اشخاص مورد محاکمه قوانین را نقض کرده است. بدین ترتیب، با صدور حکم مقتضی ناقض قانون را محکوم می‌نماید. این حکم محکومیت خود باید «مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است» (اصل ۱۶۶)

* دیوان عالی کشور، در مقام رسیدگی شکلی، نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم را بر عهده دارد (اصل ۱۶۱)

* دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی (اصل ۱۷۳) فی‌الواقع اجرا و یا عدم اجرای قوانین را در دستگاه‌های دولتی مورد بررسی قرار می‌دهد.

* فلسفه وجودی سازمان بازرسی کل کشور، در قوه قضائیه، بر اساس حق نظارتی است که قوه قضائیه نسبت به حسن جریان و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری داراست (اصل ۱۷۴)

بنابراین، می‌توان گفت که هدف اصلی در قوه قضائیه آن است که اجرای قوانین را به نحو مطلوب تضمین نماید.

۳. کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمین

قانون اساسی «کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» (اصل ۱۵۶ بند ۴) را در زمره وظایف قوه قضائیه قرار داده است که از طریق ضابطین قوه قضائیه (پلیس انتظامی و قضات تحقیق)، مقدمات تشکیل پرونده قضایی فراهم و پس از خاتمه رسیدگی به اجرا درمی‌آید.

۴. پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

امر فوق، تحت عنوان «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» (اصل ۱۵۶ بند ۵) مورد توجه قانونگذار قانون اساسی قرار گرفته است.

بدین ترتیب، می‌توان اقدامات تأمینی سالب آزادی برخی از مجرمین (مجرمین مجنون و مختل‌المشاعر، مجرمین به عادت، مجرمین معتاد غیره) اقدامات محدودکننده آزادی و سایر اقدامات تأمینی را برای رعایت نظم و حفظ امنیت و آزادی مردم به کار گرفت. اصلاح مجرمین به راه‌هایی غیر از اعمال مجازات (نظیر اصلاح و تربیت افراد جوان و بازآموزی اجتماعی) نیز شیوه دیگری است که قادر به جلوگیری از ارتکاب و تکرار جرائم خواهد شد.

اداره قوه قضائیه

ریاست قوه قضائیه

۱. اوصاف و شرایط و رسمیت قوه قضائیه

به موجب اصل ۱۵۷ ام قانون اساسی: «به منظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.» نکات ذیل در این اصل قابل توجه است:

- * پیش‌بینی شرایط مهم علمی، اخلاقی، تجربی و تدبیری برای تصدی ریاست قوه قضائیه نشان‌دهنده موقعیت خطیر و دشواری است که این مقام داراست.
- * علاوه بر شرایط مقرر در اصل مذکور، باید توجه داشت که رئیس قوه قضائیه اداره یکی از قوای حاکم جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد و بدین اعتبار سهمی از «حاکمیت ملی» را اعمال می‌کند که احراز شرایط و شایستگی‌های خاص لازمه تصدی این امر بسیار مهم ملی است. یکی از این شرایط «تابعیت اصلی» می‌باشد که برای این مقام ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد.
- * هرچند که رئیس قوه قضائیه برای مدت پنج سال از طرف مقام رهبری منصوب می‌شود اما این دوره مطلق نیست؛ زیرا به موجب اصل ۱۱۰ ام (بند ۶) مقام رهبری حق عزل و نصب و قبول استعفا را برای عالی‌ترین مقام قوه قضائیه (رئیس قوه قضائیه) را داراست.
- * منظور از «عالی‌ترین مقام قوه قضائیه» عالی‌ترین مقام قضایی نیست؛ زیرا هیچ یک از وظایف رئیس قوه قضائیه ماهیت قضایی ندارد؛ بلکه عالی‌ترین مقام قضایی به عهده ریاست دیوان عالی کشور (اصل ۱۶۱) می‌باشد.

۲. وظایف و اختیارات قانونی رئیس قوه قضائیه

- * ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم:
- در این خصوص ۲ نکته مورد توجه است:

۱. ایجاد تشکیلات قضایی حتماً باید به موجب قانون باشد، چنانکه قانون اساسی، بعضی از تشکیلات قضایی را مقرر کرده است، همچون دیوان عالی کشور، دادگاه‌های نظامی و دیوان عدالت اداری و تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون دانسته است.

۲. رئیس قوه قضائیه رأساً حق عزل قضات را ندارد؛ اما قادر خواهد بود که با تغییر و یا حذف یک واحد قضایی، عملاً قاضی‌ای را از تصدی مقام خود سلب نماید که این امر با عزل او تفاوت چندانی ندارد.

* تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی: رئیس قوه قضائیه اقدام به تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی نموده و سپس وزیر دادگستری لوایح مذکور را از طریق تصویب هیأت وزیران، تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌نماید.

* استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون: نکته قابل توجه این است که اعمال رئیس قوه قضائیه همواره باید به موجب قانون باشد، نظیر قانونی بودن نصب و استخدام قضات (اصل ۱۶۳)، قانونی بودن عزل قضات (اصل ۱۶۴) و قانونی بودن نقل و انتقال دوره‌ای قضات (اصل ۱۶۴)

۳. نظارت شرعی رئیس قوه قضائیه بر آراء محاکم و تعارض آن با قانون اساسی

بر اساس ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه: «ریاست قوه قضائیه سمت قضائی است و هر گاه رئیس قوه قضائیه ضمن بازرسی، رأی دادگاهی را خلاف بین شرع تشخیص دهد آن را جهت رسیدگی به مرجع صالحه ارجاع خواهد داد»

وزیر دادگستری

«وزیر دادگستری ... از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد» (اصل ۱۶۰). وزیر دادگستری مانند سایر وزراء «توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی» می‌شود (اصل ۱۳۳). وزیر دادگستری، به محض تعیین و رسمیت، همانند سایر وزراء «مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست» (اصل ۱۳۷). در مورد وظیفه خاصی که قانون اساسی بر عهده وزیر دادگستری گذاشته (اصل ۱۶۰) به نظر نمی‌رسد که وی در مقابل رئیس قوه قضائیه مسئول باشد.

مسئولیت روابط قوه قضائیه با سایر قوا

به موجب بند اول اصل ۱۶۰: «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد» بدین ترتیب، وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و همچنین وظایف مشترک با هیأت وزیران می‌باشد.

در مورد کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه، عمده‌ترین مواردی که بین قوه قضائیه و قوای دیگر متصور است موضوع لوایح قضایی و بودجه قوه قضائیه می‌باشد:

۱. یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی است. از طرف دیگر «لویح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود...» (اصل ۷۴) به این ترتیب، وزیر دادگستری لایحه تهیه شده در قوه قضائیه را اخذ و برای تقدیم به مجلس می‌برد.

۲. «بودجه سالانه کل کشور (و من جمله بودجه قوه قضائیه) از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد...» (اصل ۵۲) وزیر دادگستری کار دفاع از بودجه مربوط را در هیأت وزیران و در مجلس بر عهده خواهد داشت.

قائم‌مقامی رئیس قوه قضائیه

به موجب اصل ۱۶۰ ام: «... رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود» این امر از موارد تفویض اختیار محسوب می‌شود و آثار حقوقی خاص خود را داراست:

۱. رابطه حقوقی بین رئیس قوه قضائیه و وزیر دادگستری در این خصوص یک رابطه سازمانی محسوب می‌شود؛ بدین معنی که رئیس قوه قضائیه قسمتی از اختیارات سازمان تحت تصدی خود را با اجازه قانون اساسی از روی قصد و اختیار (و نه الزام) به وزیر دادگستری تفویض می‌نماید و به همین ترتیب وی می‌تواند اختیار مذکور را لغو و شخصاً آن را بر عهده بگیرد، همچنان که از همان آغاز حق دارد این اختیار را تفویض ننماید.
۲. تفویض اختیار مذکور از حیطة سازمان قوه قضائیه خارج نمی‌شود و در نتیجه، رئیس قوه قضائیه مسؤولیت نهایی امور تفویض شده را بر عهده دارد.

قُضات

استخدام قُضات

کار قضایی کار ساده‌ای نیست؛ بلکه همواره همراه با پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی است که مقامات مسؤول آن باید از مراتب علمی، تجربی، شِمّ قضایی و قدرت کافی برخوردار باشند تا بتوانند حق را احقاق و حُسن اجرای قوانین را تأمین نمایند. به همین جهت، شرایط و ضوابط استخدام آنان با سایر کارگزاران دولتی و عمومی متفاوت و متمایز است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با بذل توجه دقیق به این امر مهم، در اصل ۱۶۳ مقرر داشته است: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.» در اجرای این اصل، ماده واحده شرایط قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ چنین مقرر داشته است:

«قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند:

۱. ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران.
۲. طهارت مولد.
۳. تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی.
۴. صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر.
۵. دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضایی به کسانی که دارای لیسانس قضایی یا لیسانس الهیات رشته منقول یا لیسانس دانشکده علوم قضایی و اداری وابسته به دادگستری یا مدرک قضایی از مدرسه عالی قضایی قم هستند یا طلابی که سطح را تمام کرده و دو سال خارج فقه و قضا را با امتحان و تصدیق جامعه مدرسین دیده باشند مادامی که به اندازه کافی مجتهد جامع‌الشرایط در اختیار شورای عالی نباشد»

مصونیت قضایی

اصل ۱۶۴ ام قانون اساسی در خصوص مصونیت قضاات مقرر داشته است: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره‌ای قضاات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد»

مسئولیت مدنی قضاات

قانون اساسی در اصل ۱۷۳ ام برای مردم حق شکایت و تظلم نسبت به مأمورین، واحدها و آیین‌نامه‌های دولت و احقاق حقوق آنها به دیوان عدالت اداری قائل شده است، در خصوص ضررهای مادی یا معنوی ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی در اصل ۱۷۱ ام مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.»

تقصیر قاضی

تقصیر عبارت از تجاوز و تخطی عمدی از وظیفه‌ای است که قوانین و مقررات برای فرد موظف مقرر داشته است. قضاات نیز، در ایفای وظیفه خویش، تابع قوانین و مقررات گوناگون هستند؛ بنابراین، در صورت تجاوز و تخطی از قوانین، به هنگام رسیدگی و صدور حکم و ایراد خسارت، مقصر شناخته می‌شوند و در نتیجه مسئولیت متوجه آنان می‌گردد. به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: «کارمندان دولت ... که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده می‌باشند ...». در اینجا اگر عبارت «کارمندان دولت» را تابعان قانون استخدام کشوری و سایر مقررات استخدامی (مانند قانون استخدام قضاات) بدانیم، قضاات نیز به خاطر تقصیر در مقابل زبان‌دیده مسؤول هستند و بر طبق موازین اسلامی نیز همان مسئولیت متوجه آنان می‌شود.

اشتباه قاضی

اشتباه قاضی وقتی است که وی بدون قصد و نیت و به دلایل دیگر عملاً موجب ضرر و زیان بشود.

فرق تقصیر و اشتباه در قصد و نیت اقدامی است که موجب خسارت شده است. در صورت اشتباه چون قاضی قصد و نیت ایراد خسارت به غیر را نداشته است، عدم مسئولیت وی امری منطقی به نظر می‌رسد. اما به هر حال، چون در اقدام قضایی راه خطا پیموده شده و دیگری خسارت دیده است، حق این است که جبران خسارت به هر نحو به عمل آید؛ اما چون دستگاه حاکمیت (قوة قضائیه) مسئولیت نهایی امر قضا را بر عهده دارد، ضمان متوجه آن دستگاه می‌شود.

وظایف قضاات

۱. الزام به رسیدگی و صدور حکم

به موجب اصل ۱۶۷ ام قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

۲. الزام به عدم اجرای آیین‌نامه‌ها (و قوانین) خلاف قانون و شرع

به موجب اصل ۱۷۰ ام قانون اساسی: «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند»

دیوان عالی کشور

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با قبول اهمیت دیوان عالی کشور، در اصل ۱۶۱ ام مقرر می‌دارد: «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسؤولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد»

به موجب اصل ۱۶۲ ام: «رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند»

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که دیوان عالی کشور در مجموعه قوه قضائیه به عنوان عالی‌ترین سازمان قضایی انجام وظیفه می‌نماید. در اجرای اصول فوق، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲/۴۲/۴ مقرراتی به شرح ذیل بیان داشته است:

۱. «دیوان عالی کشور در تهران مستقر است و شعب آن از رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود.» (ماده ۴۶۲)
۲. «دیوان عالی کشور به تعداد لازم، عضو معاون دارد که می‌توانند وظایف مستشار یا رئیس را بر عهده گیرند» (ماده ۴۶۳)

وظایف و اختیارات دیوان عالی کشور

۱. نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم

یکی از وظایف دیوان عالی کشور نظارت بر کار دادگاه‌هاست تا قضات مبادرت به صدور احکام قضایی خلاف قانون ننمایند. دیوان در نظارت خود، در صورت مشاهده حکم خلاف قانون، آن را نقض و در صورت قانونی بودن حکم، آن را ابرار (تأیید) می‌نماید

۲. ایجاد وحدت رویه قضایی

رویه قضایی به مجموعه آراء و تصمیماتی اطلاق می‌شود که دادگاه‌ها در مورد موضوع مشابه اتخاذ نموده‌اند. ایجاد وحدت رویه قضایی یکی از وظایف اساسی دیوان عالی کشور است که در ادامه نظارت بر اجرای صحیح قوانین ضرورت پیدا می‌کند.

در حال حاضر قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲/۴۲/۴: «هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه‌چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است» (ماده ۴۷۱)

«آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده (۴۷۱) این قانون صادر می‌شود، قابل تغییر است» (ماده ۴۷۳)

۳. محاکمه رئیس جمهور

یکی از وظایف مقام رهبری «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی» است. بدین ترتیب، دیوان عالی کشور برای محاکمه رئیس جمهور ابتدائاً وارد در ماهیت دعوا می‌شود که این امر را می‌توان از صلاحیت‌های ذاتی دیوان عالی کشور به حساب آورد. در این خصوص ماده ۱۹ قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری نیز اعلام داشته است: «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است»

۴. حل اختلاف مراجع قضایی

به موجب ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱: «هرگاه بین دادگاه‌های عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاه‌ها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد»

۵. مرجع فرجام‌خواهی

به موجب ماده ۴۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «دیوان عالی کشور ... مرجع فرجام‌خواهی در جرائم موضوع ماده (۴۲۸) این قانون (آیین دادرسی کیفری) است»

دیوان عدالت اداری

قانون اساسی جمهور اسلامی ایران با تأکید بر نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای قوانین در اصل ۱۷۳ ام مقرر داشته است: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام "دیوان عدالت اداری" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند» در راستای تحقق این اصل قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ به تصویب رسید. ذیلاً به شرح مختصری از تشکیلات و صلاحیت و نحوه کار دیوان خواهیم پرداخت.

تشکیلات دیوان عدالت اداری

۱. «دیوان (عدالت اداری) در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی می‌باشد. تشکیلات قضایی، اداری و تعداد شعب دیوان با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.» (ماده ۲)
۲. «هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت است. آراء شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است.» (ماده ۳)
۳. «چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رأی اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود.» (تبصره ماده ۳)
۴. «قضات دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و باید دارای ده سال سابقه کار قضایی باشند. در مورد قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در یکی از گرایش‌های رشته حقوق یا مدارک حوزوی هم‌تراز، داشتن پنج سال سابقه کار قضائی کافی است.» (ماده ۴)

۵. «رئیس دیوان، رئیس شعبه اول تجدیدنظر دیوان نیز می‌باشد و به تعداد مورد نیاز، معاون و مشاور خواهد داشت. وی می‌تواند برخی اختیارات خود را به معاونان تفویض نماید.» (ماده ۵)

صلاحیت دیوان عدالت اداری

۱. رسیدگی ابتدایی در شعب بدوی
۲. تجدیدنظر از آرای شعب بدوی
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین در هیأت‌ها و کمیسیون‌های اداری
۴. ایجاد وحدت رویه قضایی
۵. ابطال مقررات دولتی خلاف قانون و شرع

سازمان بازرسی کل کشور

یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه نظارت بر حسن اجرای قوانین است. نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم بر عهده دیوان عالی کشور می‌باشد؛ اما در مورد حق نظارت بر ادارات و دستگاه‌های غیرقضایی، اصل ۱۷۴ ام مقرر داشته است: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند»

وظایف و اختیارات سازمان بازرسی کل کشور

به موجب ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور «وظائف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:

الف - بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است بر اساس برنامه منظم.

ب - انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصل نود (۹۰) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

ج - اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریان‌های اداری و مالی در خصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک بگیر از دولت به وزیر ذی‌ربط و در خصوص سوء جریان‌های اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصل نود (۹۰) قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.

د - در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی است، چنانچه جرم دارای حیثیت عمومی باشد، رئیس سازمان یا مقامات مآذون از طرف وی یک نسخه از گزارش را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضائی ارسال و موضوع را تا حصول

نتیجه نهایی پیگیری نمایند و در مورد تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی مستقیماً مراتب را به مراجع ذی‌ربط منعکس نموده و پیگیری لازم را به عمل آورند. مراجع رسیدگی‌کننده مکلفند وقت رسیدگی و جهت حضور را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.»

نهادهای اساسی خاص

ساختار بعضی از نهادها به ترتیبی است که هم از نظر طبیعت کار و هم از نظر تشکیلات، نمی‌توان آن را در مجموعه نهاد رهبری و یا یکی از قوای سه‌گانه جستجو نمود. به همین جهت، آن‌ها را در قسمتی مستقل به ترتیب ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

شوراها

مفهوم سیاسی شورا

عدم تمرکز و اعمال آن از طریق شوراهای محلی و مردمی تأمین‌کننده خواست و اراده مردم و به منزله اعمال و اجرای شیوه خاصی از دموکراسی می‌باشد، بدین معنی که اداره‌شوندگان هر محله با داشتن توقعات مشترک برای حل و فصل امور خود به مشارکت دعوت می‌شوند. این شیوه که امور اهالی به خود آنان واگذار شود تا با بهره‌گیری از امکانات محلی و توانایی‌های خودجوش خویش، آن را به انجام برسانند، حدّ اعلاّی دموکراسی به شمار می‌رود. قوانین اساسی اکثر دموکراسی‌های معاصر نوعاً اصل عدم تمرکز را، با قبول نهاد «شوراهای محلی» مورد توجه و عنایت خاصی قرار داده‌اند.

در دموکراسی‌های ملی، مردم از طریق انتخابات، نمایندگان قوه مقننه و بعضاً رؤسای قوه مجریه را تعیین می‌نمایند. در این سطح، مردم هیچ گونه نقش مستقیمی در تشکیلات و سازمان‌های اداری ندارند. اما شوراهای محلی ثمرات اجرائی دموکراسی را متوجه مناطق و حتی محلات می‌نماید؛ و از این طریق است که مردم دست‌اندرکار نزدیک‌ترین امور اجرایی خویش می‌شوند. به عبارت بهتر، اگر دموکراسی ملی را دموکراسی سیاسی بدانیم، در نظام عدم تمرکز و از طریق شوراهای محلی، دموکراسی اداری را اعمال کرده‌ایم. اصل ۷ ام قانون اساسی می‌تواند مؤید این نظر باشد: «شوراها ... از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند»

مفهوم حقوقی شوراهای محلی

عدم تمرکز اداری، از طریق شوراهای محلی، از جمله حقوق اساسی مردم محسوب می‌شود که اصطلاحاً آن را «خودگردانی» می‌گویند. تحلیل حقوقی نظام عدم تمرکز، برای تأمین حقوق محلی، با رعایت حاکمیت ملی باید صورت گیرد و اصل ۱۰۰ ام قانون اساسی می‌تواند زمینه مناسبی برای این تحلیل باشد، به موجب این اصل: «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.»

عناصر اصل مذکور بدین شرح است:

* امور محلی

در کنار امور مشترک ملی در هر محل، علائق، منافع و وابستگی‌هایی وجود دارد که موجبات همبستگی و اتحاد مردم آن را فراهم می‌سازد و این امور نوعاً غیرسیاسی بوده و بیشتر به امور رفاهی مردم محل مربوط می‌شود. اصل ۱۰۰ ام‌آنها را تحت عنوان «برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی» ذکر نموده است. تدوین و اجرای این برنامه‌ها، با در نظر گرفتن امکانات و مقتضیات محلی، در محل قابل اعمال خواهد بود، بدون آنکه نیازی به بکار انداختن امکانات ملی باشد. احداث مدرسه، ساختن سطح شهر، جاده‌سازی، عمران محلی و پرداختن به امور اجتماعی در محدوده محل، خود به خود، مردم محل را برای مشارکت و همیاری علاقه‌مند می‌سازد.

* مقامات محلی

دومین عنصر عدم تمرکز، مقامات محلی می‌باشند. مقامات مرکزی در محل، ولو آنکه اهل محل باشند، تأمین‌کننده نهاد عدم تمرکز نمی‌باشند. مقامات محلی (اعضای شورای اسلامی محل) باید واجد شرایط ذیل باشند:

انتخابات اعضاء نیز باید توسط مردم محل صورت گیرد. اصل ۱۰۰ ام قانون اساسی تصریحاً اعلام می‌دارد که اعضای شورای محلی را مردم همان محل انتخاب می‌کنند و ماده ۳۱ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱/۹/۳۱ و ماده ۱۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ آن را مورد تأکید قرار داده‌اند.

* تفوق حاکمیت و وحدت ملی و نظارت حکومت مرکزی

با توجه به امتیازاتی که برای عدم تمرکز وجود دارد، انصراف از آن بی‌اعتنایی به حقوق و علایق محلی به شمار می‌رود. اما توجه مطلق به این اصل، بدون در نظر گرفتن اصل حاکمیت ملی و وحدت و تمامیت ارضی، خطر تجزیه و تاشی کور را محتمل می‌سازد. بدین خاطر قاعده حقوقی جامعی لازم است تا بر اساس آن بتوان بین اصول مذکور سازگاری ایجاد نمود. کمال مطلوب در این قاعده مقدم شمردن اصل حاکمیت ملی و تمامیت ارضی بر اصل عدم تمرکز است. برای اجرای قاعده مذکور، نظارت دولت بر تمام اندام اداری کشور ضرورت پیدا می‌کند. اصل ۱۱۰ ام قانون اساسی شرط پدیداری شوراهای محلی را تصریحاً با رعایت اصول وحدت محلی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی و به موجب قانون دانسته است.

اوصاف مشترک شوراهای محلی

۱. شخصیت حقوقی شوراها

شوراهای اسلامی محلی در تمام مراتب و سطوح (ده، بخش، شهر، شهرستان و استان) به نحو متمایز از دولت مرکزی و نهادهای تابعه آن قابلیت بروز و ظهور دارند مؤید این مطلب اصل ۷ ام قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «شوراها ... از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند» در تبیین این اصل، ماده ۱۷ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، تصریح دارد که: «شوراها دارای شخصیت حقوقی ...» می‌باشند. شخصیت حقوقی شوراهای محلی از طریق امور ذیل تجلی پیدا می‌کند:

* تکوین شوراها از طریق انتخابات محلی

اعضای شوراهای هر محل را «مردم همان محل انتخاب می‌کنند» (اصل ۱۰۰) کسانی که تابعیت جمهوری اسلامی ایران و حداقل ۱۸ سال تمام را داشته باشند، به شرط سکونت در محل (حداقل یکسال برای شهرهای کمتر از یکصد هزار نفر جمعیت) حق انتخاب کردن را دارند. شرایط انتخاب‌شوندگان عبارت است از:

۱. «تابعیت (اصلی) کشور جمهوری اسلامی ایران؛

۲. حداقل ۲۵ سال تمام؛

۳. اعتقاد و التزام عملی به اسلام ولایت فقیه؛

۴. ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۵. دارا بودن کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا کارت معافیت دائم از خدمت برای مردان؛

۶. دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا دویست هزار خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شوراهای روستاهای بالای دویست خانوار و داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای شوراهای شهری تا بیست هزار نفر جمعیت و داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن برای شوراهای شهری بالای بیست هزار نفر جمعیت» (ماده ۲۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران)

* استقلال شوراها

اشخاص حقوقی، از آن جهت که همانند اشخاص حقیقی (افراد انسانی) در قوانین و مقررات مورد حق و تکلیف قرار می‌گیرند، برای امور خود نیازمند استقلال می‌باشند. شوراهای محلی از اشخاص حقوقی به شمار می‌روند که دارای استقلال مالی و اداری هستند.

۲. ارتباط شوراها با مقامات دولتی در محل

با استقرار عدم تمرکز، در تقسیمات کشوری مدیریت دوگانه، اعمال می‌شود؛ بدین معنی که دستگاه‌های دولتی و شوراهای محلی، در ایفای وظایف قانونی خود در محل، تلاقی و ارتباط اجتناب‌ناپذیر خواهند داشت. در این صورت روابط آنها باید به گونه‌ای تنظیم شود که هم سیاست کلی دولت در محل و هم مقتضیات محلی بدون مزاحمت اعمال گردد.

۳. قلمرو اختیارات شوراهای محلی

قانون اساسی شوراهای محلی را «عامل پیشرفت سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی» قلمداد نموده است. به برنامه‌های مذکور در هر دو بُعد محلی و ملی باید توجه نمود. ماده ۱۰۹ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشوری قلمرو وظایف و اختیارات کلی شوراها را تفصیلاً بیان نموده است که به ترتیب ذیل دسته‌بندی می‌نماییم:

۱. شوراهای محلی آشناترین نهاد به موقعیت‌ها و مقتضیات محلی محسوب می‌شوند. به همین جهت، بررسی و شناخت کمبودها و نیازها و نارسایی‌های گوناگون محلی و ارائه راه‌حل‌های لازم به مقامات مسؤول را بر عهده دارند. از طرف دیگر، برنامه‌های ارگان‌های اجرایی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و غیره از نظر تطبیق با ضرورت‌های موجود در حوزه انتخابیه شورا جهت بررسی و اظهارنظر به شورا پیشنهاد می‌شود.

۲. نظارت بر حسن اجرای امور و نظارت بر اجرای هماهنگ و کامل برنامه‌های مصوب محلی یکی دیگر از وظایف شوراها به شمار می‌رود.

۳. ابتکار تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی در امور اجتماعی و همچنین برنامه‌ریزی و اقدام در جهت مشارکت مردم در امور عمومی بر عهده شورا است.

۴. تلاش برای ایجاد روحیه همکاری مردم و مسؤولان و ارائه پیشنهادهای لازم برای فعال‌سازی سازمان‌های دولتی و همکاری در امور اجرایی محلی با سازمان‌های مملکتی می‌تواند نشان‌دهنده نقش شوراها در بهبود و تسریع امور باشد.

۵. نصب و عزل شهردارها و انتخاب اعضای شوراهای مافوق از جمله وظایف و اختیارات شورا به شمار می‌شود.

۶. شوراها همچنین تهیه گزارش‌های گوناگون تحلیلی و انتقادی از مصوبات محلی و اقدامات سالانه را برای اطلاع شوراهای مافوق، نمایندگان محل در مجلس شورای اسلامی و اهالی بر عهده دارد.

۷. شوراها می‌توانند با هماهنگی دستگاه‌های اجرایی یا مسؤول به تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، اداری، ارشادی و نظارت آن مبادرت نمایند.

۴. نظارت بر کار شوراها و رسیدگی به تخلفات آنها

شوراهای اسلامی محلی، از آن جهت که واجد شخصیت حقوقی و دارای حق و تکلیف هستند و در صورت ارتکاب تخلف مسؤولند و باید تحت نظارت و مراقبت باشند. نظارت بر کار شوراها از دو جهت قابل تصور است:

۱. نظارت اداری

این موضوع مورد توجه قانونگذار اساسی بوده و نظام سلسله مراتب را در رابطه عمودی شوراها مقرر داشته است. با این توصیف می‌توان گفت: «شوراها در حدود وظایف و اختیارات خود در برابر شورای مافوق مسؤولند»

۲. نظارت قضایی

به موجب اصل ۱۰۵ ام: «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد» انحراف از وظایف ممکن است حتی موجب انحلال شوراها را فراهم نماید. در این خصوص اصل ۱۰۶ ام مقرر می‌دارد: «انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.»

شوراها در تقسیمات کشوری

«عناصر تقسیمات کشوری عبارتند از: روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان» (ماده ۱ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری) در ارتباط با این عناصر، قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۴/۹/۱ با آخرین اصلاحات، شوراهای اسلامی ده، بخش، محل (محله - منطقه) شهر، شهرستان، استان و شورای عالی استان‌ها وظایف آنها را در مجموعه تقسیمات فوق پیش‌بینی نموده است. علاوه بر آن، قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۴ تشکیل شوراهایی به نام شوراهای اسلامی روستا، بخش، شهر و شهرک را مقرر داشته و اعلام می‌دارد: «مقصود از شورا در این قانون و سایر قوانین معتبر در خصوص شوراهای اسلامی کشوری شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و عالی استان‌ها می‌باشد»

۱. شوراهای اسلامی خارج از محدوده شهر

* شورای اسلامی روستا (ده)

«روستا واحد مبدأ تقسیمات کشوری است که از لحاظ محیط زیستی (وضع طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) همگن بوده که با حوزه و قلمرو معین ثبتي یا عرفی مستقل که حداقل تعداد ۲۰ خانوار یا صد نفر اعم از متمرکز یا پراکنده در آنجا سکونت داشته باشند و اکثریت ساکنان دائمی آن بطور مستقیم یا غیرمستقیم به یکی از فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، باغداری به‌طور اعم و صنایع روستایی و صید و یا ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال داشته باشند و در عرف به عنوان ده، آبادی، دهکده یا قریه نامیده می‌شده است» (ماده ۲ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری) اعضای شورای هر ده از طرف اهالی انتخاب می‌شوند و تعداد اعضای آن برای روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر ۳ نفر و برای روستاهای با جمعیت بیشتر ۵ نفر می‌باشد.

اهم وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا:

الف - نظارت و پیگیری بر حسن اجرای مصوبات شورای اسلامی روستا.

ب - ارائه پیشنهاد جهت رفع کمبودها، نارسایی‌ها و نیازها به مقامات ذی‌ربط.

مقامات مذکور موظف به بررسی پیشنهادها و ارائه پاسخ، حداکثر ظرف مدت دو ماه، به شورا هستند. در صورت عدم ارائه پاسخ در موعد مقرر، مراتب برای پیگیری قانونی به اطلاع مقامات مافوق می‌رسد.

ج - تشکیل گردهمایی عمومی جهت ارائه گزارش کار و دریافت پیشنهادهای و پاسخ به سؤالات و جلب مشارکت و خودیاری مردم برای پیشبرد امور روستا حداقل دو بار در سال و با پانزده روز اعلام قبلی.

د - تبیین و توجیه سیاست‌های دولت و تشویق و ترغیب روستائیان جهت اجرای سیاست‌های مذکور.

هـ - نظارت و پیگیری اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی اختصاص یافته به روستا.

و - همکاری با مسئولان ذی‌ربط برای احداث، اداره، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی مورد نیاز روستا در حدود امکانات.

ز - کمک‌رسانی و امداد در مواقع بحرانی و اضطراری مانند جنگ و وقوع حوادث غیرمترقبه و نیز کمک به مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست با استفاده از خودیاری‌های محلی.

ح - تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آن‌ها.

ط - پیگیری شکایات اهالی روستا از ادارات حوزه مربوط از طریق مقامات مسئول.

ی - همکاری با نیروهای انتظامی جهت برقراری امنیت و نظم عمومی حسب درخواست بخشدار.

ک - ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در جهت اجرای فعالیت‌های تولیدی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی.

ل - فراهم نمودن زمینه مشارکت و جلب همکاری مردم در جهت ایجاد و توسعه نهادهای مدنی، کتابخانه و مراکز فرهنگی، بهبود و ارتقاء فرهنگی اقشار مختلف به ویژه جوانان و بانوان و برنامه‌ریزی در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، سوادآموزی، تهیه جغرافیای تاریخی و شناسنامه روستا و دانش بومی و سایر امور با هماهنگی مراجع ذی‌ربط.

م - انتخاب فردی ذی‌صلاح به سمت دهیار برای مدت چهار سال بر اساس آیین‌نامه مربوط و معرفی به بخشدار جهت صدور حکم.

تبصره - عزل دهیار با رأی اکثریت اعضای شورای اسلامی روستا بر اساس آیین‌نامه مربوط انجام می‌شود و به بخشدار جهت صدور حکم عزل اعلام می‌گردد

ن - ایجاد زمینه مناسب برای توسعه اشتغال و جلب مشارکت‌های عمومی در جهت گسترش فعالیت‌های تولیدی.

س - مشارکت در تهیه طرح‌های هادی روستا و بهسازی بافت‌های فرسوده و ضوابط و مقررات ساخت و ساز.

ع - نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفاظت و بهسازی محیط زیست روستا و بهره‌برداری از منابع طبیعی و جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ عمران، مزارع، باغ‌ها، مراتع، جنگل‌ها، محدوده‌های زیست محیطی، احیاء و لایروبی قنوات و نهادهای متروکه و ارائه طرح و پیشنهاد در این زمینه‌ها به شورای بخش.

ف - بررسی برنامه‌های پیشنهادی ارگان‌های اجرائی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از نظر تطبیق با ضرورت‌های موجود در حوزه انتخابیه شورا و ارائه گزارش نارسایی‌ها به شورای مافوق و مراجع اجرائی ذی‌ربط.

ص - نظارت بر حفظ و نگهداری تأسیسات عمومی و عمرانی و اموال و دارایی‌های روستا» (ماده ۷۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران)

* شورای اسلامی دهستان (بخش)

«دهستان کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری است که دارای محدوده جغرافیائی معین بوده و از به هم پیوستن چند روستا، مکان، مزرعه هم‌جوار تشکیل می‌شود که از لحاظ محیط طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همگن بوده و امکان خدمات‌رسانی و برنامه‌ریزی در سیستم و شبکه واحدی را فراهم می‌نماید» (ماده ۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری) قانون جدید تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخاب شهرداران، شورای در سطح مذکور را تحت عنوان «شورای اسلامی بخش» قلمداد

کرده است؛ اما به موجب ماده ۶ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری: «بخش واحدی است از تقسیمات کشوری که دارای محدوده جغرافیایی معین بوده و از به هم پیوستن چند دهستان هم‌جوار مشتمل بر چندین مزرعه، مکان، روستا و احیاناً شهر که در آن عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی واحد همگنی را بوجود می‌آورد به نحوی که با در نظر گرفتن تناسب، وسعت، جمعیت، ارتباطات و دسترسی و سایر موقعیت‌ها، نیل به اهداف و برنامه‌ریزی‌های دولت در جهت احیاء امکانات طبیعی و استعدادهای اجتماعی و توسعه امور رفاهی و اقتصادی آن تسهیل گردد» به موجب ماده ۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران: «تعداد اعضای شورای اسلامی روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت سه نفر و روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت و بخش پنج نفر خواهد بود» و همچنین به موجب ماده ۵ این قانون: «در هر بخش شورای بخش که اعضاء آن پنج نفر می‌باشد با اکثریت نسبی از بین نمایندگان منتخب شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش تشکیل می‌شود و در صورتی که عضو معرفی شده از شورای روستا به عضویت اصلی و علی‌البدل شورای بخش انتخاب شود از عضویت شورای روستا خارج نخواهد شد»
اهم وظایف شورای اسلامی بخش: «وظایف و اختیارات شورای اسلامی بخش عبارت است از:

- ۱ - ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی به مسؤولین اجرایی منطقه جهت رفع کمبودهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی و سایر امور رفاهی بخش.
- تبصره - مقامات اجرائی ذی‌ربط موظف به بررسی طرح‌ها و پیشنهادهای مذکور و ارائه پاسخ حداکثر ظرف مدت دو ماه به شورا هستند. در صورت عدم ارائه پاسخ در موعد مقرر مراتب جهت انجام اقدامات قانونی به اطلاع مقامات مافوق خواهد رسید.
- ۲ - ایجاد هماهنگی لازم بین شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش.
- ۳ - نظارت بر شوراهای روستاها به منظور رعایت وظایف قانونی.
- ۴ - حل و فصل مشکلات و اختلافات میان دو یا چند روستا یا شوراهای روستایی واقع در محدوده بخش، در مواردی که قابل پیگیری قضائی نیست.
- ۵ - رسیدگی به امور عمرانی بخش که خارج از حیطه اختیارات و وظایف شورای روستا است.
- ۶ - ایفای وظایف شورای روستا در مزارع مستقل، مکان‌ها و آبادی‌ها و روستاهایی که به هر دلیل فاقد شورای روستا می‌باشند.
- ۷ - تشویق مردم به همکاری و سرمایه‌گذاری در امور و برنامه‌های عمرانی کشاورزی، حمل و نقل، بهداشت، صنایع روستایی و دستی، امور فرهنگی و مذهبی بخش.
- ۸ - بررسی و تأیید طرح‌های هادی روستاهای واقع در محدوده بخش و ارسال به مراجع ذی‌ربط جهت تصویب نهایی.
- ۹ - نظارت بر حسن اجراء مصوبات شورای اسلامی بخش.
- ۱۰ - نظارت و پیگیری اجراء طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی بخش» (ماده ۷۹ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران)

۲. شوراهای اسلامی در محدوده شهرها

• شورای اسلامی محله و منطقه

«محله، مجموعه ساختمان‌های مسکونی و خدماتی است که از لحاظ بافت اجتماعی ساکنانش خود را اهل آن محل می‌دانند و دارای محدوده معین است حدود محله‌های شهر تابع تقسیمات شهرداری خواهد بود.» (تبصره ۲ ماده ۴ قانون تعاریف و شرایط تقسیمات کشوری) «کوچک‌ترین واحد شوراها در محدوده شهر، شورای اسلامی محله است...» (ماده ۳۰ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور) «در انتخابات شورای اسلامی محله ۷ نفر به عنوان اعضاء اصلی و ۴ نفر به عنوان اعضاء علی‌البدل با رأی مستقیم مردم طبق مقررات این قانون انتخاب خواهند شد.» (ماده ۵۶ قانون اصلاح قانون تشکیلات اسلامی کشوری)

«منطقه، در شهرهای بزرگ از به هم پیوستن چند محله، منطقه شهری تشکیل می‌شود.» (تبصره ۳ ماده ۴ قانون تعاریف و شرایط تقسیمات کشوری) شورای اسلامی منطقه از نمایندگان شوراهای محلات به انتخاب خود تشکیل می‌شوند.

• شورای اسلامی شهر

«شهر، محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود بوده به طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفائی نسبی برخوردار و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد.» (ماده ۴ قانون تعاریف و شرایط تقسیمات کشوری)

اهم وظایف شورای شهر: انتخاب شهردار برای مدت چهار سال - بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های گوناگون محلی، تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی و. ارائه آن به مسئولان، نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری، همکاری با مسئولان اجرایی و سازمان‌های عمومی، برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات مختلف با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط، نظارت جامع بر امور شهرداری، تصویب بودجه سالانه شهرداری و مؤسسات تابعه آن و بودجه شورای شهر، تصویب معاملات شهرداری و نظارت بر آنها، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و یا تغییر آنها، نظارت جامع بر درآمد عمومی شهر و تصویب مقررات لازم شهری با رعایت مقررات موضوعه کشوری، تصویب نرخ وسایط نقلیه شهری و وضع مقررات مربوط به اداره میادین و مایحتاج عمومی» (ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران)

۳. شورای اسلامی بخش^۱

«بخش واحدی است از تقسیمات کشوری که دارای محدوده جغرافیایی معین بوده و از به هم پیوستن چند دهستان هم‌جوار مشتمل بر چندین مزرعه، مکان، روستا و احياناً شهر که در آن عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی واحد همگنی را بوجود می‌آورد ... تبصره ۱ - حداقل جمعیت محدوده هر بخش، با در نظر گرفتن وضع پراکندگی و اقلیمی کشور به دو درجه تراکمی به شرح زیر تقسیم شده است: الف - مناطق با تراکم زیاد سی هزار نفر. ب - مناطق با تراکم متوسط بیست هزار نفر» (ماده ۶ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری)

اهم وظایف شورای اسلامی بخش: نصب و عزل شهردار، تهیه و تنظیم و پیشنهاد برنامه‌های عمرانی در قالب اعتبارات عمومی، بررسی و اقدام برای تشکیل شرکت‌های تعاونی محلی؛ تأسیس کتابخانه و قرائت‌خانه عمومی، ایجاد شرایط لازم جهت حفظ و عمران مزارع، مراتع، اماکن و راه‌ها و اهتمام در تنظیم جغرافیایی، تاریخی و شناسنامه دهات و همکاری با دستگاه‌های دولتی می‌باشد» (قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۹/۱)

۴. شورای اسلامی شهرستان

«شهرستان واحدی از تقسیمات کشوری است با محدوده جغرافیایی معین که از به هم پیوستن چند بخش هم‌جوار که از نظر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی واحد متناسب و همگنی را بوجود آورده‌اند.

^۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با پیش‌بینی مقررات بخش، با این عنوان که شورای بخش متشکل از نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی روستاها می‌باشند (ماده ۵) متعزض شوراهای اسلامی بخش مقرر در قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ و اصلاحیه‌های آن نشده است؛ اما سطح و ترکیب اعضای آنها متفاوت است؛ بنابراین شورای اسلامی بخش مقرر در قانون جدید را نمی‌توان جایگزین «شورای اسلامی بخش» مقرر در قانون قدیم دانست.

تبصره ۱- حداقل جمعیت شهرستان با در نظر گرفتن وضع پراکندگی و اقلیمی کشور به دو درجه تراکمی به شرح زیر تقسیم می‌شود. الف - تراکم زیاد ۱۲۰۰۰۰ نفر. ب - تراکم متوسط ۸۰۰۰۰ نفر. «ماده ۷ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری»
«شورای اسلامی شهرستان از نمایندگان منتخب شورای شهر و شوراهای بخش ... تشکیل می‌گردد» (ماده ۳۶ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری)

عمده‌ترین وظایف شورای شهرستان بررسی و تصویب طرح‌های عمرانی پیشنهادی هر محل در قالب اعتبارات مصوب و نظارت بر کار سازمان‌ها و مسئولان محلی و گزارش نارسایی‌ها به مسئولان بالاتر می‌باشد. (قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۹/۱)

۵. شورای اسلامی استان

«استان، واحدی از تقسیمات کشوری است با محدوده جغرافیایی معین که از به هم پیوستن چند شهرستان هم‌جوار با توجه به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی تشکیل می‌شود» (ماده ۹ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری)
«شورای استان حداکثر دو هفته پس از پایان انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان تشکیل می‌گردد و هر شهرستان یک نماینده در آن خواهد داشت» (ماده ۳۹ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری)

«شورای اسلامی هر شهرستان در اولین جلسه یک نفر را از بین خود با رأی مخفی و اکثریت نسبی به عنوان نماینده برای عضویت در شورای اسلامی استان انتخاب و کتباً به استاندار معرفی می‌نمایند.» (ماده ۶۷ قانون اصلاح تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور)

اهم وظایف شورای اسلامی استان: بررسی طرح‌های پیشنهادی وارده از شورای شهرستان، رسیدگی و اظهارنظر درباره برنامه عمرانی و نیازمندی‌های شهرستان‌های تابعه و ارسال آن به مسئولان مربوطه، عضویت با حق رأی در کمیته برنامه‌ریزی استان، نظارت بر اجرای بودجه استان بر تعیین مقاطعه‌کاران، مجریان پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی و بر شوراهای مادون می‌باشد. (ماده ۴۰ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری)

شورای عالی استان‌ها

رسمیت شورای عالی استان‌ها

الف - تشکیل شوراهای

«به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود» (اصل ۱۰۱ ام)

«شورای اسلامی هر استان در اولین جلسه که حداکثر ظرف یک هفته پس از قطعیت انتخابات بنا به دعوت استاندار تشکیل خواهد شد یک نفر را از بین خود با رأی مخفی و اکثریت نسبی برای عضویت در شورای عالی اسلامی استان‌ها انتخاب و کتباً به وزیر کشور معرفی می‌نماید.» (ماده ۶۹ قانون اصلاح تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور)

«وزیر کشور پس از وصول معرفی‌نامه کلیه نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی استان‌ها اسامی اعضای شورای عالی اسلامی استان‌ها را به منظور اطلاع عموم از طریق رسانه‌های گروهی (رادیو - تلویزیون) اعلام خواهد نمود.» (ماده ۷۰ قانون اصلاح تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور)

«وزارت کشور محل مناسبی را برای شورای عالی اسلامی استان‌ها تعیین خواهد کرد» (ماده ۷۱ قانون اصلاح تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور)

«اولین جلسه شورای عالی اسلامی استان‌ها به دعوت وزیر کشور و به ریاست مسن‌ترین اعضای حاضر در جلسه تشکیل می‌گردد و یک نفر رئیس و یک نفر نایب رئیس و دو منشی با رأی مخفی انتخاب می‌شوند.» (ماده ۴۳ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری)

ب - موقعیت شورا

شورای عالی استان‌ها، در نظام سلسله مراتب، نسبت به شوراهای محلی، عالی‌ترین شورا محسوب می‌گردد. این شورا از طریق انتخابات غیرمستقیم شش درجه‌ای تشکیل می‌گردد و بدین ترتیب، در موقعیت جغرافیایی کشوری قرار می‌گیرد و از این جهت هم‌سطح با مجلس شورای اسلامی متجلی می‌شود.

این پدیداری از نظر شکلی، نظام دو مجلسی را به ذهن متبادر می‌سازد. در مذاکرات خبرگان، بعضاً از شورای مذکور در ردیف مجلس سنا یاد کرده‌اند. اما با توجه به معطوف بودن امور شوراهای محلی و مطرح ساختن اولویت وحدت ملی مجلس شورای اسلامی با اختیارات وسیع ملی در مقابل شورای عالی استان‌ها با اختیارات محدود، در مرتبتی بالاتر قلمداد شده است. قرینه موجود در ذیل اصل ۱۰۱ ام قانون اساسی: «نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند» این برتری را به وضوح نمایان می‌سازد. تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری قضیه را به این ترتیب مورد تأکید قرار داده است «مجلس شورای اسلامی در حکم مافوق شورای عالی استان‌ها می‌باشد»

وظایف و اختیارات شورای عالی استان‌ها

قانون اساسی و در اجرای آن، قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری، وظایف و اختیارات محدود شورای عالی استان‌ها را مورد اشاره قرار داده است:

الف - نظارت و هماهنگی امور شوراهای

هدف قانونگذار اساسی نیز چنین است که: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.» (اصل ۴۸ ام)

بدین ترتیب، امکانات و توقعات محلی و امکانات و مقتضیات ملی، به نحوی با یکدیگر ارتباط می‌یابند که تنظیم و هماهنگی بین آنها ضرورت پیدا می‌کند. با استقرار نظام عدم تمرکز در کشور، شورای عالی استان‌ها وظیفه تنظیم و هماهنگی را بر عهده خواهد داشت که مقررات آن بدین ترتیب است:

۱. «شورای عالی اسلامی استان‌ها» مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ تشکیل، آیین‌نامه‌های داخلی شوراهای را تهیه و پس از تصویب جهت اجرا به کلیه شوراهای ابلاغ نماید.» (ماده ۴۴ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری) تصویب آیین‌نامه‌های مشترک اولین گام هماهنگ‌کننده شوراهای محلی به نظر می‌رسد.

۲. «شورای عالی اسلامی استان‌ها در تنظیم برنامه و بودجه عمرانی استان‌ها مشارکت دارد.» (ماده ۴۸ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری) و «شورای عالی اسلامی استان‌ها می‌تواند در جهت جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری و ایجاد هماهنگی میان استان‌ها پیشنهاد تغییر طرح یا جابجایی بودجه عمرانی استان‌ها را در چارچوب مقررات مربوطه بنماید» (ماده ۴۹ قانون تشکیلات شوراهای

اسلامی (کشوری) در اجرای این وظایف قانونی، شورای عالی استان‌ها، با در نظر گرفتن توقعات محلی و امکانات ملی و با عنایت به ضرورت عدالت در توزیع درآمدهای ملی، قادر خواهد بود هماهنگی‌های لازم را به عمل آورد.

ب- تهیه و تقدیم طرح‌های قانونی

شوراهای محلی، به لحاظ اشراف بر امور محلی، قادر به تشخیص ضرورت‌ها می‌باشند و از این جهت می‌توانند خلأها و نیازهای قانونی را به خوبی منعکس نمایند. شورای عالی استان‌ها، با دریافت، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پیشنهادهای رسیده، بیان‌کننده نیازهای قانونی مشترک شوراهاست:

۱. اصل ۱۰۲ ام قانون اساسی در این خصوص مقرر داشته است: «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد»
 ۲. ماده ۴۷ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری، شورای مذکور را موظف نموده است که «طرح‌های تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و نظایر آنها را که از سوی شوراهای استان‌ها در جهت جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری و ایجاد هماهنگی میان استان‌ها رسیده، مورد بررسی قرار دهد و در صورت تأیید به عنوان طرح قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»
- قانون اساسی به شورای عالی استان‌ها این امکان را داده است که طرح‌های خود را مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس پیشنهاد کند. شخصیت حقوقی و استقلال شوراها اقتضا می‌کند که شورای عالی استان‌ها بتواند مستقیماً مبادرت به تقدیم طرح به مجلس نماید. از طرف دیگر چون وظایف و اختیارات شوراها با وظایف و اختیارات دولتی اکثراً مرتبط و بعضاً متداخل است، هماهنگی بین تأسیسات مذکور ضروری به نظر می‌رسد. تقدیم طرح‌های شورای عالی از طریق دولت به مجلس، به دولت امکان می‌دهد که به هنگام بررسی و تصویب، مراتب هماهنگی را مورد توجه قرار دهد. به هر حال، پس از تقدیم (مستقیم یا غیرمستقیم) طرح به مجلس «نماینده شورای عالی استان‌ها حق حضور در مجلس و دفاع از طرح را دارد.» (ماده ۵۱ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری)

ج- ارتباط شوراها با دستگاه‌های اجرایی

شوراها، در حدود اختیارات خود برخی از تصمیمات را اتخاذ می‌نمایند. اما امور اجرایی عمدتاً در اختیار دولت و مأموران دولتی در محل ست. از این بابت شوراها وظیفه نظارت و همکاری با دستگاه‌ها را بر عهده خواهند داشت. شورای عالی استان‌ها در سطح عالی این وظیفه را بر عهده دارد:

۱. «شورای عالی اسلامی استان‌ها موظف است طرح‌ها و پیشنهادهای واصله از طرف شوراها را بررسی و مورد تبادل نظر قرار داده، اولویت‌ها را تعیین و به مقامات اجرایی ارجاع نماید» (ماده ۴۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری)
 ۲. «شورای عالی اسلامی استان‌ها در اجرای برنامه و بودجه عمرانی نظارت داشته و دستگاه‌های مربوطه موظفند گزارش ماهیانه و سالیانه و هزینه پیشرفت کار عمرانی خود را به اطلاع شورای عالی برسانند» (ماده ۵۰ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری)
- به این ترتیب، قانونگذار برای دستگاه‌ها ایجاد تکلیف نموده است تا شورای عالی استان‌ها قادر به ایفای حقوق مردم در زمینه امور محلی باشند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام

«مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند» بنابراین، صلاحیت عام تدوین کلیه قوانین مورد نیاز جامعه در انحصار مجلس قرار دارد. از طرف دیگر، کلیه قوانین و مقررات بایستی بر اساس موازین اسلامی باشد. بدین ترتیب «مجلس

شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر ... بر عهده شورای نگهبان است.» به منظور تحقق و تضمین حاکمیت معیارهای فوق (شرع و قانون اساسی) کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود تا از نظر انطباق با موازین اسلامی و قانون اساسی آنها را مورد بررسی قرار داده و اظهارنظر نماید؛ اما به خاطر اعلام مخالفت‌های مکرر شورای نگهبان با مصوبات مجلس، به دلیل مخالفت آنها با شرع و اصرار مجلس بر ضرورت این مصوبات، این دو نهاد قانونی عملاً رو در روی یکدیگر قرار گرفتند. به عبارت بهتر «مصالح نظام» در مقابل «موازین شرع» قرار گرفت.

تشکیل مجمع

در شورای بازنگری، ابتدا با اقتباس از فرمان ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی دایر بر تأسیس و تشکیل مجمع، فقهای شورای نگهبان، رؤسای قوای سه‌گانه، وزیر مربوطه و دو نفر صاحب‌نظر به انتخاب رهبر (جمعاً ۱۲ نفر) به عنوان اعضای مجمع پیشنهاد گردید. اما به خاطر اختلاف نظر بین اعضای شورا، نهایتاً اتخاذ تصمیم در کیفیت و کمیّت اعضای مجمع به رهبری واگذار شد، بدین ترتیب که: «اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید» در اجرای این امر و به موجب حکم مورخ ۱۳۶۸/۷/۱۲ مقام رهبری خطاب به ریاست جمهوری وقت، بیست نفر را با ترکیب فقهای شورای نگهبان، رؤسای قوای سه‌گانه و نه نفر از صاحب‌نظران مسائل فقهی و سیاسی به عنوان اعضای ثابت و همچنین وزیر مربوطه و رئیس کمیسیون مربوطه مجلس شورای اسلامی به عنوان اعضای متغیر برای مدت سه سال منصوب شدند. در احکام دوره‌های بعدی نیز با ترکیب مذکور با پاره‌ای اصلاحات همچنان عضویت مجمع تشخیص مصلحت را عهده‌دار بوده‌اند.

ترکیب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام

ترکیب اعضای دوره هشتم مجمع تشخیص مصلحت نظام در حکم مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۳ عبارت از دو گروه:

۱. اشخاص حقوقی (الف - رؤسای محترم سه قوه ب - فقهای معزز شورای نگهبان ج - رئیس ستاد کل نیروهای مسلح د - دبیر شورای عالی امنیت ملی ه - وزیر یا رئیس دستگاهی که موضوع مورد بحث، به آن دستگاه مربوط است و - رئیس کمیسیون متناسب با موضوع بحث از مجلس شورای اسلامی)
۲. اشخاص حقیقی متشکل از ۳۸ نفر از فقها و دیگر صاحب‌نظران مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند که برای یک دوره پنج ساله انتخاب شده‌اند.

اداره مجمع

آیین‌نامه داخلی جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۶/۸/۳ که در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۵ به تأیید مقام رهبری رسیده مقرراتی را پیرامون اداره و طرز کار مجمع بیان می‌دارد:

کمیسیون‌های مجمع

به‌منظور فراهم آوردن اطلاعات دقیق مربوط به مباحث و مسائلی که در مجمع مطرح می‌شوند و آماده‌سازی آنها برای تصمیم‌گیری و نیز بهره‌گیری کامل از آخرین فرآورده‌های کارشناسی دستگاه‌های مسؤول دولتی و استفاده از تحقیقات کاربردی، توسعه‌ای و بنیادی مؤسسات پژوهشی کشور، کمیسیون‌های تخصصی دائمی و نیز کمیسیون‌های خاص مرکب از اعضاء تشکیل می‌گردد ... کمیسیون‌ها می‌توانند در صورت نیاز کمیسیون‌های فرعی مرکب از چند تن از اعضاء خود، تشکیل دهند.» (ماده ۴).

کمیسیون‌های تخصصی دائمی عبارتند از: ۱. علمی، فرهنگی و اجتماعی؛ ۲. سیاسی، دفاعی و امنیتی؛ ۳. زیربنایی و تولیدی؛ ۴. اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری؛ ۵. حقوقی و قضائی.

«اعضای کمیسیون‌های تخصصی دائمی در نخستین جلسات مجمع با اعلام داوطلبی و رأی مجمع تعیین می‌شوند. هر یک از اعضاء به استثنای رئیس مجمع لزوماً در یک کمیسیون و در صورت تمایل در دو کمیسیون عضویت خواهند داشت» (ماده ۶).

هر کمیسیون دارای یک رئیس و یک نائب رئیس و یک منشی خواهد بود که برای مدت یک سال تعیین می‌شوند و تجدید انتخابات آنها برای سال‌های بعد بلامانع است. منشی کمیسیون می‌تواند از اعضای مجمع یا خارج از آن انتخاب شود (ماده ۷).

دبیرخانه مجمع

«به منظور تنظیم کار کمیسیون‌های دائمی و کمیسیون‌های خاص و برقراری ارتباط با دستگاه‌های مسؤول دولتی و نهادهای و مؤسسات عمومی غیردولتی و استفاده کامل از فرآورده‌های کارشناسی آنها و نیز ارتباط مستمر با شوراهای مشورتی و نظارت بر کارهای اداری و کارشناسی کمیسیون‌ها و ایجاد گنجینه اطلاعات کارآمد از مطالعات و تحقیقات و گزارش‌های مهم کارشناسی مربوط به مسائل ایران و جهان و همچنین نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است و پیگیری آنها و نیز ابلاغ مصوبات و تصمیم‌ها و تدوین صورت مشروح مذاکرات و دیگر امور اداری و اجرایی مجمع دبیرخانه مجمع تشکیل می‌شود. مسؤولیت دبیرخانه با دبیر مجمع است که ریاست دبیرخانه را بر عهده دارد» (ماده ۳۱).

«دبیر مجمع زیر نظر ریاست مجمع انجام وظیفه می‌کند و در موارد لازم رابط مجمع با مقام معظم رهبری است» (ماده ۳۲).

وظایف و اختیارات مجمع

۱. حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان

عَلَّتْ اَوَّلِيَّه و اصلی تأسیس مجمع تشخیص مصلحت، موضوع حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان می‌باشد، همچنان که اصل ۱۱۲ ام مقرر می‌دارد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند ... تشکیل می‌شود ...»

• مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت، پس از بررسی موضوع متنازع‌فیه میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، «با در نظر گرفتن مصلحت نظام» مصوبه مجلس و یا نظر شورای نگهبان را به عنوان مصلحت نهایی مورد تأیید قرار می‌دهد و یا آنکه نظر مستقلاً را مرتبط با موضوع تدوین و به عنوان مصلحت نظام اعلام می‌دارد.

• ارجاع مصوبه مورد اختلاف به مجمع

به موجب ماده ۲۵ آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۲۷: «مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران برای اظهار نظر به شورای نگهبان فرستاده می‌شود، شورای نگهبان چنانچه آن را خلاف موازین شرع یا قانون اساسی تشخیص دهد، نظر خود را به مجلس شورای اسلامی اعلام می‌نماید. چنانچه مجلس شورای اسلامی بر نظر خود باقی بود و با اعلام رأی، ضمن در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکرد و در نتیجه تعارض پیش آمد، مصوبه از طرف مجلس شورای اسلامی برای مجمع تشخیص مصلحت فرستاده می‌شود. رئیس جمهور نیز می‌تواند رسیدگی مصوبه را از مجمع بخواهد. رئیس مجمع هم در مواردی که لازم بداند مصوبه مورد تعارض را در دستور مجمع قرار می‌دهد»

همچنین به موجب بند الف ماده ۲۷: «در مورد تعارض میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان پس از طرح و توضیح مسأله، یکی از اعضای شورای نگهبان و سپس رئیس کمیسیون مربوط در مجلس و آنگاه وزیر یا رئیس دستگاهی که موضوع مورد بحث به

دستگاه وی مربوط می‌شود، توضیح لازم را خواهند داد. آنگاه دو موافق و دو مخالف اظهارنظر خواهند کرد و سپس رأی‌گیری به عمل خواهد آمد.»

• حدود اختیارات مجمع در حلّ اخلاف شورا و مجلس

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت نظام در مواردی که بین مجلس و شورای نگهبان (بر سر «ضرورت مصلحت نظام» یا «لزوم مطابقت قوانین با شرع و قانون اساسی») اختلاف است تشکیل می‌شود. در این صورت، مجمع پس بررسی و تشخیص مصلحت، به اظهارنظر می‌پردازد.

• اعتبار مصوبات مجلس

آن دسته از مصوبات مجمع که در اجرای اصل ۱۱۲ ام برای حلّ اختلاف مجلس و شورای نگهبان است، در مجموعه یک قانون عادی ظاهر می‌شوند، به ترتیبی که در طبقه‌بندی قوانین نمی‌توان ردیف خاصی که بالاتر از قانون عادی باشد برای آنها در نظر گرفت، زیرا آن مصوبات همانند قوانین عادی به اجرا درمی‌آیند.

۲. حلّ معضلات نظام

به موجب بند ۸ اصل ۱۱۰ م: «حلّ معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» و به موجب بند ب ماده ۲۷ آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت: «در مورد معضل که از سوی مقام معظم رهبری ارجاع می‌شود پس از طرح و توضیح مسأله وزیر یا رئیس دستگاه مربوط که معضل را مطرح کرده است توضیح خواهد داد و سپس دو موافق و دو مخالف اظهارنظر خواهند کرد و آنگاه رأی‌گیری به عمل خواهد آمد»

۳. سایر وظایف و اختیارات

• مشاوره با رهبری (با تأکید بر تعیین سیاست‌های کلی نظام)

به موجب قسمتی از اصل ۱۱۲ ام: «مجمع تشخیص مصلحت نظام ... مشاوره در اموری (را) که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد» بر عهده دارد؛ بنابراین مجمع مذکور که اکثر اعضای آن را مقامات و مسؤولان عالی‌مقام تشکیل می‌دهند به عنوان مشاور، مقام رهبری را یاری می‌نمایند. از جمله موارد مشاوره که قانون اساسی به آن تصریح نموده در موارد مربوط (به تعیین سیاست‌های کلی نظام) و ابتکار پیشنهاد اصلاح و یا متمیم قانون اساسی به شورای بازنگری قانون اساسی می‌باشد.

• وظایف اتفاقی

«در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر ... شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد» (اصل ۱۱۱ ام)
«این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د) و (هـ) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند» (اصل ۱۱۱ ام)
اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام. در شورای بازنگری قانون اساسی عضویت دارند. (اصل ۱۷۷ ام)

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

به موجب اصل ۱۷۵ ام قانون اساسی: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس

جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خطمشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.»

رئیس سازمان

ماهیت کار سازمان صدا و سیما به نحوی است که تمام ارکان حکومتی و احاد گروه‌های مردمی را تحت پوشش دارد، به ترتیبی که نمی‌توان آن را کاملاً متناسب به یکی از قوای سه‌گانه دانست؛ بلکه تشکیلاتی مستقل و متمایز را به ذهن متبادر می‌سازد تا آنجا که به رکن و قوه چهارم نظام تعبیر کرده‌اند. به نظر می‌رسد که مضمون اصلی اصل ۱۷۵ ام مؤید این تعبیر باشد که مقرر می‌دارد: «نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است»

بنابراین، رئیس سازمان زیر نظر مستقیم مقام رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام مسؤول و بر اساس قوانین و مقررات انجام وظیفه می‌نماید.

نظارت بر سازمان

به موجب ذیل اصل ۱۷۵ ام: «شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت» با این ترتیب، نظارت مضاعف بر سازمان اعمال می‌شود. فلذا رئیس سازمان، هم در مقابل مقام رهبری و هم در مقابل قوای سه‌گانه مسؤول است

خطمشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما

بدین منظور، اصول کلی قانون خطمشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ بدین شرح است:

۱. حاکمیت اسلام بر کلیه برنامه‌ها و پرهیز از پخش برنامه‌هایی که مخالف معیارهای اسلامی باشد. (ماده ۱)
۲. حاکمیت روح انقلاب و قانون اساسی بر کلیه برنامه‌ها که در شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی متبلور است. (ماده ۲)
۳. تحقق بخشیدن به بینش مقام رهبری به عنوان ولی فقیه در تمامی ابعاد آن در برنامه‌های رادیو و تلویزیون (ماده ۳)
۴. زمینه‌سازی برای رسیدن به خودکفایی و تحقق کامل سیاست مستقل در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی (ماده ۴)
۵. کمک به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه‌های گوناگون به عنوان یک دانشگاه عمومی (ماده ۵)
۶. ارج نهادن به حیثیت انسانی افراد و پرهیز از هتک حرمت آنان طبق ضوابط اسلامی. (ماده ۶)
۷. انعکاس زندگی و احوال تمامی اقوام و اقشار ملت و بیان خواست‌ها و نیازها و مشکلات مردم برای مسؤولین و اطلاع مردم از وظایف و فعالیت‌های دولت در جهت برقراری تفاهم بین مسؤولین و اقشار ملت (مواد ۷ و ۱۵)
۸. پذیرش انتقادات و نظرات سازنده مردم و ایجاد رابطه متقابل با جامعه و نفی تأثیر یک‌جانبه (ماده ۹)
۹. ایجاد وحدت، الفت و انسجام جامعه و بر حذر داشتن مردم از تفرقه و پراکندگی و همچنین تقویت روحیه امید، اعتماد در جامعه و توجه به نیازهای معنوی و روحی مردم (مواد ۸ و ۱۲)

شورای عالی امنیت ملی

ترکیب شورا

اعضای شورای عالی امنیت ملی در قسمت دوم اصل ۱۷۶، بدین شرح مقرر گردیده است: «اعضای شورا عبارتند از:

— رؤسای قوای سه‌گانه

- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
 - مسؤول امور برنامه و بودجه
 - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری
 - وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات؛
 - حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه»
- این شورا به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌شود.

با توجه به ترکیب مذکور ملاحظه می‌شود که شورای عالی امنیت ملی دارای چهره کاملاً سیاسی است و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه حسب مورد و فقط به هنگام طرح مسائل نظامی به جلسه دعوت می‌شوند که در این صورت، آراء آنها (دو رأی) در مقابل آراء کل اعضای شورا (۱۳ رأی) اصولاً نمی‌تواند تعیین کننده باشد.

تشکیلات درونی شورا

قسمت سوم اصل ۱۷۶ مقرر داشته است: «شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.»

مقررات مذکور، در بیان تشکیل شوراهای فرعی، با تمثيل، شورای دفاع (در امور دفاعی) را از شورای امنیت (در امور امنیتی) متمایز ساخته است. این تفکیک نشان دهنده این است که شورای عالی امنیت ملی، در مقام تدوین و تعیین خطمشی کلی و هماهنگ قرار دارد و آنگاه که تصمیمات کلی مشخص گردید، هر یک از شوراهای فرعی به طور تخصصی ایفای وظیفه می‌نمایند. در این صورت:

۱. نیروهای انتظامی طبق معمول (با تجویز مقام رهبری و تعیین رئیس جمهور) زیر نظر وزیر کشور و شورای امنیت کشور، در سطح داخلی مراقب امنیت کشور هستند.
۲. نیروهای نظامی زیر نظر رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح و شورای دفاع (و تحت ریاست فرماندهی کل نیروهای مسلح) مسؤولیت حفظ حدود و ثغور کشور را بر عهده می‌گیرند.

اهداف و وظایف شورای عالی امنیت ملی

اهداف شورا

در قسمت اول اصل ۱۷۶ ام آمده است: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» تشکیل می‌گردد.»

وظایف و اختیارات شورا

برای تأمین اهداف یادشده قسمت دوم اصل ۱۷۶ ام، وظایفی را مشخص نموده است:

۱. تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور
۲. هماهنگی امور کشور با تدابیر دفاعی - امنیتی
۳. بهره‌گیری از امکانات کشور برای مقابله با تهدیدات خارجی

مصوبات شورای عالی و حدود اختیارات شوراهای فرعی

آخرین قسمت اصل ۱۷۶ ام مقرر می‌دارد: «حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست»

- ✓ شورا در اتخاذ تصمیم خود مستقل از قوای سه‌گانه عمل می‌کند و چه بسا پس از تأیید مقام رهبری تصمیمات شورا موجبات نسخ یا نقض قوانین و آیین‌نامه‌های سابق را فراهم آورد.
- ✓ شوراهای فرعی نیز که ابتکار تشکیل آنها منحصرأ در اختیار شورای عالی امنیت ملی است حدود اختیاراتشان باید به موجب قانون بوده و بنابراین از یک سو بر اساس قانون اعمال وظیفه کنند و از سوی دیگر موظف به تبعیت از مصوبات و تصمیمات شورای عالی در محدوده سیاست‌های مقام رهبری می‌باشند.
- ✓ برخی از مصوبات و یا تصمیمات شورا که مستقیماً ارتباط با سیاست‌های دفاعی - امنیتی دارد، ممکن است به امور جنگ و صلح و قراردادهای بین‌المللی (نظیر قرارداد مربوط به صلح و یا خرید اسلحه و نظایر آن) منجر شود. در اینجا چون اعلان جنگ از اختیارات خاص مقام رهبری است، با تأیید مصوبات شورا توسط آن مقام قابل اجرا خواهد بود؛ اما برنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی (و از جمله قراردادهای نظامی و تسلیحاتی) باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.
- ✓ بند آخر اصل ۱۷۶ در مورد لازم‌الاجرا بودن مصوبات شورای عالی امنیت ملی در صورت تأیید از طرف مقام رهبری بیانگر آن است که این شورا یکی از مراکز تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ و مصوباتش در حکم قانون و قابل اجراست.

شورای بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

به موجب اصل ۱۷۷ ام قانون اساسی: «بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

۱. اعضای شورای نگهبان.
۲. رؤسای قوای سه‌گانه.
۳. اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴. پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری.
۵. ده نفر به انتخاب مقام رهبری.
۶. سه نفر از هیأت وزیران.
۷. سه نفر از قوه قضائیه.
۸. ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی.
۹. سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری

اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.»

- ✓ تعدد مراکز قدرت زمامداری و تفکیک قوای سه‌گانه به گونه‌ای که تشخیص ضرورت بازنگری را به مقامات متعددی مرتبط می‌سازد؛ ولی با توجه به ولایت مقام رهبری این امر مهم بر عهده این مقام قرار گرفته است.
- ✓ ترکیب شورای بازنگری مرکب از افرادی است که مسؤولیت نهادهای کلیدی کشور را بر عهده داشته و رئیس جمهور نیز به عنوان یکی از این اعضا و نه رئیس این شورا انجام وظیفه می‌کند.
- ✓ علی‌رغم اینکه مصوبات شورای بازنگری می‌بایست پس از تأیید مقام رهبری به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد، مردم نقشی در تدوین و انشای قانون نداشته بلکه صرفاً مواد تدوین شده را با رأی «آری» یا «نه» تأیید یا رد می‌کنند.
- ✓ در خصوص همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی لازم نیست که درخواست مراجعه به آراء عمومی به تصویب $\frac{2}{3}$ مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای نگارشی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «حقوق

اساسی جمهوری اسلامی ایران دکتر هاشمی» کمک گرفته‌ایم. به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۱ اینستاگرام: @omid_mollakarimi



امید ملاکریمی هستم؛ یه حواس‌پرت متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک‌گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که یه کار ثابت هم داشتیم که ماهانه یه حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام یه کارمند سطح بالا توو یه اداره بشم که نهایتاً یه حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به یه حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به یه حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم یه نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو به محیط اداری» فراری باشد. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!؛ یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتیم که به موفقیت برسیم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه یه کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتیم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اول برو یه جاسوئیچی برای ماشینی که توو رویاته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم قانون رو داره و وکیل‌های قانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤول یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یسر». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتیم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا پیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

(پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.)

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

به شماره همراه +۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتس‌آپ بدین و از من بخواهید تا تمام جزواتی را که تضمین‌کننده قبولی

شما در آزمون وکالت، قضاوت، سردفتری، کارشناسی ارشد و دکتری است را به رایگان برایتان ارسال کنم!